

چارچوب نظری دولت الکترونیک

نسخه ویرایشی ۸۴/۸/۲۴

اردوان مجیدی

تدوین، آماده سازی متن و ویرایش

رضا درخشان

غلامرضا صفرنیا

پژوهشگران و همکاران

پژوهش و ارائه این مجموعه با تلاش و همکاری در یک کار گروهی طی مدت سه سال (بدون در نظر گرفتن پژوهشهای قبلی و جانبی که نتایج آن در این کار مورد استفاده قرار گرفت) انجام شده است.

مهندس مجتبی جعفری

مشاور و ریاست وقت مرکز فن آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری

مهندس سید هادی سجادی

مدیر کل وقت دفتر تحقیقات و برنامه ریزی مرکز فن آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری

اردوان مجیدی

معمار ارشد و سرپرست تیم پژوهش

مهندس سید شروین استاد زاده

مهندس رضوی

مهندس حسین آب نیکی

مهندس یوسف بشارتی

با تشکر از همکاری اجرائی

آقای ابراهیم نصیرزاده

آقای جواد دموخی

آقای نقی زاده

آقای کارگر

آقای عباسی

آقای ربانی

پژوهشگران و معماران

مهندس رضا درخشان

دکتر محسن صدیقی مشکنانی

مهندس غلامرضا صفرنیا

مهندس حمید رضا رستمی

آقای امیر مسعود حبیبیان

دکتر فریدون شمس

دکتر علی کریمی

دکتر مهدی مظفری

دکتر میر علی سیدی

مهندس حسن حمزه لویی منفرد

مهندس حمید رضا شیخی

مهندس فرهاد بهمنی

با تشکر از همراهی، راهنمایی

و مشاوره های

مهندس علی فتح الهی

دکتر شهریار پورآذین

مهندس برات قنبری

دکتر صدری

مهندس خدابنده

دکتر بصیری

دکتر محمود شارع پور

مهندس خالقی

دکتر یزدیان

مهندس زارعی

دکتر سعید جلیلی

مهندس ترابیان

دکتر رسول جلیلی

حق نشر و بهره برداری از این کتاب متعلق به موسسه مطالعات راهبردی فن آوری اطلاعات
(طلیحه ستاره فروزان) می باشد.

بخشی از مطالعات این کتاب با هزینه مرکز فن آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری و از محل طرح تکفا، و سایر مطالعات و نیز تمام مراحل
تدوین و آماده سازی آن با هزینه اختصاصی این موسسه صورت گرفته است.

فهرست مستندات^۱ مجموعه راه دولت

۱. چکیده: چکیده مبسوط طرح دولت الکترونیک
۲. کلیات طرح دولت الکترونیک
۳. چارچوب نظری دولت الکترونیک
۴. چم: چارچوب و متدولوژی معماری نظامهای خرد و کلان
۵. مطالعه تطبیقی دولت الکترونیک
۶. دورنمای معماری دولت الکترونیک
۷. خواستگاه مهندسی نظامهای کلان
۸. سند راهبردی و معماری کلان نظام فاوای نهاد ریاست جمهوری
۹. معماریهای کلان وظیفه ای نظام فاوای نهاد - دسته اول

^۱ - این مستندات هم در قالب متن به شکل حاضر، و هم در قالب اسلاید، و برخی از آنها به شکل ارائه نما (فیلم توضیحات اسلاید) آماده و ارائه شده است.

فهرست

- پیشگفتار مجموعه ۱۰
- چکیده مجموعه ۱۳
- پیشگفتار ۱۸
- مقدمه ۲۰
- ۱-۱- تبیین اجمالی موضوع ۲۰
- ۱-۲- مساله توسعه دولت الکترونیک ۲۱
- ۱-۳- پدیده دولت الکترونیک؛ دیدگاه‌های مختلف ۲۱
- ۱-۴- سوالات پیشینی و پسینی ۲۵
- ۱-۴-۱- سوالات پیشینی - ۱ ۲۵
- ۱-۴-۲- سوالات پیشینی - ۲ ۲۶
- ۱-۴-۳- سوالات پسینی ۲۶
- ۱-۵- بخش‌ها و مستندات طرح ۲۷
- ۱-۶- بنیان نظری یک نظام کلان ۲۸
- ۱-۷- چارچوب دستگاه نظری دولت الکترونیک ۲۹
- ۱-۷-۱- معماری چم در دستگاه نظری ۳۱
- ۱-۷-۲- نظریه فراکتالیسم در دستگاه نظری ۳۴
- ۱-۸- مولفه‌ها و ابعاد چارچوب نظریه دولت الکترونیک ۳۶
- ۱-۹- ربط نظریه دولت با نظریه رفتاری فرد - فرهنگ؛ بسط مدل فرد تا دولت ۳۹
- ۱-۱۰- ارائه ابعاد چارچوب دستگاه نظری ۴۱
- ۱-۱۱- چارچوبی برای مطالعه عمیق تر ۴۱
- ۱-۱۲- روش شناس بحث ۴۲
- اطلاعات ۴۳
- ۲-۱- واژه اطلاعات و واژه الکترونیکی ۴۳
- ۲-۲- تعریف اطلاعات ۴۴
- ۲-۳- ربط واژه الکترونیک با اطلاعات ۴۶

- فن آوری اطلاعات..... ۴۷
- ۳-۱- مفهوم فن آوری اطلاعات و ارتباطات؛ تفاوت با مفهوم مهندسی سیستم های رایانه ای ... ۴۷
- ۳-۲- مفهوم فن آوری در مقایسه با علم..... ۵۱
- ۳-۳- ماهیت فن آوری اطلاعات و ارتباطات ۵۱
- ۳-۴- تعریف فن آوری اطلاعات و ارتباطات..... ۵۲
- ۳-۵- نوع تغییرات در هر لایه و محدوده اثر ۵۲
- ۳-۶- نوع اثر در برنامه ریزی توسعه..... ۵۳
- جامعه..... ۵۵
- ۴-۱- انسان؛ ادراک، نیازها، ارزش ها و رفتارها ۵۷
- ۴-۲- انسان: خود و دیگری؛ بنیادهای شکل گیری جامعه در نفس ۵۸
- ۴-۳- مولفه بنیادی جامعه..... ۵۹
- ۴-۴- ابعاد کلیدی برای درک پدیده جامعه ۶۰
- ۴-۴-۱- جامعه در پهنه محیط و جغرافیا..... ۶۰
- ۴-۴-۲- انقیاد ابزارها، موجودات و منابع ۶۱
- ۴-۴-۳- جامعه به مثابه یک نظام..... ۶۳
- ۴-۴-۴- تعاملات ۶۳
- ۴-۴-۵- جامعه در پهنه زمان ۶۴
- ۴-۴-۶- فرهنگ جامعه و فرهنگ افراد..... ۶۵
- ۴-۴-۷- فرارفتارها: عوامل شکل دهنده رفتارها در پهنه فرهنگ..... ۷۰
- ۴-۴-۸- گستره ای از وجوه مشترک ۷۲
- ۴-۴-۹- رفتار با معنای افراد در جامعه..... ۷۳
- ۴-۴-۱۰- جامعه به مثابه یک موجود و پدیده زنده ۷۴
- ۴-۴-۱۱- تحول خودسازمانده جامعه..... ۷۶
- ۴-۴-۱۲- پایداری جامعه..... ۷۷
- ۴-۵- تعریف جامعه (مبسوط)..... ۷۸
- ۴-۶- تعریف جامعه (چکیده)..... ۷۹

- ۷-۴- موتور اصلی جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای کل جامعه ۷۹
- ۸-۴- جامعه مدنی ۸۳
- جامعه اطلاعاتی ۸۵
- ۱-۵- ابعاد کلیدی برای درک پدیده جامعه اطلاعاتی ۸۶
- ۱-۱-۵- جامعه اطلاعاتی در پهنه محیط و جغرافیا ۸۶
- ۲-۱-۵- انقیاد افزارها، موجودات و منابع ۸۷
- ۳-۱-۵- جامعه اطلاعاتی به مثابه یک نظام ۸۹
- ۴-۱-۵- تعاملات ۹۰
- ۵-۱-۵- جامعه اطلاعاتی در پهنه زمان ۹۰
- ۶-۱-۵- فرهنگ جامعه اطلاعاتی و فرهنگ افراد ۹۲
- ۷-۱-۵- فرارفتارها: عوامل شکل دهنده رفتارها در پهنه فرهنگ ۹۳
- ۸-۱-۵- گستره‌ای از وجوه مشترک ۹۴
- ۹-۱-۵- رفتار بامعنای افراد در جامعه اطلاعاتی ۹۴
- ۱۰-۱-۵- جامعه به مثابه یک موجود و پدیده زنده ۹۵
- ۱۱-۱-۵- تحول خودسازمانده جامعه اطلاعاتی ۹۶
- ۱۲-۱-۵- پایداری جامعه اطلاعاتی ۹۶
- ۲-۵- تعریف جامعه اطلاعاتی ۹۸
- ۳-۵- ارکان جامعه اطلاعاتی ۹۹
- ۴-۵- محیط جامعه اطلاعاتی ۹۹
- ۵-۵- برخی از خصوصیات جامعه اطلاعاتی ۹۹
- ۶-۵- مسائل کلیدی جامعه اطلاعاتی ۱۰۴
- ۷-۵- توانمندی‌های جامعه اطلاعاتی (مزایا و اثرات مطلوب) ۱۰۶
- ۸-۵- عوارض جامعه اطلاعاتی؛ مطلوب یا نامطلوب ۱۰۷
- ۹-۵- ملزومات جامعه اطلاعاتی ۱۰۹
- ۱۰-۵- وجوه اقدامات برای تحقق مطلوبتر جامعه اطلاعاتی ۱۱۳
- دولت و حکومت ۱۱۵

- ۱-۶- تبيين يك واژه : دولت ۱۱۶
- ۲-۶- ماهيت دولت از دیدگاه برخی متفكران علم سياست ۱۱۸
- ۳-۶- عناصر بنيادی دولت ۱۱۹
- ۴-۶- یادآوری : موتور اصلي جامعه در تصميم گيري ها و رفتارهای كل جامعه ۱۲۰
- ۵-۶- جامعه مدني + حكومت ۱۲۱
- ۶-۶- مسئله اصلي در رابطه جامعه با حكومت ۱۲۲
- ۷-۶- دولت ۱۲۳
- ۸-۶- بستره و فضای تصميم گيري دولت ۱۲۶
- ۹-۶- مهندسی تصميم و فراكتاليسم ۱۲۶
- ۱۰-۶- دولت : جامعه مقتدر ۱۲۹
- ۱۱-۶- جامعه، حكومت و دولت ۱۳۱
- ۱۲-۶- خصوصيات دولت ۱۳۱
- ۱۳-۶- ملزومات دولت ۱۳۴
- ۱۴-۶- ديناميسم دولت ۱۳۶
- ۱۵-۶- نکته مهم: لزوم تمايز در تبيين مفهوم ساختار ارگانيك ۱۳۶
- ۱۶-۶- خصوصيات رويکرد ما در تبيين: مفهوم، ماهيت و خصوصيات دولت ۱۳۸
- ۱۷-۶- نتيجه گيري ۱۴۱
- حكومت الکترونیک و دولت الکترونیک ۱۴۲
- ۱-۷- حكومت الکترونیکي برای جامعه اطلاعاتي ۱۴۳
- ۲-۷- بنيادهای حكومت الکترونیک ۱۴۴
- ۳-۷- حكومت الکترونیک ۱۴۴
- ۴-۷- یادآوری : برخی از خصوصيات جامعه اطلاعاتي ۱۴۵
- ۵-۷- یادآوری : ملزومات جامعه اطلاعاتي ۱۴۷
- ۶-۷- تمايل شديد خصوصيات و ملزومات جامعه اطلاعاتي به خصوصيات و ملزومات دولت :
و جوه مشترك ۱۴۸
- ۷-۷- حكومت الکترونیک يا دولت الکترونیک ۱۴۹

- ۷-۸- پیدایش دولت الکترونیک از حکومت الکترونیک؛ حرکتی خودجوش ۱۵۰
- ۷-۹- دولت الکترونیک ۱۵۲
- ۷-۱۰- ارکان دولت الکترونیک ۱۵۳
- ۷-۱۱- دولت الکترونیک ۱۵۳
- ۷-۱۲- نگرش‌ها به حکومت - دولت الکترونیک ۱۵۴
- ۷-۱۳- فن‌آوری اطلاعات در خدمت حکومت و دولت؛ ابزار یا تحول حکومت و دولت.. ۱۵۶
- ۷-۱۴- خصوصیات محوری دولت الکترونیک ۱۵۷
- ۷-۱۵- حکومت - دولت الکترونیک: سه موضوع محوری ۱۵۸
- ۷-۱۶- شکل محوری کارکردی دولت الکترونیک ۱۵۹
- ۷-۱۷- کارکردهای اساسی دولت الکترونیک ۱۵۹
- ۷-۱۸- پیامدهای اساسی دولت الکترونیک ۱۶۲
- ۷-۱۹- عوارض اساسی دولت الکترونیک ۱۶۶
- ۷-۲۰- ملزومات اساسی دولت الکترونیک ۱۶۸
- ۷-۲۱- ملزومات: پیش‌بینی برای کاهش عوارض ۱۷۰
- ۷-۲۲- واژه دولت الکترونیک به جای: هم دولت و هم حکومت الکترونیک ۱۷۰
- نتیجه‌گیری ۱۷۳
- ۸-۱- نتیجه‌گیری اول ۱۷۳
- ۸-۲- نتیجه‌گیری دوم ۱۷۳
- ۸-۳- ارزیابی چارچوب نظری ۱۷۴
- ۸-۳-۱- مرور سولات پیشینی ۱ ۱۷۴
- ۸-۳-۲- مرور سولات پیشینی ۲ ۱۷۵
- سخن آخر ۱۷۶

پیشگفتار مجموعه

حمد، خداوند متعال را که برترین موجودات، و خلیفه خود در زمین را چنان آفرید که با جمع شدن در کنار یکدیگر، پدیده جامعه را به گونه ای شکل می دهند، که روح و رفتار مستقلى را به عنوان يك موجود متفاوت دارا است؛ و در پس خلق تك موجود متعالی که روح او در آن دمیده شده، خلقی دیگر، در ترکیب و به هم پیوستن این تك موجودات نهفته است. و تکامل و تعالی این خلق دیگر، در یافتن انسجام و یکپارچگی در قالب یک نظم سازمان یافته عقلانی، و جریان یافتن اقتدار در آن، در قالب پدیده دولت است؛ که خود خلقی دیگر است. فتبارك الله احسن الخالقين.

و تجلی زیبایی این خلق احسن زمانی بیشتر می شود، که این موجود، از برترین و زیباترین آفریده های خود در این دوران، یعنی فن آوری اطلاعات، بستر نوع دیگری از این خلق دیگر را پی ریزی کند؛ دولت الکترونیک! فتبارك الله احسن الخالقين.

و خداوند متعال را حمد که ما را به این نقطه هدایت کرد، و اگر هدایت و یاری او نبود، هرگز به اینجا نمی رسیدیم؛ و این توفیق را به ما داد که این طرح را به نقطه ای برسانیم که نتایج و مستندات کنونی آن، در دست مخاطبان گرامی است.

طرح مطالعه، طراحی معماری و تدوین سند دولت الکترونیکی کشور، از سال ۱۳۸۱ در مرکز فن آوری اطلاعات ریاست جمهوری ارائه شد. با فراز و نشیبهای اجرائی بسیاری که در سه سال بعد با آن مواجه شده و موجبات کندی فراوانی گردید، فاز صفر طرح برای تبیین صورت مسئله، و ابعاد اساسی طرح، به حمد و یاری خداوند در انتهای سال ۱۳۸۳، به پایان رسد.

نکته اساسی در این طرح، رویکرد متفاوتی است که طرح در برنامه ریزی توسعه اتخاذ کرده، و نگاه متفاوتی است که به پدیده دولت الکترونیک، و برنامه ریزی توسعه آن داشته است. هر چند که

این رویکرد و نگاه متفاوت، در ابتدای امر ممکن است توسط بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان و مدیران حوزه‌های مرتبط، آشنا و قابل هضم نباشد، و گنجاندن مفاهیم، برنامه‌ها و روش‌های آن، در کلیشه‌های موجود و متداول برنامه‌ریزی توسعه، برای آنان دشوار باشد. اما با کمی سعه صدر، صبر، و صرف وقت در مطالعه عمیقتر (و نه نگاه اجمالی و سرسری به فهرست، و تصمیم‌گیری بر اساس آن، آنچنان که امروزه رایج است)، و آمادگی برای اجتناب از تعصب بر روش‌های پیشین در صورت یافتن حق در روشی متفاوت، روش و رویکرد این طرح را کاملاً علمی، و عملی می‌یابند.

در این مطالعه، زمینه یک نظریه پردازی مفصل در حوزه دولت الکترونیک فراهم شد. هر چند که ما هنوز در ابتدای مسیر این نظریه پردازی هستیم، اما در همین اوان راه هم، بنیادهای این نظریه در ترکیب و شالوده‌ای از تبیین روابط نظری بین نظریه‌های دولت، جامعه اطلاعاتی، اطلاعات، فن‌آوری اطلاعات، معماری و مهندسی نظام‌های کلان، شکل گرفت.

اغلب خرده‌گیریها، نقدها و مقاومت‌هایی که در مورد این سند می‌شود، (با تاسف) نه خرده‌گیریهای منطقی و فنی، بلکه حاکی از ناباوری مبنی بر این است که بتوان روشی را که در کشورهای غربی هم بدین شکل مرسوم نبوده، در ایران ابداع نمود. و ناباوری در امکان پیوند عملی بین نظریه‌ها، معماری، و طرح و برنامه راهبردی و عملیاتی است.

ما این را نشان داده‌ایم، و به یاری و خواست خداوند متعال در ادامه راه نیز نشان خواهیم داد، که چنین چیزی عملی است. و در امید خود اطمینان داریم، خداوند کریم که به کرم خود ما را در این مسیر داخل ساخته است، این طی طریق را به ثمر خواهد رساند؛ چرا که گفته‌اند الاکرام بالاتمام.

ابعاد مطالعه در خود مستندات، و حداقل در چکیده آن مطرح شده است. نقدهای فنی و علمی صاحب‌نظران محترم، قطعاً ما را در ادامه مسیر و پخته کردن این کار، یاری خواهد رساند. کما اینکه تا کنون نیز استفاده بسیاری از این نقدها، در این جهت داشته‌ایم. لذا امیدواریم این نقدها کماکان یاری رسان ما در رفع نواقص و اصلاح مسیر باشد، و لذا مواکداً آن را طلب و از آن استقبال می‌کنیم.

مستنداتی که اکنون در اختیار دارید، یک مستندات میانی است، که با توجه به ضرورت‌های اجرائی، بدین شکل و در این مرحله، در اختیار مخاطبان محترم قرار گرفته است. با توجه به محدودیت زمانی و فشارهای اجرائی، هنوز تدوین و ویرایش نهائی صورت نگرفته است. لذا جای جای آن هنوز دارای اشکالات تدوینی فنی و ادبی است. هدف و تلاش ما بر آن است که این مجموعه، پس از تدوین دقیقتر و ویرایش، در شکل چند کتاب منتشر شود (ان شاء الله). مستندات خروجی این مطالعه و

طرح، شامل مجموعه ای از اسلایدها، ارائه نماها^۱، و مستندات مکتوبی است که بر اساس توضیح آن اسلایدها آماده شده، و نمونه آن در اختیار شما است.

این فعالیت حاصل یک کار گروهی طی مدت سه سال است. هر چند که مطالعات مربوط به روش و رویکرد، و برخی از ابعاد دیگر طرح، حداقل ۱۴ سال است که آغاز شده است. و در صورت خواست و یاری حق تعالی، کماکان ادامه خواهد یافت.

در اینجا لازم است تا از جناب آقای دکتر محمد رضا عارف، معاونت محترم ریاست جمهوری که حرکت این طرح را در مراحل اولیه و آخر آن، مورد حمایت و توجه جدی قرار دادند، و بخصوص از جناب آقای مهندس مجتبی جعفری، مشاور محترم نهاد و ریاست مرکز فن آوری اطلاعات ریاست جمهوری، و جناب آقای مهندس سید هادی سجادی، مدیر کل محترم دفتر تحقیقات و برنامه ریزی مرکز فن آوری اطلاعات ریاست جمهوری، که با فراهم ساختن زمینه عملیاتی و اجرایی طرح، و نیز شرکت در مباحثات فنی، راهبردی و علمی، قدم اساسی را در انجام این طرح برداشته اند، و نیز کلیه همکارانی که در پژوهشها و مباحثات علمی، راهبردی و فنی، و امور اجرایی یاری کرده اند، تشکر و قدردانی شود.

امیدواریم این کار مورد توجه و عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و عجل الله تعالی فرجه، قرار گیرد، و خداوند متعال توفیق تکامل طرح و معماری، و عملی شدن و شکل گیری آن را به عنوان بستری برای دولت کریمه فراهم سازد.

اردوان مجیدی

بابلسر

دوم تیرماه ۱۳۸۴

چکیده مجموعه

نهاد ریاست جمهوری، برای انجام وظایف اصلی خود نیازمند تعامل موثر با دستگاهها، چه به شکل دستیابی و ارائه اطلاعات، و چه به شکل انجام فعالیتها و دریافت و ارائه خدمات است؛ به نحوی که بخش اصلی اطلاعات و فعالیتهای نهاد، در تعامل با سایر دستگاهها شکل می گیرد. به همین دلیل، پرداختن به حوزه فن آوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) نهاد ریاست جمهوری، بدون پرداختن به بستر فعالیت دستگاهها در حوزه فن آوری اطلاعات و دولت الکترونیک، ممکن و موثر نیست. مرکز فن آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری با علم به این موضوع، از سال ۱۳۸۱، فعالیت طرح مطالعه، طراحی و تدوین معماری و سند ملی دولت الکترونیک را آغاز نمود. در فاز صفر این فعالیت که به حمد و یاری خداوند متعال به پایان رسیده است، رویکردها، روشها، بنیادهای نظری، دورنمای معماری و ابعاد راهبردی دستیابی به دولت الکترونیک در کشور، مورد مذاقه، تبیین و طراحی قرار گرفته است.

ضمن آنکه به موازات انجام این مطالعه، و مبتنی بر آن، دو فعالیت عملیاتی و توسعه اساسی نیز آغاز و دنبال گردید؛ از یک سو طرح نظام فاوای نهاد، برای ایجاد بستر فن آوری اطلاعات و دولت الکترونیک در نهاد، مبتنی بر طراحی معماری نظام فاوا؛ و از سوی دیگر طرح شبکه دولت، به عنوان ایجاد زیر ساختهای دولت الکترونیک در سطح کشور. به عبارت دیگر طرح دولت الکترونیک را می توان به عنوان بستر سازمان دهنده، یکپارچه ساز و معماری بنیادین فعالیتهای مرکز فن آوری اطلاعات نهاد طی این مدت، نیز محسوب نمود. در این ارائه به اجمال به تبیین چکیده طرح دولت الکترونیک، و پس از آن ارائه گزارش مختصری از دو فعالیت عملیاتی مورد بحث، پرداخته خواهد شد (ان شاء الله). محورهای بحث در تبیین چکیده طرح دولت الکترونیک عبارتند از:

- مقدمه ای بر تبیین پدیده دولت الکترونیک، دیدگاههای مختلف در تبیین این پدیده
- ضرورت، خصوصیات، رویکرد و ابعاد اساسی طرح و محصولات محوری

- اشاره ای به مطالعه تطبیقی انجام شده
- اشاره ای اجمالی به متدولوژی
- نگاهی اجمالی به چارچوب نظری دولت الکترونیک و محورهای بنیادی آن
- نگاهی سریع به دورنمای معماری دولت الکترونیک
- اشاره مختصر به مسیر تحقق، گامها، چشم انداز دولت الکترونیک در ۱۴۰۰ و راهبردهای دولت الکترونیک
- معرفی سند راهبرد ملی دولت الکترونیک

پدیده دولت الکترونیک از دیدگاههای مختلفی تبیین و به آن پرداخته می شود. برخی از این دیدگاهها به این پدیده نگاهی ابزاری دارند؛ به صورتی که دولت و حکومت، با همان ساختار و بنیادهای موجود، ابزار فاوا را در فعالیتهای خود بکار می گیرد. اما دیدگاههای دیگری نیز وجود دارد که به تحول دولت، ساختارها و حتی مفاهیم مطرح در آن، بر اثر بکارگیری وسیع الطیف فاوا، قائل هستند. از پنجره نگاه این دیدگاهها، نوع جدیدی از دولت در حال شکل گیری است. رویکردی که در نگاه ابزاری وجود دارد، با رویکرد در نگاه تحول دهنده، متفاوت خواهد بود. رویکرد تحول دهنده به پی ریزی زیر ساختی برای تحول می پردازد و مکانیزمهای اساسی و راهبردهای چنین پی ریزی را تبیین می کند. در حالی که رویکرد ابزاری، تنها به تعریف طرحها و پروژه های ایجاد کننده ابزارها می پردازد. و البته دستیابی به رویکرد تحول دهنده، مستلزم فراهم سازی مقدمات نظری و طراحی است.

از سوی دیگر، پدیده دولت الکترونیک، ماهیتا نیازمند تحقق یکپارچگی (و نه تمرکز) در فعالیتهای نظامهای فن آوری اطلاعات دستگاههای دولتی است. در اینجا توجه به چند واقعیت ضروری است. اول آنکه دولت الکترونیک باید ایجاد شود و پوشش کاملی از ارائه خدمات و اطلاعات را فراهم کند. دوم آنکه دولت الکترونیک در دستگاههای مختلف به اشکال مختلف و خصوصیات مختلف ایجاد می شود. و سوم آنکه ماهیت دولت الکترونیک، تعامل بین دستگاهی و یکپارچگی آن را طلب می کند. لذا یکپارچگی، و سازگاری و امکان تعامل بینایی، به همراه کیفیت، از خصوصیات مورد انتظار دولت الکترونیک است. این واقعیتها، نیاز به یک وفاق (چه به شکل راهبردی، چه به شکل عملیاتی، چه به شکل فرابخشی، و چه به شکل بخشی) را ایجاد می کند. سند ملی دولت الکترونیک، می تواند چنین وفاقی را برای تضمین دستیابی به کمیت، کیفیت، یکپارچگی،

سازگاری و امکان تعامل بینابینی، تامین کرده؛ و بستر و مکانیزمی برای دسترسی به این خصوصیات را فراهم نماید.

در اینجا این نکته قابل تعمق خواهد بود که دو دسته دیدگاههای ابزاری و تحول دهنده، نگاههای متفاوتی را به سند دولت الکترونیک و وفاق مورد انتظار خواهند داشت. سند ملی در دیدگاههای دسته اول، توسعه ابزاری د.ا. و فراهم کردن ملزومات و برخی استانداردها را، حداکثر برای همکاری، هماهنگی و تعامل بین سیستمها و دستگاهها، مد نظر قرار می دهد. در حالی که در دیدگاههای دسته دوم، این سند باید تضمین کننده توسعه بنیادی ساختارها، مفاهیم و رفتارهای دولت در بستره فاوا باشد، و شکل گیری نوع جدیدی از دولت را تبیین و تمهید نماید. این طرح، بر اساس تحلیلهای نظری انجام شده، از زاویه دیدگاههای دسته دوم به پدیده دولت الکترونیک می نگرد.

تحول و توسعه یک نظام کلان نظیر دولت الکترونیک کشور، بخصوص در تطابق و تعادل با تحولات سریع محیط اطراف، نیازمند یک حرکت مدبرانه و برنامه ریزی شده است. چیزی که در این میان اهمیت بسیار زیادی پیدا می کند، اتخاذ رویکرد مطلوب، و انتخاب مسیر مناسب برای انجام این حرکت است. عدم وجود طراحی معماری برای نظام کلان و نیز عدم وجود بنیانهای نظری، به نحوی که شالوده یکپارچه‌ای را برای معماری نظام فراهم آورد، چیزی است که به عنوان یک خلاء در رویکردهای متداول قابل مشاهده است. خلائی که این طرح سعی در رفع آن داشته، و برنامه ریزی توسعه مبتنی بر طراحی معماری و نیز مبتنی بر تبیین یک دستگاه نظری واحد را، به عنوان دو رویکرد اساسی، اتخاذ می کند.

به همین لحاظ، طرح تعدادی از سئوالات پیشینی و پسینی را پیش روی خود قرار می دهد. سئوالاتی نظیر اینکه تعریف دولت الکترونیک چیست، خصوصیات مطلوب د.ا. و د.ا. مطلوب چیست، و کارکردها و پیامدها، عوارض و ملزومات تحقق د.ا. چیست، از سئوالات پیشینی هستند که مطالعه نظری انجام شده به آنها پاسخ می دهد. و سئوالاتی نظیر اینکه د.ا. باید چه ساختار، معماری و رفتاری داشته باشد، چشم انداز، راهبرها و گامهای تحقق د.ا. چه باید باشد، از سئوالات پسینی هستند که در سایر بخشهای مستندات طرح به آنها پاسخ داده شده است.

در مراحل انجام شده فاز صفر این طرح، پس از مطالعه تطبیقی در سایر کشورهای جهان و نیز بررسی فعالیتهای انجام شده در ایران (نتایج در: مستندات مطالعه تطبیقی)، متدولوژی و چارچوبی برای طراحی معماری تبیین و ترسیم شده (مستندات چم)، مطالعه ای در چند حوزه مختلف نظری انجام شده و چارچوب اولیه نظری دولت الکترونیک تبیین شده (مستندات چارچوب نظری)، دورنمای معماری د.ا. طراحی شده (مستندات

دورنمای معماری)، برنامه عملیاتی و کلیات طرح تبیین شده (مستندات کلیات طرح و برنامه عملیاتی)، و در نهایت راهبرد ملی دولت الکترونیک (سند) تدوین شده است.

مطالعه تطبیقی انجام شده، به جمع بندی محورهای فعالیتهای انجام شده، دیدگاهها، رویکردها و روشهای مورد استفاده، مفاهیم و اصطلاحات موجود در این حوزه در جهان پرداخته و تلاش می کند، برداشت یکپارچه ای را از پدیده دولت الکترونیک در جهان (و نه لزوما برداشت ما از این پدیده)، ارائه کند. برای این کار ضمن بررسی پدیده جامعه اطلاعاتی از منظر دیگران، تبیین سیر تکاملی پدیده دولت الکترونیک، به کالبد شکافی این پدیده از نگاه افراد مختلف و اسناد کشورهای مختلف می پردازد. در این مطالعه، همچنین به اجمال به برخی حرکت‌های انجام شده در کشور در این حوزه پرداخته می شود.

متدولوژی و چارچوب معماری (چم)، ضمن تبیین ابعاد نظامهای خرد و کلان و تفکیک آنها، فراروند اساسی در دستیابی به توسعه در نظامهای کلان و خرد را، مبتنی بر تبیین مبانی نظری مهندسی نظامهای کلان، مورد بحث قرار داده، و چگونگی توسعه مبتنی بر معماری را طی یک فراروند تکامل تدریجی، تبیین می کند. چم تبیین می کند که چگونه معماری نظام باید مبتنی بر تبیین یک دستگاه نظری در یک پارادایم واحد، طراحی شود. همچنین چم نقش عقلانیت را در زنجیره کارکردها و پیامدهای سیستم، از مخاطبان مستقیم گرفته تا مخاطبان نهائی - مردم - صاحبان اصلی دولت، و چگونگی مبنا قرار دادن آن را در طراحی معماری نظام نشان می دهد. ضمن آنکه چم به این نکته که یک نظام کلان باید در فرهنگ و بطن جامعه و افراد نهادینه شود، توجه داشته و تمهیداتی متدولوژیک را برای این نهادینه ساختن، ارائه می کند.

در مطالعه نظری طرح، چارچوب نظریه دولت الکترونیک، مبتنی بر ارائه چارچوب نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، فن آوری اطلاعات و دولت بنا می شود. در این تبیین نظری، نشان داده می شود که تحقق دولت، زمانی رخ می دهد که حکومت بتواند تصمیم گیری و رفتار خود را در بطن جامعه و افراد، درونی کرده و از قوه محرکه جامعه استفاده کند. و حکومت و دولت الکترونیک، امکان تحقق چنین چیزی را فراهم می کند. در این بحث نظری، همچنین تبیین می شود که حرکت جامعه به سمت جامعه اطلاعاتی، شکل گیری حکومت و دولت الکترونیک را (در دسته دوم دیدگاهها مورد بحث در اوائل این متن)، الزام آور و اجتناب ناپذیر و خودجوش می سازد. در چارچوب نظری سپس به تبیین خصوصیات، کارکردها، پیامدهای مطلوب، عوارض، و ملزومات تحقق دولت الکترونیک پرداخته می شود؛ و نشان داده می شود که چگونه شکل گیری ملزومات مورد بحث می تواند عوارض را به حداقل برساند.

بر اساس مطالعه نظری و متدولوژی و چارچوب مورد بحث، دورنمای معماری دولت الکترونیک، لایه ها و مولفه های بنیادین و رفتارهای محوری دولت الکترونیک را تبیین کرده و نشان می دهد که شکل گیری نظام کلان دولت الکترونیک، مستلزم تحقق بنیادهای فرهنگ، طرح و برنامه، قواعد و ساختار و سیستمهای عملیاتی خرد است، که در میدانهای زیر ساختی مختلف کلان و میدانهای زیر ساختی خرد، به صورت باز، سامان می یابند. این دورنمای معماری به نحوی لایه ها و میدانهای زیر ساختی را تبیین می کند، که بتوان راهبردها و برنامه راهبردی و نیز برنامه عملیاتی توسعه را، مبتنی بر این لایه ها سامان داد.

بر اساس بنیادهای نظری و دورنمای معماری مورد بحث، گامها و فازهای تحقق دولت الکترونیک تبیین شده، و مشخص می شود که دولت الکترونیک، طی هر گام ۵ ساله، چه مرحله ای از رشد تکاملی خود را طی خواهد کرد؛ و چشم انداز دولت الکترونیک در سال ۱۴۰۰ چه خواهد بود. در این تبیین مشخص می شود که تحقق هر یک از گامها در هر یک از لایه ها و میدانهای زیر ساختی معماری دولت الکترونیک، چه خواهد بود. ضمن آنکه راهبردهای ۵ گانه فاز اول از چهار فاز طرح، در این نقطه تبیین می شود. و به عنوان ارزیابی اینکه طرح دولت الکترونیک، در راستای آرمانها و چشم انداز ۲۰ ساله مصوب جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، نشان داده می شود که این طرح، و ابعاد نظری، معماری و راهبردهای آن، چگونه مولفه های چشم انداز ۲۰ ساله را پوشش می دهد. در انتها، مولفه های اصلی سند راهبرد ملی دولت الکترونیک، معرفی می شود.

نتیجه آنکه دولت الکترونیک در جامعه اطلاعاتی یک ضرورت است؛ و تنها بکارگیری ابزار فن آوری اطلاعات در حکومت نیست؛ بلکه شکل جدیدی از حکومت و دولت است. خصوصیات و ملزومات اساسی دولت الکترونیک عبارت است از فراهم کردن بستر و ساختار باز برای حکومت و دولت، بصورت ارگانیک، زنده و خود سازمانده، با تصمیم گیری و عملیات توزیع شده، طی مشارکت و تعامل وسیع جامعه و حکومت، و نهادینه شدن تصمیم گیریها و قدرت حکومت در فرهنگ و بدنه جامعه. اولین گام برای تحقق دولت الکترونیک مستلزم شناخت این پدیده توسط دولت و جامعه، عزم جدی، و فراهم کردن ملزومات اساسی تحقق آن، به شکل بستر سازی بنیادهای فرهنگی، نظری، معماری و فنی آن است.

پیشگفتار

دولت الکترونیک! چه پدیده‌ای است! چگونه به این پدیده نگاه کنیم؟ چگونه می‌تواند توسعه پیدا کند؟ ماهیت، خصوصیات و ابعاد این پدیده چیست؟ اینها بحث‌هایی است که سعی می‌کنیم در چارچوب نظری دولت الکترونیک بدان‌ها پردازیم.

رویکرد ما در بحث نظری - در یک بحث نظری و علمی، دو نگاه و رویکرد متفاوت به یک پدیده می‌تواند وجود داشته باشد: نگاه و رویکرد توصیفی، نگاه و رویکرد تجویزی.

در نگاه و رویکرد توصیفی، ما تنها به وصف یک پدیده حقیقی می‌پردازیم، و آنچه که در واقعیت هست را تبیین می‌کنیم، نه آنچه که باید باشد. بسیاری از دانشمندان عقیده دارند که بحث علمی، تنها بحث توصیفی است، یعنی موضوعی با نام تجویز در مباحث نظری وجود ندارد. نگاه دوم، نگاه تجویزی است. در این نگاه، تجویز می‌شود که یک پدیده چگونه باید باشد.

ما به پدیده دولت الکترونیک، هم نگاه توصیفی داریم و هم نگاه تجویزی، و نظریه دولت الکترونیک را مبتنی بر هر دو نگاه و رویکرد بنا می‌کنیم. بدین منظور، این پدیده‌ی در حال شکل‌گیری را توصیف می‌کنیم و مشخص می‌کنیم که چه چیزهایی می‌توانند شکل مطلوب‌تری به این پدیده دهند. به عبارت دیگر، طیف اشکال مختلفی که این پدیده می‌تواند داشته باشد چیست، کدام یک از این اشکال مطلوبیت بیشتری خواهد داشت، و تحقق هر کدام از این اشکال و خصوصا اشکال مطلوب‌تر، نیاز به چه اقدامات، ملزومات و تبیین‌های نظری است، همچنین چه خصوصیات را دربر دارد و چگونه می‌توان به آنها دست پیدا کرد.

لزوم پرداختن به بحث نظری - با توجه به اینکه این چارچوب نظری در یک پروژه اجرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به آن استناد می‌شود، و مبتنی بر این چارچوب نظری، یک فراروند و یک فعالیت برنامه‌ریزی توسعه بنا می‌شود، لذا این دیدگاه نظری اجتناب‌ناپذیر است. یعنی نمی‌توان تنها به توصیف اکتفا کرد، بلکه در کنار توصیف واقعیت، باید تجویزی با هدف دستیابی بهتر به این واقعیت و یا حتی رسیدن به واقعیتی بهتر وجود داشته باشد.

جایگاه بحث نظری در پروژه فاز صفر - در سال ۱۳۸۱، در نهاد ریاست جمهوری، فعالیتی در حوزه دولت الکترونیک آغاز شد تا این پدیده مورد شناخت قرار گیرد و یک برنامه توسعه برای تحقق دولت الکترونیک یکپارچه (و نه متمرکز) در سطح کشور تبیین شود. منظور از یکپارچگی دولت الکترونیک این نیست که یک سیستم دولت الکترونیک در کل کشور وجود داشته باشد، بلکه منظور آن است که یک حرکت یکپارچه در تعامل با هم برای تحقق دولت الکترونیک در کشور صورت گیرد. از این رو، در سال ۱۳۸۱، فاز صفری برای این فعالیت تعریف گردید که البته در ۱۳۸۳ بطور رسمی و با تلاش بسیار زیاد، فعالیت این فاز مورد شدت قرار گرفت و در انتهای این سال، فاز صفر به پایان رسید. هم‌اکنون در انتهای این فاز قرار داریم و چارچوب اولیه نظری دولت الکترونیک، یکی از محصولات آن است و همان‌طور که قبلاً گفته شد، برنامه‌ریزی توسعه و معماری دولت الکترونیک مبتنی بر آن شکل می‌گیرد.

مباحثی که در این چارچوب مورد بررسی قرار می‌گیرند، عبارتند از:

- فصل اول: مقدمه
- فصل دوم: اطلاعات
- فصل سوم: فن‌آوری اطلاعات
- فصل چهارم: جامعه
- فصل پنجم: جامعه اطلاعاتی
- فصل ششم: دولت و حکومت
- فصل هفتم: دولت الکترونیک
- فصل هشتم: نتیجه‌گیری

مقدمه

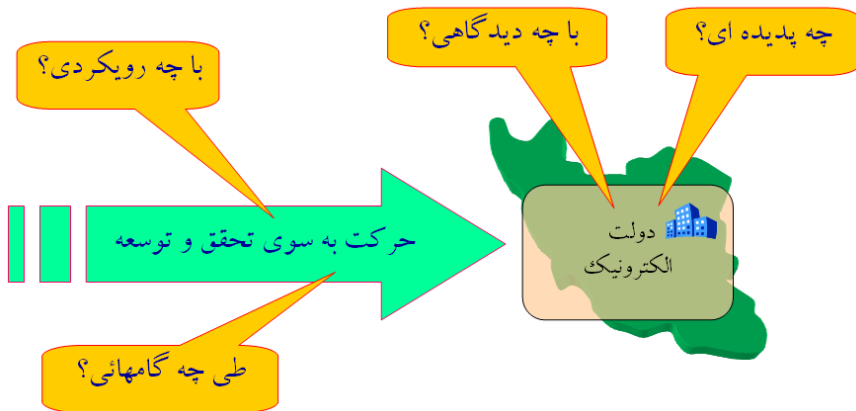
قبل از اینکه وارد بحث شویم و عناصر اصلی بحث را مطرح کنیم، لازم است که ابعاد چارچوب و رویکردمان را در این بحث مشخص نماییم.

۱-۱- تبیین اجمالی موضوع

همان‌طور که به اجمال در قسمت چکیده مطرح شد، ما در طرحی با عنوان "طرح تدوین سند و برنامه توسعه دولت الکترونیک" قرار داریم. سعی و تلاش این طرح آن است که بتواند بستری راهبردی و برنامه‌ای برای توسعه دولت الکترونیک در کل حوزه‌های کشور فراهم سازد. این طرح، یک فراروند برنامه‌ریزی توسعه را دنبال می‌کند. پروژه فاز صفر، چارچوب‌هائی را تبیین می‌کند که بر اساس آنها، پروژه‌های طرح باید انجام شوند.

تاکید می‌شود که کل طرح، یک فراروند برنامه‌ریزی توسعه است و پروژه‌های این طرح، خود پروژه‌های دولت الکترونیک نیستند، یعنی شکل‌گیری دولت الکترونیک در این طرح پیش‌بینی نشده است، بلکه محصول این طرح، چارچوب‌هائی را ارائه می‌کند که در آن مشخص می‌نماید چه پروژه‌هائی، چگونه باید انجام گیرند.

این چارچوب‌ها باید همگرائی و یکپارچگی پروژه‌های طرح را تضمین کنند و مشخص نمایند که فعالیت‌های موجود در پروژه‌ها، در نهایت ما را به یک محصول یکپارچه می‌رسانند، و همچنین خصوصیات و ابعاد خروجی نهائی طرح را نیز تبیین نمایند. بنابراین، این بحث به تبیین چارچوب اولیه نظری می‌پردازد.



شکل ۱- مساله توسعه دولت الکترونیک

۱-۲- مساله توسعه دولت الکترونیک

مساله توسعه دولت الکترونیک، ابعاد مختلفی دارد (شکل ۱). قصد ما آن است که بتوانیم پدیده دولت الکترونیک را در کشورمان ایجاد کنیم و حرکتی را به سمت تحقق و توسعه این پدیده انجام دهیم. برای ایجاد چنین حرکتی، اولاً باید مشخص کنیم که دولت الکترونیک چه پدیده‌ای است و چه خصوصیتی دارد؟ ثانیاً باید بدانیم که با چه دیدگاهی و از چه زوایائی باید به این پدیده نگاه کرد؟ همچنین حرکت به سمت تحقق و توسعه با چه رویکردی باید انجام شود تا بتوانیم به پدیده دولت الکترونیک مطلوب برسیم؟ و نیز طی چه گام‌هایی این حرکت باید انجام شود؟ اینها سوالاتی هستند که در توسعه دولت الکترونیک مطرح می‌شوند و باید به آنها پاسخ دهیم.

۱-۳- پدیده دولت الکترونیک؛ دیدگاه‌های مختلف

پدیده دولت الکترونیک، پدیده‌ای است که نمی‌توان بسادگی آن را تنها با یک دیدگاه مورد معرفی قرار داد و تبیین کرد. افراد مختلف، با دیدگاه‌های متفاوتی به این پدیده نگاه می‌کنند و در واقع دیدگاه‌های گوناگونی در این ارتباط وجود دارد.

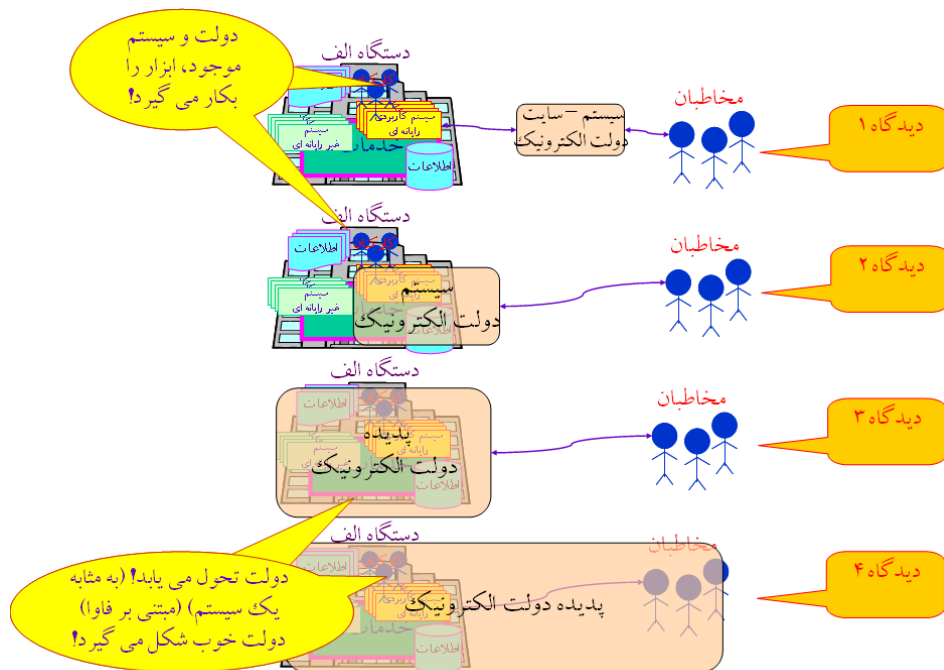
برای بررسی این دیدگاه‌ها، یک دستگاه دولتی را در نظر می‌گیریم که در آن تعدادی کارمند، تعدادی سیستم کاربردی رایانه‌ای، اطلاعاتی در حوزه این سیستم‌های رایانه‌ای، تعدادی سیستم

غیررایانه‌ای و دستی، اطلاعاتی در حوزه این سیستم‌ها (مانند کاغذها، مدارک و ...)، و نیز خدماتی که در این دستگاه ارائه می‌شوند، وجود دارند. همچنین، مخاطبانی در خارج از این دستگاه قرار دارند که از خدمات این دستگاه استفاده می‌کنند و با آن تعاملاتی دارند. حال دیدگاه‌های مختلف را بررسی می‌کنیم:

دیدگاه اول: یک سایت برای پاسخگویی و خدمت‌رسانی به مردم- این دیدگاه، یکی از ساده‌ترین دیدگاه‌های مطرح‌شده و متداول است. در این دیدگاه، مخاطبان برای برقراری ارتباط الکترونیکی با یک دستگاه، به یک بستره و سیستم نیاز دارند که این سیستم همان سیستم سایت دولت الکترونیک است. در این دیدگاه، سیستم و سایت دولت الکترونیک، یک سایت برای پاسخگویی و خدمت‌رسانی به مردم است که با بعضی از سیستم‌های کاربردی و رایانه‌ای داخل دستگاه ارتباط برقرار می‌کند و اطلاعات و خدماتی را که مخاطبان نیاز دارند به آنها می‌دهد و از این طریق، تعاملی را بین مخاطبان و سیستم‌های کاربردی فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، در این دیدگاه، تعدادی سیستم به شکل مستقل وجود دارند، بطوری که همه آنها الزاماً با هم ارتباط نداشته و سیستم دیگری بطور جداگانه به شکل یک سایت تولید می‌شود تا برخی از خدمات موجود در دستگاه ارائه شوند (شکل ۲).

مشکلی که در دیدگاه اول وجود دارد آن است که سیستم‌های رایانه‌ای درون دستگاه نمی‌توانند پیوند لازم را به شکل مطلوب با یکدیگر برقرار کنند و در نهایت سیستم سایت دولت الکترونیک نمی‌تواند تمام خدماتی که در دستگاه وجود دارد را به شکل یکپارچه ارائه نماید. همچنین، در صورت ایجاد یک تغییر کوچک در سیستم‌های دستگاه، باید سایت دستگاه نیز مورد تغییر و اصلاح قرار گیرد. ممکن است تغییراتی در سیستم‌های دستگاه انجام شود که نتوان آنها را در سایت اعمال کرد. و نیز ناهماهنگی‌هایی که بین سیستم‌های کاربردی رایانه‌ای وجود دارد منجر به این می‌شود که سایت نتواند کل خدمات الکترونیکی دستگاه را به شکل مناسب و کارآمد ارائه دهد.

از این رو، نتیجه‌گیری می‌شود که نمی‌توان بدون ایجاد بستره‌ای در سیستم‌های رایانه‌ای کل دستگاه و نیز بدون برقراری پیوندی یکپارچه مابین آنها، خدمات مناسبی را در سیستم سایت دولت الکترونیک انجام داد.



شکل ۲- دیدگاه‌های مختلف از پدیده دولت الکترونیک

دیدگاه دوم : سازماندهی کل سیستم‌های رایانه‌ای و خدمات و اطلاعات ارائه شده در آن -
 این دیدگاه چنین است که، سیستم دولت الکترونیک نه فقط یک سایت بیرونی، بلکه کل سیستم‌های کاربردی رایانه‌ای، اطلاعات و خدمات مربوط به این سیستم‌ها است، بطوری که سیستم‌های موجود در دستگاه باید با یکدیگر یکپارچه^۱ بوده و بتوانند با یکدیگر ارتباطات لازم را برقرار نمایند و از این طریق، اطلاعات و خدمات مورد نیاز کاربران را ارائه دهند.

^۱ - یکپارچگی با تمرکز یکسان نیست. زمانی که از یک سیستم یکپارچه رایانه‌ای صحبت می‌کنیم، لازم نیست که یک سیستم متمرکز تمام عملیات دستگاه را انجام دهد، بلکه سیستم‌های متفاوت می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند و پیوند مناسبی بین آنها برقرار شود تا بتوانند خدمات یکپارچه‌ای را ارائه دهند. به عنوان مثال، هنگامی که کاربری پس از انجام عملیات ورود و وارد نمودن نام و رمز کاربری به یکی از این سیستم‌ها وارد می‌شود، بتواند به سیستم‌های دیگر نیز براحتی وارد شود و مجبور نباشد تا از نظر امنیتی هر بار نام و کلمه عبور خود را در بقیه سیستم‌ها نیز وارد نماید. یعنی اطلاعاتی را که کاربر در یکی از سیستم‌ها وارد می‌کند، در بقیه سیستم‌های نیز شناخته شده و از آن باخبر باشند.

اما یک سوال در این دیدگاه مطرح می‌شود و آنکه آیا تنها خدماتی که سیستم‌های کاربردی رایانه‌ای در یک دستگاه ارائه می‌کنند را باید در شکل یک سیستم دولت الکترونیک مورد توجه قرار داد؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان منتزع از سایر سیستم‌های غیررایانه‌ای و اطلاعات موجود در سازمان و بدون توجه به آنها یک سیستم یکپارچه‌ای را بنا کرد؟ آیا نقصی که از عدم توجه به بخش‌های غیررایانه‌ای وجود دارد، مشکلاتی در سازماندهی سیستم بوجود نمی‌آورد؟ قطعاً نمی‌توان بدون توجه به سیستم‌های غیررایانه‌ای و اطلاعات و خدماتی که توسط آنها ارائه می‌شود، پدیده دولت الکترونیک را در سازمان بدرستی شکل داد.

دیدگاه سوم: سازماندهی کل فعالیت‌ها و خدمات دستگاه در بستر فن‌آوری اطلاعات - حکومت - دولت مبتنی بر فاوا - در این دیدگاه، هنگامی که از پدیده دولت الکترونیک صحبت می‌شود، یک دولت الکترونیکی به معنای تمام کلمه، یعنی دولتی مبتنی بر سازوکارهای الکترونیکی و فن‌آوری اطلاعات مد نظر است. به عبارت دیگر، تمام ابعاد و زوایای دستگاه دولتی و همه فعالیت‌ها و خدمات ارائه‌شده توسط این دستگاه، در بستر دولت الکترونیک و فن‌آوری اطلاعات سازمان پیدا می‌کند. البته لزوماً چنین نیست که همه کارها به صورت الکترونیکی انجام گیرند و تمام سیستم‌های غیررایانه‌ای حذف شوند، بلکه برخی از کارها هنوز می‌توانند به شکل دستی انجام گیرند، ولیکن هدف آن است که به کل دستگاه، چه بخش‌های الکترونیکی و چه بخش‌های غیرالکترونیکی آن، به شکل یک سیستم یکپارچه نگریسته شود و بتوان دولت مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات را بنا کرد.

اما آیا در چنین دیدگاهی، همه ابعاد دولت الکترونیک مورد توجه قرار گرفته شده‌اند؟ حقیقت چنین نیست! در این دیدگاه، مخاطبان مورد نظر قرار نگرفتند و آنها جدای از سیستم دولت الکترونیک هستند.

دیدگاه چهارم: سازماندهی کل فعالیت‌ها، خدمات و تعاملات دستگاه و مخاطبان در بستر فن‌آوری اطلاعات - حکومت مبتنی بر فاوا در جامعه مبتنی بر فاوا - طبق این دیدگاه، مخاطبان را نمی‌توان از پدیده دولت الکترونیک جدا کرد. یعنی، زمانی پدیده دولت الکترونیک شکل خواهد گرفت که نه تنها سیستم‌های رایانه‌ای و غیررایانه‌ای و اطلاعات و خدمات موجود در این حوزه‌ها، بلکه مخاطبان نیز مورد پوشش قرار گیرند و در واقع جایگاهی برای مخاطبان در سیستم دولت

الکترونیک مدنظر قرار گیرد و فعالیت‌ها، خدمات و تعاملات دستگاه با مخاطبان در بستر فن‌آوری اطلاعات سازمان پیدا کند. از این رو، مخاطبان در جامعه‌ای با نام جامعه اطلاعاتی تصور خواهند شد. معادلاتی که در تبیین پدیده دولت الکترونیک و در بستر فن‌آوری اطلاعات لحاظ می‌شوند، بایستی هم سیستم‌های رایانه‌ای، هم سیستم‌های غیررایانه‌ای و هم مخاطبان را پوشش دهند. بنابراین، از این دیدگاه نمی‌توان معادله ناقصی را ترسیم کرد که در آن تنها سیستم‌های رایانه‌ای مورد توجه قرار گیرند، بلکه این معادله باید همه اجزای بیان‌شده را مورد لحاظ قرار دهد و در چنین صورتی، یک حکومت مبتنی بر فاوا در جامعه مبتنی بر فاوا خواهیم داشت.

دیدگاه چهارم، درک مطلوب و کاملی از دولت الکترونیک ارائه می‌دهد. دیدگاه‌های اول تا سوم، دیدگاه‌های ناقصی هستند و بدلیل نواقص مطرح شده در آنها، در بسیاری مواقع ما را دچار مشکل و سردرگمی خواهند کرد و پاسخگوی نیازها و تصمیم‌گیری‌های ما در پدیده دولت الکترونیک نخواهند بود.

در دو دیدگاه اول و دوم، دولت و سیستم موجود، از ابزار فن‌آوری اطلاعات استفاده می‌کنند و در واقع یک نگاه ابزاری به دولت الکترونیک دارند. اما در دیدگاه سوم و چهارم، موضوع تنها بکارگیری ابزار و سیستم‌های رایانه‌ای نیست! بلکه با بکارگیری فن‌آوری اطلاعات، دولت مورد تحول واقع می‌شود و کل دولت به مثابه یک سیستم، شکل جدیدی به خود می‌گیرد و می‌تواند دولت خوبی را تشکیل دهد.

ما با دیدگاه چهارم، به تبیین پدیده دولت الکترونیک وارد می‌شویم.

۴-۱- سوالات پیشینی و پسینی

در ورود به بحث، ما با تعدادی سوالات پیشینی و پسینی مواجه هستیم. سوالات پیشینی به فلسفه، خواستگاه و مفروضات موضوع می‌پردازند. سوالات پسینی نیز به اجرا و عمل می‌پردازند. در بحث نظری، به سوالات پیشینی پاسخ می‌دهیم. در سند کلیات طرح، معماری، چارچوب و متدولوژی معماری، و سند دولت الکترونیک، به سوالات پسینی پاسخ می‌دهیم.

۴-۱-۱- سوالات پیشینی - ۱

سوالات پیشینی را که در تبیین پدیده دولت الکترونیک با آنها مواجه هستیم عبارتند از:

- تعریف ما از دولت الکترونیک چیست؟

- آیا تنها بکارگیری ابزارها و ایجاد زیرساختها، دولت الکترونیک را تحقق می‌دهد؟
- آیا تنها اتوماسیون فرایندها و ایجاد سیستم‌های اطلاع‌رسانی، بانک‌های اطلاعاتی و امضاء دیجیتال، دولت الکترونیک را تحقق می‌دهد؟
- آیا دولت الکترونیک تنها ابزاری برای نظام دولتی با وضع موجود آن است؟
- آیا دولت الکترونیک ابزاری برای حکومت است یا شکل خاصی از حکومت؟
- آیا دولت الکترونیک بسترسازی بر تحول دولت، و در واقع نوعی از دولت تحول‌یافته است؟
- آیا تنها تغییر در ساختار و سازمان، و مکانیزم‌ها، آن را محقق می‌کند؟
- آیا تفاوتی بین دولت و حکومت وجود دارد؟
- آیا دولت الکترونیک تنها به محدوده حکومت می‌پردازد یا دولت؟

۲-۴-۱- سوالات پیشینی ۲

- آیا مفهوم، پارادایم، ماهیت و ساختار دولت و حکومت در بستره دولت الکترونیک دچار تغییر می‌شوند؟
- آیا این تغییر و تحول در محدوده حکومت باقی می‌ماند؟
- خصوصیات مطلوب دولت الکترونیک چیست؟
- ملزومات تحقق دولت الکترونیک با این خصوصیات مطلوب چیست؟
- چه ضرورت‌هایی منجر به دولت الکترونیک، با این خصوصیات می‌شود؟
- چه کارکردها، پیامدها و بنیان‌های نظری برای دولت الکترونیک متصور است؟
- عوارض، آثار و بازتاب‌های دولت الکترونیک بر جامعه و شهروندان آن چیست؟
- چه تعاملی بین دولت و شهروندان در دولت الکترونیک و از چه نوعی متصور است؟
- رابطه دولت الکترونیک با جامعه اطلاعاتی، و اثرات متقابل آنها چیست؟

۳-۴-۱- سوالات پسینی

- پس از پاسخگویی به سوالاتی که در دو فصل قبلی مطرح شده‌اند، سوالات دیگری نیز وجود دارند که عبارتند از:
- دولت الکترونیک چه ساختار و رفتاری باید داشته باشد.



شکل ۳- بخش‌ها و مستندات طرح؛ خروجی فاز صفر

- دولت الکترونیک بر اساس چه معماری باید بنا شود؟
- آیا معماری دولت الکترونیک، تحقق وفاقی را در دولت الکترونیک کل کشور تامین می‌کند؟
- معماری دولت الکترونیک با چه روشی باید ایجاد و طراحی شود؟
- اهداف دولت الکترونیک چیست؟
- چه چشم‌اندازی برای دولت الکترونیک قابل ترسیم و مطلوب است؟
- ماموریت، راهبردها و خط‌مشی‌های تحقق دولت الکترونیک چه باید باشد؟
- برای تحقق دولت الکترونیک، چه مسیر و گام‌هایی باید طی شود؟

۵-۱- بخش‌ها و مستندات طرح

فعالیت‌ها و بخش‌هایی که در طرح پروژه فاز صفر بدان‌ها پرداخته می‌شود و به عنوان خروجی‌های فاز صفر مطرح می‌شود، در شکل ۳ آمده است. ما در این بحث، به تبیین چارچوب اولیه نظری دولت الکترونیک خواهیم پرداخت که تقریباً زیربنای تمام بخش‌های مطرح شده غیر از

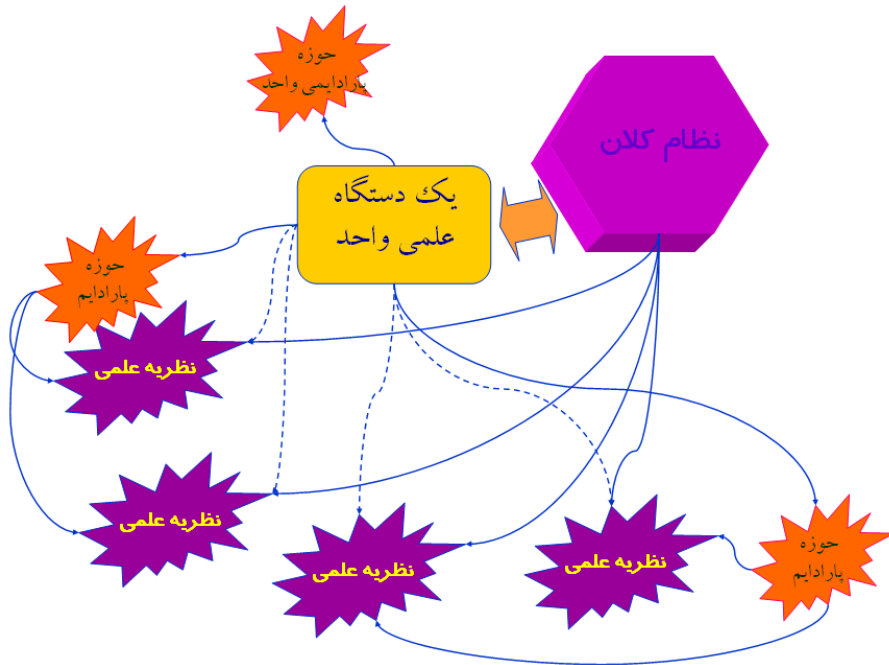
چارچوب و متدولوژی معماری (که البته چارچوب نظری مبتنی بر چارچوب و متدولوژی معماری قرار دارد) است.

۶-۱- بنیان نظری یک نظام کلان

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، برای آنکه بتوانیم برنامه توسعه دولت الکترونیک را تبیین کنیم، لازم است قبل از آن، معماری دولت الکترونیک تبیین شود، و برای تبیین معماری دولت الکترونیک، ابتدا لازم است تا بنیان نظری دولت الکترونیک در یک دستگاه نظری تبیین شود.

مسئله‌ای که در این ارتباط مطرح می‌شود آن است که برای بنا کردن یک نظام کلان مانند نظام دولت الکترونیک یک کشور و یا سایر نظام‌های کلان مانند نظام اقتصادی و یا نظام آموزشی و نظائر آنها به نحو مطلوب، لازم است ابتدا یک دستگاه نظری برای این نظام‌ها تبیین شود. یکی از تفاوت‌های عمده نظام‌های کلان با نظام‌های خرد، در آن است که یک نظام کلان، مبتنی بر نظرات علمی مختلفی بنا می‌شود. به عبارت دیگر، ابعاد مختلف نظام کلان را نظریات علمی متفاوتی مورد پوشش قرار می‌دهند. این نظریات علمی، ممکن است در حوزه‌های پارادایمیک مختلف و بعضاً ناسازگار با یکدیگر، قرار داشته باشند.

از این رو، در صورتی که بخواهیم بنیان یک نظام کلان مطلوب را پی‌ریزی کنیم، اولین کار آن است که این نظرات علمی را به شکل یکپارچه و در یک دستگاه علمی واحد که مبتنی بر یک حوزه پارادایمیک واحد قرار دارد بنا کنیم (شکل ۴). این دستگاه علمی واحد، باید بتواند ابعاد مختلف نظریات علمی مربوط به بنیان‌های نظام کلان را به گونه‌ای تبیین کند تا نظریات مختلف بتوانند در یک ساختار سازگار و در تعامل با هم و با رفتارهای مشخص قرار گیرند و در نتیجه، تناقض‌های موجود بین نظریات به حداقل برسد.

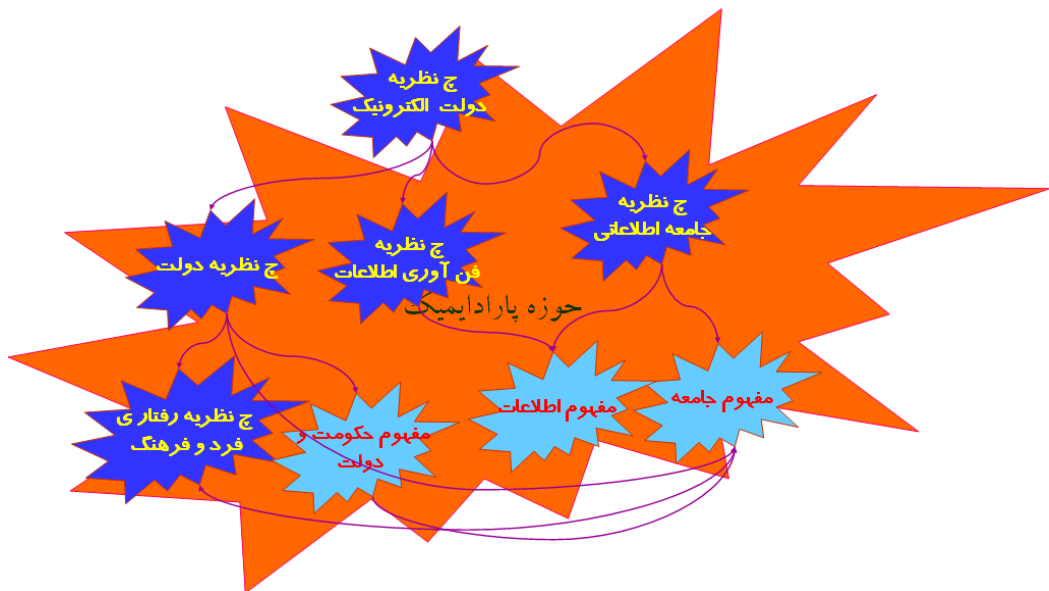


شکل ۴- بنیان نظری یک نظام کلان

به عنوان مثال، در نظام اقتصادی کشور ما، برخی از نظریات در حوزه پارادایمیک اقتصاد کلاسیک، و برخی دیگر در حوزه پارادایمیک علم فقه اسلامی هستند که با یکدیگر متفاوتند. از این رو، این نیاز وجود دارد که یک دستگاه علمی واحدی وجود داشته باشد تا این دو نظریه را مورد پوشش قرار دهد و روابط آنها را با یکدیگر نشان دهد.

۷-۱- چارچوب دستگاه نظری دولت الکترونیک

در حوزه دولت الکترونیک نیز چنین موضوعی اهمیت دارد. بحث دولت الکترونیک، بیشتر به حوزه علوم اجتماعی (علم سیاست و ...) و علوم مهندسی (مهندسی سیستم، طراحی سیستم، نرم افزار و ...) مرتبط است که باید پیوند مناسبی میان آنها برقرار شود. برای آنکه بتوانیم دستگاه نظری دولت الکترونیک را تبیین کنیم، باید حوزه پارادایمیک واحدی را شکل دهیم، و سپس در این حوزه پارادایمیک، ابعاد دولت الکترونیک را مشخص سازیم.



شکل ۵- برخی از مولفه‌های چارچوب دستگاه نظری دولت الکترونیک

برای آنکه این حوزه پارادایمیک بتواند نظریه دولت الکترونیک را تبیین کند، باید چند نظریه مختلف را در این حوزه پارادایمیک بتوان گرد هم آورد، توجیه و تفسیر کرد و روابط بین آنها را مشخص نمود. اولین نظریه در این خصوص، نظریه دولت الکترونیک است که این نظریه، پدیده دولت الکترونیک را تبیین می‌کند. طبق مباحث گذشته راجع به دیدگاه‌های مختلف دولت الکترونیک، این پدیده، نوعی از دولت را بنا می‌کند که مبتنی بر فن آوری اطلاعات است، لذا پیش از آن باید پدیده دولت مورد نظر قرار گیرد که این کار در چارچوب نظریه دولت صورت می‌گیرد. بنابراین، نظریه دولت، با پدیده دولت سروکار دارد و آن را تبیین می‌نماید. (شکل ۵)

طبق نظریات مطرح شده، دولت در وجود و نفس افراد قرار دارد و افراد ذاتا گرایش دارند که گرد هم آیند و تشکیل جامعه دهند و همچنین نیاز به نوعی اقتدار و نظم در آن پیدا می‌کنند. انسان‌ها فی‌نفسه و ذاتا به دنبال تشکیل دولت هستند. از این رو، برای آنکه بهتر بتوانیم ابعاد دولت را در نظریه دولت تبیین نمائیم، لازم است تا رفتارهای فرد و فرهنگ جامعه، که پدیده آورنده دولت هستند را در نظریه رفتاری فرد و فرهنگ مورد بررسی قرار دهیم و مبتنی بر آن، نظریه دولت را بنا کنیم. با این

کار، چگونگی تاثیر رفتارهای فرد و تصمیم‌گیری افراد و فرهنگ نهفته در نفس افراد و کل جامعه و نیز علت پیدایش دولت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، مفهوم حکومت و دولت، به شکل مستقل در نظریه دولت مورد توجه قرار می‌گیرد و بررسی می‌شود.

از طرف دیگر، نظریه فن‌آوری اطلاعات، مطرح می‌شود. چرا که طبق تعریف، دولت الکترونیک، دولتی است که در پهنه فن‌آوری اطلاعات و مبتنی بر آن بنا می‌شود. از این رو، علاوه بر پرداختن به نظریه دولت، نظریه فن‌آوری اطلاعات نیز در پدیده دولت الکترونیک مورد توجه قرار می‌گیرد.

طبق دیدگاه چهارمی که در بخش دیدگاه‌های مختلف پدیده دولت الکترونیک مطرح شد، دولت الکترونیک، در جامعه‌ای شکل می‌گیرد که مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات بنا شده است. به عبارت دیگر، علاوه بر آنکه دولت، مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات بنا می‌شود، جامعه نیز مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات بنا خواهد شد. لذا برای آنکه جامعه نیز در این ارتباط مورد توجه قرار گیرد، پدیده‌ای به نام جامعه اطلاعاتی مطرح می‌شود. این جامعه، جامعه‌ای با شکل جدید، و رفتارها و خصوصیات نوین است که در بستر فن‌آوری اطلاعات شکل خواهد گرفت. لذا نظریه‌ای به نام نظریه جامعه اطلاعاتی در این خصوص مطرح می‌شود. در این نظریه، دیدگاه‌های مختلف در خصوص جامعه اطلاعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرند و مفهوم دقیق جامعه اطلاعاتی مورد تبیین واقع می‌شود.

دو نظریه جامعه اطلاعاتی و فن‌آوری اطلاعات، وابسته به مفهوم اطلاعات هستند. از این رو، پیش از پرداختن به این دو نظریه، بایستی مفهوم اطلاعات مورد تبیین قرار گیرد. از سوی دیگر، جامعه اطلاعاتی، به مفهوم جامعه وابسته است، بنابراین مفهوم جامعه نیز پیش از پرداختن به نظریه جامعه اطلاعاتی باید مورد توجه قرار گیرد. حتی نظریه دولت و نظریه رفتاری فرد و فرهنگ، و نیز مفهوم حکومت و دولت هم به مفهوم جامعه وابسته است و لذا پیش از آنها باید به مفهوم جامعه پرداخته شود.

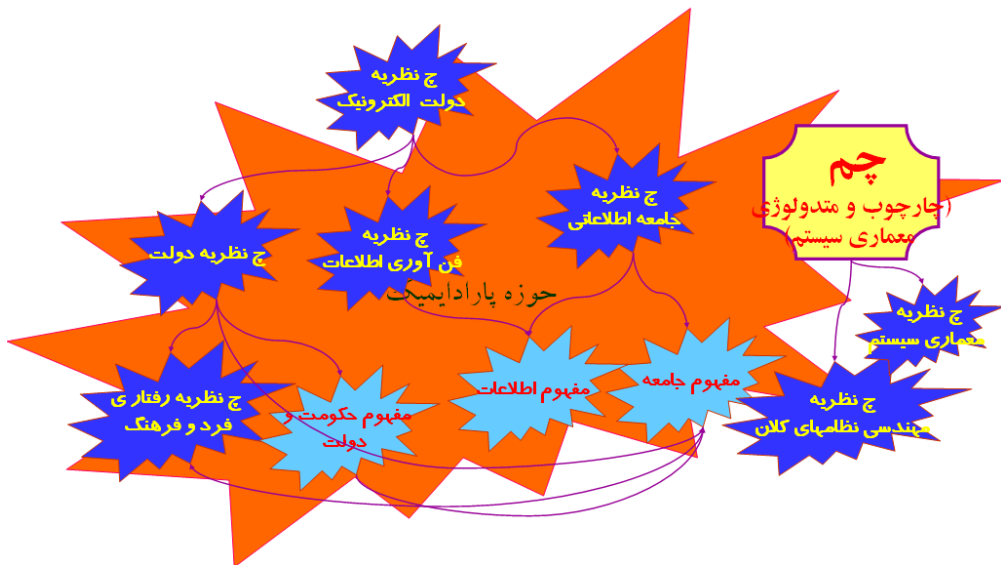
۱-۷-۱- معماری چم در دستگاه نظری

ضمناً، یک چارچوب و متدولوژی معماری سیستم به نام "چم" نیز وجود دارد که طراحی معماری، در پهنه این چارچوب و متدولوژی صورت می‌گیرد (شکل ۶). این موضوع قابل توجه است که هسته اصلی این معماری سیستم، چارچوب نظری است. در ادامه به این موضوع خواهیم رسید که

چگونه نتایج برگرفته شده از چارچوب نظری، محورهای اساسی معماری را شکل می دهند. به عبارت دیگر، چارچوب متدولوژی معماری سیستمی که طراحی می شود، باید بتواند حوزه های نظری طراحی معماری را مورد پوشش قرار دهد.

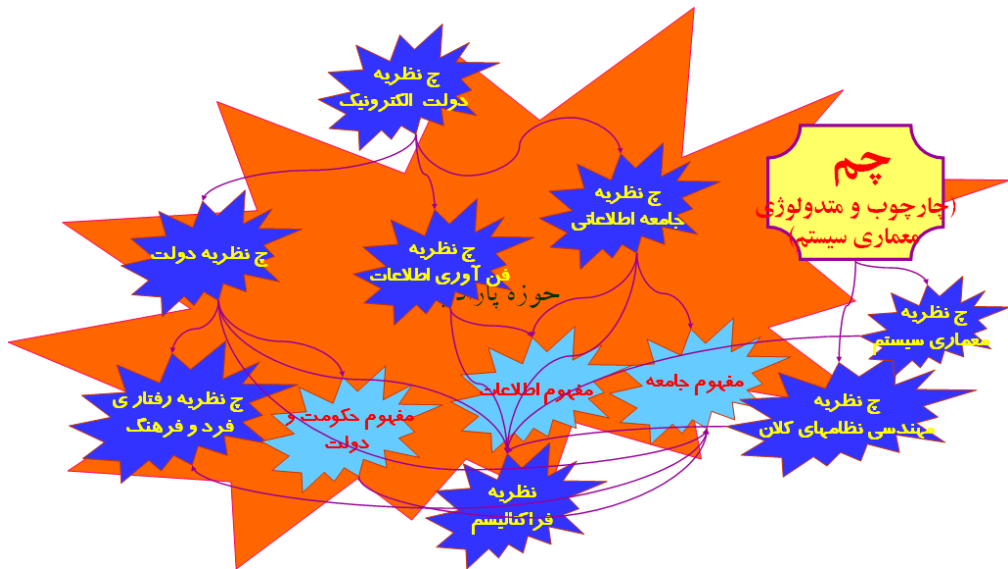
بنابراین، هر چند چارچوب و متدولوژی معماری سیستم، اختصاصاً مورد استفاده قرار می گیرد، ولیکن باید ارتباطاتی را با نظریات مطرح شده داشته باشد. در غیر این صورت، نتایج موبوط به بحث های نظری، تنها منحصر به تعدادی گزارش و کتاب خواهد شد که کاربرد آنها نامشخص و غیرقابل استفاده خواهد بود و چگونگی عملکرد و کاربرد نظریات در طراحی و برنامه ریزی توسعه نظام بدون پاسخ خواهد ماند. این مشکل، در حال حاضر به وضوح در جامعه دیده می شود. تحقیقات و پژوهش های زیادی در حوزه های نظری انجام می گیرد، ولیکن درصد بالایی از آنها در برنامه ریزی عملیاتی و برنامه ریزی راهبردی نظام های کلان کاربرد جدی پیدا نمی کنند. با عنایت بر این موضوع، اهم توجه ما بر آن خواهد بود که بنیان ها و محورهای نظام کلان را مبتنی بر دستگاه نظری قرار دهیم.

معماری چم، خود در مباحث نظری نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اما برای آنکه بتوانیم معماری چم را به درستی تبیین کنیم، باید پیش از آن چارچوب نظریه مهندسی نظام های کلان را ایجاد کنیم. این چارچوب، مشخص می نماید که نظام های کلان چیست؛ چه تفاوتی با نظام های خرد دارد؛ چه انتظامی برای شکل گیری یک نظام کلان مطلوب باید وجود داشته باشد؛ و چه گام ها و فعالیت هایی باید طی شود تا به یک نظام کلان مطلوب دست پیدا کنیم. این موارد در تحلیل، طراحی، پیاده سازی و نگهداری نظام کلان، از مسائل اساسی و محوری تلقی می شوند.



شکل ۶- معماری چم در کنار مولفه‌های نظری دولت الکترونیک

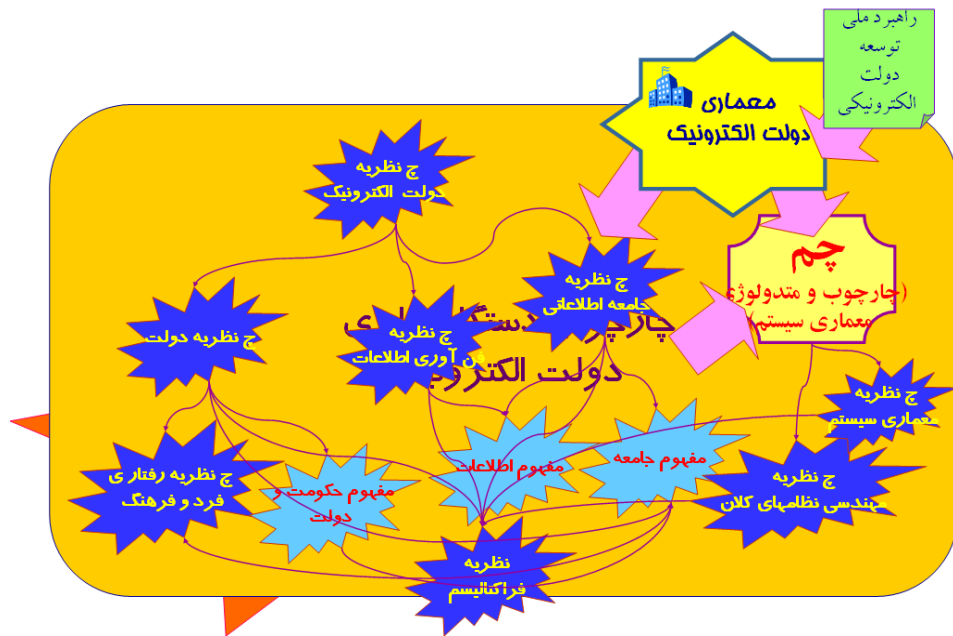
چم، مبتنی بر نظریه دیگری به نام نظریه معماری سیستم نیز بنا می‌شود. در این نظریه، تعیین می‌شود که معماری چیست؛ خصوصیات و ابعاد یک معماری کلان مانند دولت الکترونیک چیست؛ چگونه مورد عمل قرار می‌گیرد و ...



شکل ۷- نقش نظریه فراکتالیسم در دستگاه نظری دولت الکترونیک

۲-۷-۱- نظریه فراکتالیسم در دستگاه نظری

در فصل قبل، نظریه‌هایی مطرح شدند که به عنوان چارچوبی برای دستگاه نظری دولت الکترونیک مورد استفاده قرار خواهند گرفت و دولت الکترونیک مبتنی بر این نظریات شکل خواهد گرفت. از یک سو، مباحث مهندسی نظام‌های کلان و معماری سیستم و همچنین اطلاعات و فن آوری اطلاعات وجود دارند، و از سوی دیگر، مباحث جامعه‌شناختی، که با پدیده‌های جامعه، دولت، فرد، فرهنگ و نظایر آن سروکار دارند. دسته اول، سیستم‌هایی مشخص و تا حدودی کلیشه‌ای هستند، در صورتی که دسته دوم سیستم‌هایی با مولفه‌های هوشمند، دارای قدرت تصمیم‌گیری، خلاقیت، و همچنین تا حدود زیادی ناشناخته هستند. قطعاً ارتباطات و پیوند مابین این نظریات، بسیار مهم خواهد بود و بایستی مورد توجه قرار گیرد.

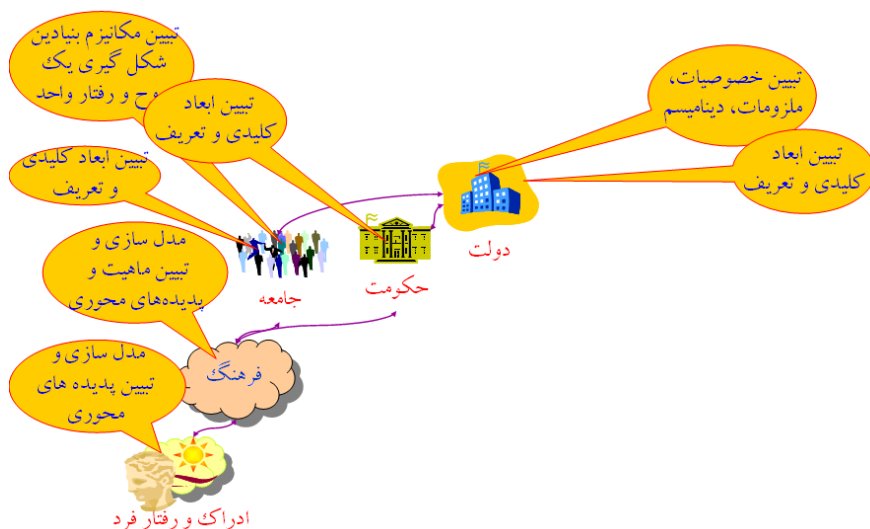


شکل ۸- دستگاه نظری دولت الکترونیک، و نقش آن در معماری و راهبرد ملی دولت الکترونیک

برای آنکه دستگاه نظری با مولفه‌های مطرح شده، بتواند همه نظریات را کنار هم جای دهد، نیاز به عنصری داریم که بتواند این عمل را انجام دهد و در واقع نقش یک کاتالیزور را در این دستگاه ایفا نماید^۱.

نظریه فراکتالیسم، عنصری است که می‌تواند این انتظار را برآورده نماید (شکل ۷). این نظریه، یک گرایش و مکتب فکری است که مشخص می‌کند چگونه می‌توان سیستم‌هایی را ایجاد کرد که بتوانند از مولفه‌های هوشمند استفاده کنند و در بطن خود دارای قابلیت خودسازماندهی باشند. رفتار این سیستم‌ها طبیعی و مشابه با سیستم‌های موجود در طبیعت هستند. فراکتالیسم، مکانیزم شکل‌گیری این سیستم‌ها را معین می‌کند.

^۱ - البته مابین نظریات پیوند و ارتباط وجود دارد، ولیکن برای آنکه به پیوند سریع‌تر، شفاف‌تر و بهتری دست پیدا کنیم، نیاز به عنصر دیگری احساس شده است.



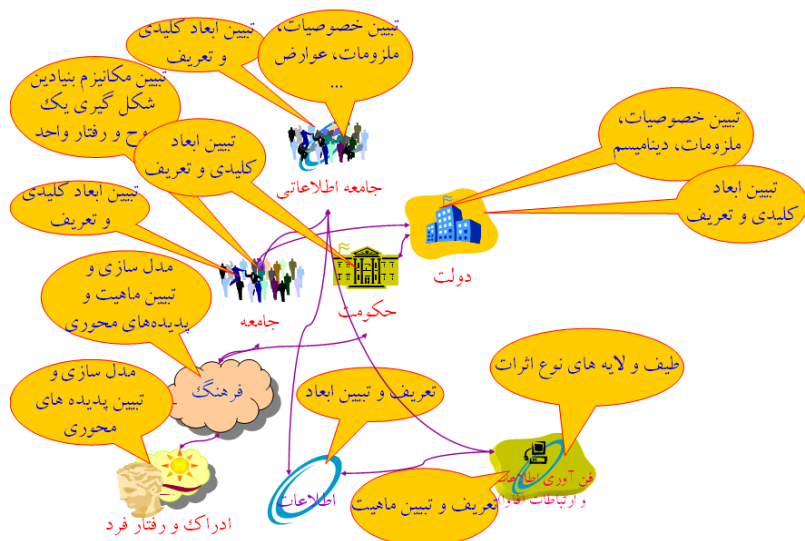
شکل ۹- الف - مولفه ها و ابعاد چارچوب نظریه دولت الکترونیک

در این مرحله، دستگاه نظری دولت الکترونیک شکل خواهد گرفت و بر اساس این چارچوب، معماری دولت الکترونیک، و مبتنی بر آن راهبرد ملی توسعه دولت الکترونیکی، ایجاد خواهد شد (شکل ۸). بنابراین، دستگاه نظری دولت الکترونیک، لازمه رسیدن به راهبرد ملی توسعه دولت الکترونیک خواهد بود.

۸-۱- مولفه‌ها و ابعاد چارچوب نظریه دولت الکترونیک

در این فصل، فعالیت‌هایی که در حوزه نظری انجام خواهند گرفت را بررسی می‌کنیم. پدیده ادراک و رفتار فرد را مدل‌سازی می‌کنیم و پدیده‌های محوری موجود در این حوزه مانند نیازها، ارزش‌ها، فرارفتارها و نظایر آن را تبیین می‌کنیم. مبتنی بر پدیده ادراک و رفتار فرد، پدیده فرهنگ را مدل‌سازی می‌کنیم و ماهیت پدیده‌های محوری وابسته به آن را مورد تبیین قرار می‌دهیم. همچنین مشخص می‌کنیم که این پدیده چیست، چگونه شکل می‌گیرد و چه ابعادی دارد. (شکل ۹- الف)

بر اساس تبیین فرهنگ و ادراک و رفتار فرد، پدیده جامعه را تعریف کرده و ابعاد کلیدی آن را تعیین می‌کنیم. مکانیزم بنیادین شکل‌گیری روح و رفتار واحد جامعه را بررسی می‌کنیم، اینکه چگونه جامعه به شکل یک موجود واحد و زنده ظاهر می‌شود، هر چند که افراد در آن موجودیت‌های مستقلی هستند و تصمیم‌گیری‌های مستقلی دارند.



شکل ۹-ب- مولفه‌ها و ابعاد چارچوب نظریه دولت الکترونیک

از سوی دیگر، پدیده حکومت^۱ که در جامعه شکل می‌گیرد و به عنوان نظامی برای اقتدار و ایجاد نظم ایجاد می‌شود، مورد تعریف قرار می‌گیرد و ابعاد کلیدی آن مشخص می‌شود. مبتنی بر تعریف جامعه و حکومت، پدیده دولت^۲ تعریف و ابعاد کلیدی آن بررسی می‌شود. خصوصیات، ملزومات و دینامیسم این پدیده نیز مورد تبیین قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که پدیده دولت، متفاوت با پدیده حکومت است، هر چند که رابطه تنگاتنگی با هم دارند. اطلاعات، به عنوان یک پدیده مشخص، مورد تعریف اجمالی قرار می‌گیرد و ابعاد آن مشخص می‌شود (شکل ۹-ب). در ارتباط با پدیده اطلاعات، به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) می‌پردازیم و ماهیت آن را تبیین می‌کنیم. همچنین طیف و لایه‌های نوع اثرات آن را نیز در یک سیستم بررسی می‌کنیم.

۱ - Government

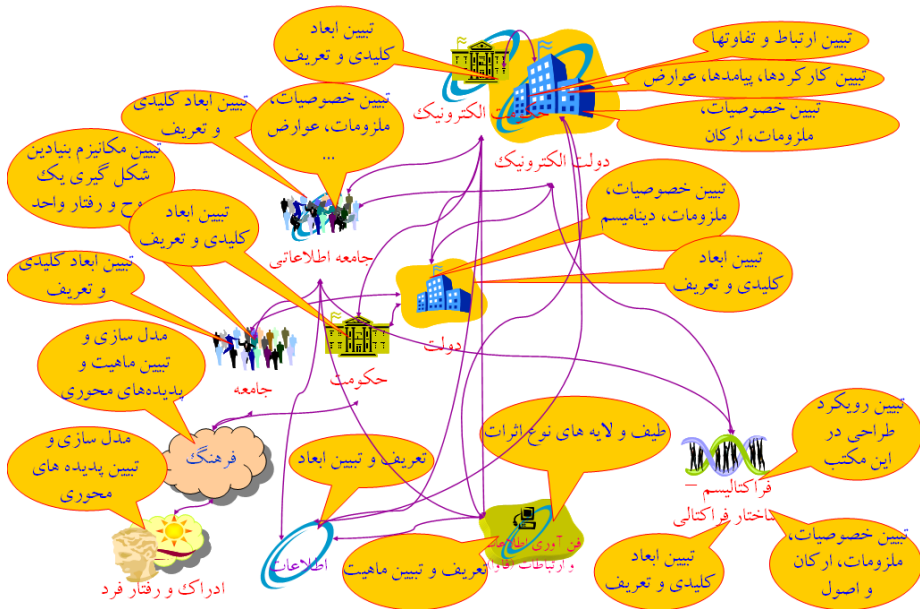
۲ - State



شکل ۹- ج مولفه ها و ابعاد چارچوب نظریه دولت الکترونیک

مبتنی بر تعریفی که از جامعه، اطلاعات و فن آوری اطلاعات، شده است، پدیده جامعه اطلاعاتی را تعریف می‌کنیم و ابعاد کلیدی آن را مشخص می‌نمائیم. خصوصیات، ملزومات، عوارض، پیامدها و موارد دیگر آن را در جامعه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبتنی بر تعریفی که از جامعه اطلاعاتی، اطلاعات، حکومت، دولت، و فاوا شده است، پدیده حکومت الکترونیک و پدیده دولت الکترونیک مورد تبیین قرار می‌گیرند (شکل ۹-ج). این دو پدیده، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، آنها را تعریف کرده و ابعاد کلیدیشان را تعیین می‌کنیم. ارتباط این دو پدیده با هم و تفاوت‌های آنها با یکدیگر را نیز بررسی خواهیم کرد. کارکردها، پیامدها، و عوارض آنها را مشخص کرده، خصوصیات، ملزومات، و ارکان شکل‌گیری این دو پدیده را نیز تبیین می‌نمائیم. همه پدیده‌های ذکر شده، با کمک فراکتالیسم و ساختارهای فراکتالی تبیین خواهند شد (شکل ۹-د). به همین دلیل، لازم است تا خود این پدیده نیز تعریف شده و ابعاد کلیدی آن مشخص گردد. خصوصیات، ملزومات، ارکان و اصول آن را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم. همچنین رویکرد طراحی در این مکتب را نیز مورد تبیین قرار می‌دهیم. همان‌طور که در فصل قبل نیز به آن اشاره شد،



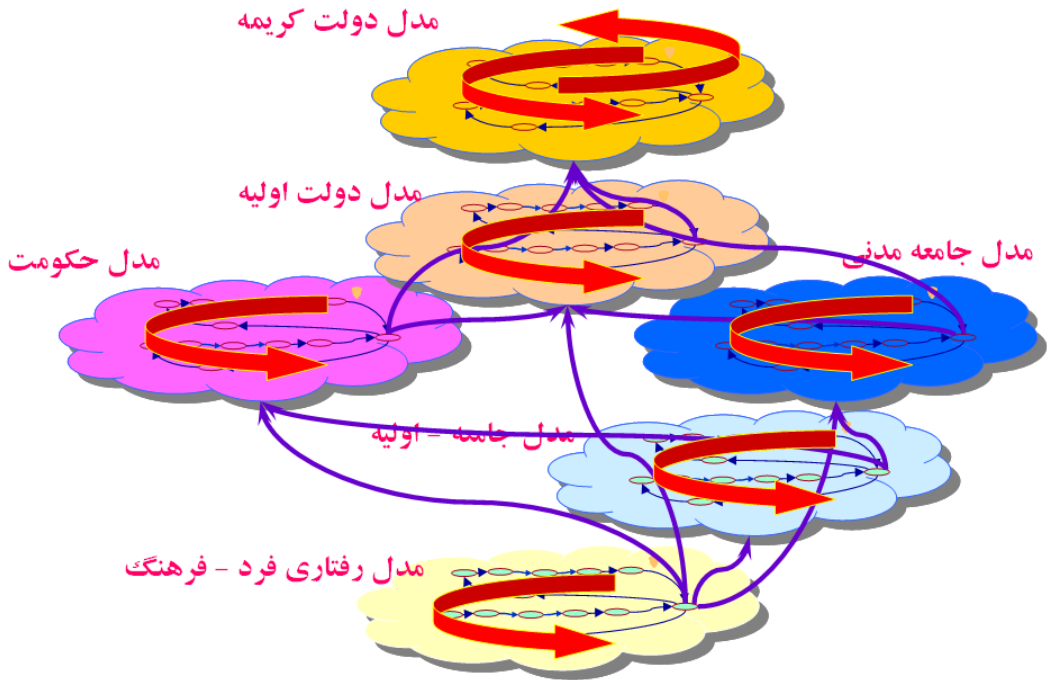
شکل ۹-د- مولفه ها و ابعاد چارچوب نظریه دولت الکترونیک

فراکتالیسم، به عنوان یک عنصر شفاف کننده در این میان بکار گرفته می شود و مشخص می کند که چگونه یک نظام اجتماعی، مبتنی بر مولفه های اجتماعی طراحی می شود. فراکتالیسم بیان می کند که چطور یک ساختار طبیعی با الهام از طبیعت و با ساختارها و طراحی طبیعی (چه در طبیعت گیاهی و جانوری، و چه در طبیعت انسانی) شکل می گیرد و چگونه می توان یک نظام را این گونه طراحی کرد!

۹-۱- ربط نظریه دولت با نظریه رفتاری فرد - فرهنگ؛ بسط مدل فرد تا دولت

اما چگونه پدیده فرهنگ، مبتنی بر پدیده ادراک و رفتار فرد بنا می شود، و پدیده های جامعه، حکومت و دولت شکل می گیرند! ارتباط اینها با یکدیگر چگونه است؟! و سیر تکاملی دولت چگونه است!؟

^۱ - این باور قدیمی وجود دارد که نظام های طبیعی با توجه به اصول و ماهیت خاص خودشان نمی توانند مورد طراحی قرار گیرند. ولیکن اعتقاد ما بر آن است که چنین کاری ممکن بوده و می توان اصولی که در ساختارهای طبیعی و زنده وجود دارد را در سیستم های طراحی شده قرار داد. فراکتالیسم به همین امر می پردازد.



شکل ۱۰- بسط مدل فرد - فرهنگ

در این خصوص، باید ابتدا به نوع بسطی که در مدل رفتاری فرد - فرهنگ صورت می‌گیرد نگاهی بیاندازیم. با نگاهی به این مدل، خواهیم دید که چرخه‌ای در این مدل انجام می‌شود که از ادارک شروع می‌شود و سپس نیاز، ارزش، خواست، اراده، عمل و بازتاب عمل (چه خودآگاه و چه ناخودآگاه) در آن انجام می‌گیرد. مشابه همین عمل، در جامعه اولیه نیز صورت می‌پذیرد و از این رو تا حدودی می‌توان گفت چرخه‌ای که در مدل رفتاری فرد - فرهنگ انجام می‌گیرد، در مدل جامعه اولیه نیز می‌تواند انجام شود. (شکل ۱۰)

به همین صورت، تعاملاتی که در دو مدل فرد - فرهنگ و جامعه اولیه صورت می‌گیرد، در مدل جامعه مدنی نیز قابل انجام شدن هستند. در جامعه مدنی، نوع خاصی از قواعد و مقررات و تمدن حکم فرماست و در واقع یک جامعه متملن محسوب می‌شود. در این نوع جامعه، حکومت می‌تواند جایگاه مشخصی نداشته باشد.

به‌همین ترتیب، پدیده حکومت، مبتنی بر تعاملات داخلی مدل‌های فرد- فرهنگ و جامعه اولیه شکل می‌گیرد. اقراد نیاز پیدا می‌کنند که یک نظام و سازمان مشخص بوجود آید و قوانین و مقررات و نظم را در جامعه برقرار کند. معمولاً، جامعه مدنی و حکومت در کنار یکدیگر شکل می‌گیرند. بر اساس تعاملاتی که در مدل‌های فوق صورت می‌گیرد، مدل دولت اولیه شکل می‌گیرد و اقتدار، طبق تعریفی که جلوتر از آن خواهیم داشت، حاصل می‌شود. پدیده دولت می‌تواند تکامل پیدا کند و به یک دولت مطلوب با نام دولت کریمه برسد. دولت کریمه هم یک نقطه مشخص و ثابت نیست، بلکه پدیده‌ای است که دائماً در حال تکامل و تغییر و تحول است.

۱۰-۱- ارائه ابعاد چارچوب دستگاه نظری

- اصول نظریه فراکتالیسم در ارائه جداگانه‌ای موجود است. (سند راهبردی و معماری کلان نظام فن‌آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری - بخش اصول - ۱۳۸۲. و همچنین در کتاب نظام برتر، آینده آموزش و آموزش آینده، اردوان مجیدی، نشر ترمه، ۱۳۸۰).
- نظریه رفتاری فرد - فرهنگ در مجموعه جداگانه‌ای، در فرصتی دیگر، ان‌شاء‌الله ارائه خواهد شد. مطالب محوری در بخش تعریف جامعه گنجانده شده است.
- چارچوب نظریه‌های مهندسی نظام‌های کلان و معماری سیستم و چارچوب و متدولوژی چم، در مجموعه دیگری ارائه می‌شود.
- چارچوب‌های نظریه‌های فن‌آوری اطلاعات، جامعه اطلاعاتی، دولت، دولت الکترونیک، در این مستند ارائه می‌شود.

۱۱-۱- چارچوبی برای مطالعه عمیق‌تر

- این تنها یک چارچوب نظری است.
- هم در وجوه مطرح شده باید نظریه پردازی عمیق‌تری انجام شود.
- هم وجوه دیگری وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود.
- این سند تنها ابعاد مطالعه نظری و بستره همگرایی بخش‌های مختلف آن را روشن می‌کند.
- مطالعه‌ای که در گام‌های بعدی، مبتنی بر همین چارچوب باید انجام شود.

- ضمن آنکه در این مستند، تنها کلیات و رئوس محورهای که در مطالعه گذشته به آن دست یافته‌ایم، ارائه می‌شود.
- حجم قابل توجهی از مطالب ارائه‌نشده در حوزه‌های مختلف وجود دارد که در باید در گام‌های بعدی تکمیل و ارائه شوند (ان شاء الله).

۱۲-۱- روش شناس بحث

موضوع اصلی، طراحی نظامی برای دولت الکترونیک است. این طراحی، یک طراحی نظام کلان است که مبتنی بر اصول مهندسی نظام‌های کلان قرار دارد. مبانی نظری اولیه، در مستندات مهندسی نظام‌های کلان تبیین شده است. مبانی روش‌شناسی، چه در چارچوب نظری و چه در طراحی معماری، در مستندات چم (چارچوب و متدولوژی معماری نظام‌های خرد و کلان) تبیین می‌شود.

اطلاعات

در این فصل، برای تبیین اصل بحث و چارچوب نظری، از پدیده اطلاعات شروع می‌کنیم. از این رو، در ابتدای تبیین مولفه‌هایی که منجر به تبیین نظریه دولت الکترونیک می‌شود، لازم است تا مفهوم اطلاعات و ماهیت آن مورد بررسی قرار گیرند. خواهیم دید که پدیده اطلاعات چیست، و مفهوم و ماهیت آن کدامند؟ با این شناخت، می‌توانیم دو پدیده فن‌آوری اطلاعات و جامعه اطلاعاتی را تبیین کنیم.

۱-۲- واژه اطلاعات و واژه الکترونیک

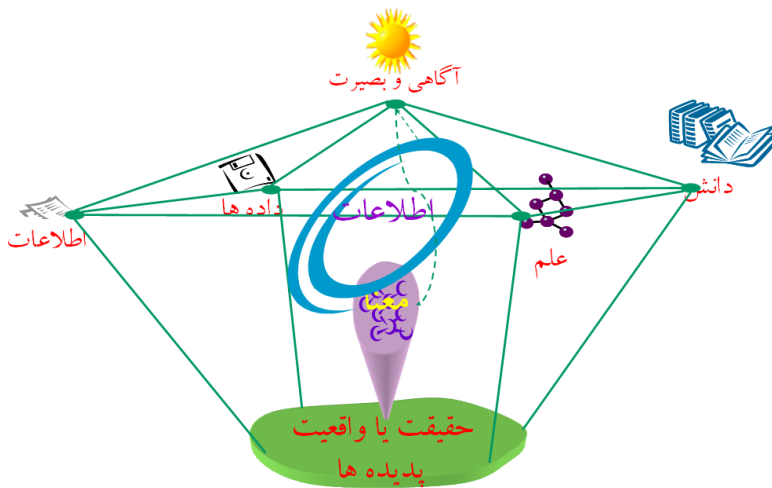
اطلاعات چه پدیده‌ای است؟ وقتی که می‌گوئیم: فن‌آوری اطلاعات، یا نظام اطلاعاتی یا جامعه اطلاعاتی و نظائر آنها، منظورمان از اطلاعات چیست؟ آیا منظور داده است؟ آیا منظور دانش است؟ از این رو، لازم است تا ابتدا تعریفی مشخص از واژه اطلاعات ارائه کنیم؛ در ادامه بحث نظری دولت الکترونیک، بر واژه اطلاعات که اکنون آن را بیان می‌کنیم، استناد خواهیم کرد. البته اطلاعات، واژه‌ای است که بحث‌های نظری مختلفی در حوزه تعریف آن وجود دارد، و به نظر می‌رسد هنوز امکان تعریف مشخصی از آن فراهم نشده است، و بطور قاطع نمی‌توانیم تعریف دقیقی از آن ارائه کنیم. افراد مختلف در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف، به اشکال و زوایای متفاوتی، این واژه را تعریف کرده‌اند.

همان‌گونه که بحث دولت الکترونیک، بحثی پیچیده است، واژه اطلاعات نیز پیچیده به نظر می‌رسد و نیاز به بررسی و مطالعات بیشتری دارد که البته مجال پرداختن به آنها در این مباحث وجود ندارد. این تعریف، یک تعریف مقدماتی است و تنها به واسطه کاربرد آن در چارچوب نظری مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲- تعریف اطلاعات

در این قسمت، تعریفی مقدماتی از اطلاعات و ابعاد آن مطرح می‌کنیم. واضح و روشن است که اطلاعات، وجوهی از حقیقت یا واقعیت یک پدیده را آشکار و روشن می‌کند. اطلاعات در مفهوم عام آن، تبیین مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌ها در قالب عناصر مفهومی است، این تبیین به اشکال مختلفی انجام می‌گیرد که عبارتند از (شکل ۱۱):

- داده‌ها؛ شامل مجموعه‌ای از حقایق به شکل قالب‌بندی شده خام هستند. داده‌ها، پختگی لازم برای آنکه انسان ادراک درستی از آنها داشته باشد، ندارند. البته خام‌بودن یا پخته‌بودن آن، بستگی به مخاطبانش دارد، اینکه انسان باشد یا ماشین. ما بدلیل نبود فرصت کافی، به همین تعریف بسنده می‌کنیم و مخاطبان را در این تعریف در نظر نمی‌گیریم.
- اطلاعات؛ با مفهوم خاص آن در حوزه فن‌آوری اطلاعات، تبیین حقایق دارای معنای قابل درک برای انسان است. تفاوت مابین داده و اطلاعات، در همین معنای خاص روشن می‌شود. انسان مستقلاً نمی‌تواند داده را مورد استناد و استفاده قرار دهد و آن را درک نماید. داده‌ها، معمولاً به شکلی سازماندهی می‌شوند که سیستم‌های رایانه‌ای بتوانند آنها را درک و پردازش نمایند. اما اصطلاح اطلاعات، بیشتر زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که انسان بتواند آن را درک کند.
- دانش؛ اطلاعات معنادار معتبری است که واقعیتی را به شکل یک قاعده مشخص تبیین می‌کند. بنابراین، اطلاعات دانش، بایستی مورد اثبات قرار گرفته باشد و اعتبار آن نیز معلوم، و قاعده مشخصی در آن موجود باشد. به عنوان مثال، یک لیست حسابداری که دارای معنا و اعتبار مشخصی باشد، دانش محسوب نمی‌شود، چرا که واقعیتی را به شکل یک قاعده مشخص بیان نمی‌کند.
- علم؛ مجموعه‌ای از دانش‌ها، و نظام و انتظامی برای تبیین و بررسی صحت آنها است.



شکل ۱۱- اطلاعات و اشکال مختلف آن

شکل ۱۱، اشکال مطرح شده را در یک نمودار نشان می‌دهد، که البته قرار گرفتن آنها در یک سطح، به معنی هم‌سطحی آنها بایکدیگر نیست و هدف آن است که اشکال مختلفی که اطلاعات به صورت آنها بروز می‌کند، بیان شوند. لذا، اطلاعات به معنای عام، به جای هر یک از اشکال فوق قرار می‌گیرد. قطعاً، علم فراتر از دانش، و دانش فراتر از داده‌ها و اطلاعات است. در صورتی که داده‌ها و اطلاعات اصلاح شوند، به دانش، و زمانی که شکل خاص‌تری پیدا کنند، به علم تبدیل می‌شوند.

اطلاعات، در نهایت منجر به آگاهی و بصیرت می‌شوند و انسان می‌تواند حقیقت یا واقعیت پدیده‌ها را درک کند. این آگاهی و بصیرت، در درک معنای حقیقت یا واقعیت پدیده‌ها کمک می‌کند و در واقع، آگاهی و بصیرتی برای درک معنای حقیقت یا واقعیت است. بسیاری از اوقات، اطلاعات در محدوده کوچکی مانند داده‌ها یا اطلاعات (در مفهوم خاص آن) بکار می‌رود. اما در بسیاری از اوقات، چیزی است که منجر به شکل‌گیری آگاهی و بصیرت می‌شود و دانش و علم را در خود نهفته دارد.

تعریف اطلاعات با معنای عام آن:

حال می‌توانیم اطلاعات را در معنای عام آن تعریف کنیم. اطلاعات، تبیین مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های پدیده‌ها (نه لزوماً همه حقایق و واقعیت‌های پدیده‌ها)، در قالب عناصر مفهومی



شکل ۱۲- استفاده یکسان از یک نماد اطلاعاتی - الکترونیکی

است که به شکل داده‌ها، اطلاعات، دانش یا علم، نمایان می‌شود و منجر به شکل‌گیری آگاهی و بصیرت انسان در درک معنای آن حقایق و واقعیت‌های پدیده‌ها می‌شود.

۳-۲- ربط واژه الکترونیک با اطلاعات

با توجه به تعریفی که از اطلاعات در فصل قبلی ذکر کردیم، هر چند واژه الکترونیک، به افزارها و علم و فن‌آوری‌های مرتبط در حوزه این افزارها اطلاق می‌شود، اما بکارگیری این واژه در واژه‌هایی نظیر تجارت الکترونیکی، دولت الکترونیکی، و ... را می‌توان با تسامح (در وجه معنا و توجه افزاری آن)، به معنا و مفهوم مبتنی‌شدن وسیع‌الطیف آن حوزه به اطلاعات و ارتباطات، نظام‌های اطلاعاتی و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات دانست. از این رو، تجارت الکترونیکی، مترادف تجارت مبتنی بر اطلاعات و ارتباطات و نظام‌های اطلاعاتی و فن‌آوری اطلاعات است، و دولت الکترونیکی، مترادف دولت مبتنی بر اطلاعات و ارتباطات و نظام‌های اطلاعاتی و فن‌آوری اطلاعات است.

به است، هم برای
م در مورد پدیا
الکترونیک، استفاده می‌سیم.

بهمین دلیل، از نمادها
اطلاعات در آنها مطرح اس
الکترونیک مطرح می‌شوند، م

فن آوری اطلاعات

اطلاعات، در حوزه‌ها و مکان‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنگامی که در مباحث مطرح شده در این حوزه‌ها مانند تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک، جامعه اطلاعاتی و نظایر آن صحبت می‌کنیم، بحثمان فقط اطلاعات صرف نیست. بلکه حوزه اصلی بحث، فن آوری اطلاعات است و در اغلب موارد واژه اطلاعات و واژه الکترونیکی را با تسامح، جای فن آوری اطلاعات بکار می‌بریم. در این فصل، هدف آن است که مفهوم و ماهیت فن آوری اطلاعات در پدیده‌های تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک، جامعه اطلاعاتی و نظایر آن بررسی و ابعاد آن مشخص شود.

۱-۳- مفهوم فن آوری اطلاعات و ارتباطات؛ تفاوت با مفهوم مهندسی سیستم‌های

رایانه‌ای

در اغلب موارد، فن آوری اطلاعات و ارتباطات، با مهندسی سیستم‌های رایانه‌ای اشتباه گرفته می‌شود و این دو مفهوم به اشتباه با یکدیگر یکسان در نظر گرفته می‌شوند. بسیاری از افراد، تجسم درستی از فن آوری اطلاعات و ارتباطات ندارند و این مفهوم را همان مهندسی سیستم‌های رایانه‌ای می‌دانند. اما واقعا چه تفاوتی مابین این دو مفهوم وجود دارد؟ و به چه منظور از یکدیگر تفکیک می‌شوند؟

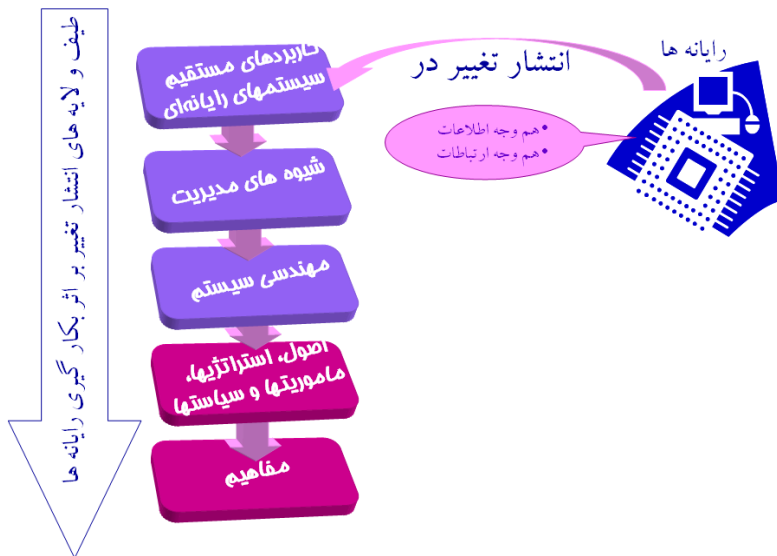
ریشه تفکیک این دو مفهوم را بایستی در اثراتی که سیستم‌های رایانه‌ای در نظام‌های کاربردی دارند و همچنین در لایه‌های این اثرات جستجو کرد. به عبارت دیگر، برای آنکه درک کنیم که چه تفاوتی میان این دو مفهوم وجود دارد، لازم است به این موضوع توجه کنیم که فن آوری اطلاعات و

ارتباطات، در چه حوزه‌ای مطرح، و بکار گرفته می‌شود، و همچنین علت پیدایش و شکل‌گیری آن چیست.

مهم‌ترین و بدیهی‌ترین عنصری که منجر به شکل‌گیری فن‌آوری اطلاعات شده است، رایانه‌ها محسوب می‌شوند. اما آیا رایانه‌ها همان فن‌آوری اطلاعات هستند! و یا بر اثر بکارگیری رایانه‌ها پدیده خاصی شکل می‌گیرد که همان فن‌آوری اطلاعات است! رایانه‌ها باعث انتشار تغییر در چندین لایه مختلف، هم در وجه اطلاعات و هم در وجه ارتباطات می‌شوند (شکل ۱۳). اولین لایه‌ای که رایانه‌ها باعث ایجاد تغییر در آن می‌شوند، کاربردهای مستقیم سیستم‌های رایانه‌ای است. به عنوان مثال، بکارگیری یک سیستم رایانه‌ای برای ثبت اطلاعات در انبار، باعث تغییر و تحولاتی در عملیات ثبت خواهد شد. تا پیش از بکارگیری این سیستم، رویه‌های ثبت از طریق کارتکس و دفاتر مربوطه صورت می‌گرفت، ولی پس از بکارگیری رایانه، این امر تغییر می‌یابد و شکل جدیدی به خود می‌گیرد.

اما آیا تغییر در همین لایه باقی می‌ماند؟ قطعاً خیر! در این اثر، شیوه‌های مدیریت نیز دچار تغییر می‌شوند. یعنی با شیوه‌های قبلی مدیریتی نمی‌توان سازمان و عملیات را مدیریت کرد. مدیران لازم است تا شیوه‌های مدیریت و اجرای خود را تغییر داده و از شیوه‌های نوینی استفاده کنند، تا بتوانند استفاده و بهره‌برداری از سیستم‌های رایانه‌ای را به حداکثر رسانده و مسائل سازمان را در شرایط جدیدی که ایجاد شده است درک کرده، و هدایت آن را به نحو موثری بر عهده گیرند.

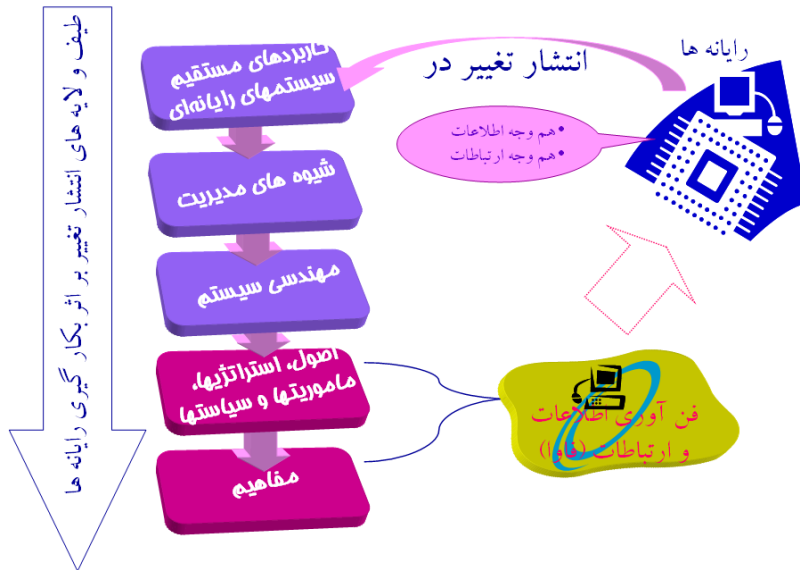
ولیکن، تغییر تنها در این دو لایه باقی نمی‌ماند و در لایه دیگری نیز رخ می‌دهد! این تغییر در ساختار سیستم‌ها و طریقه سازماندهی سیستم‌ها و در واقع در مهندسی سیستم اعمال می‌شود. بر اثر بکارگیری رایانه‌ها در سازمان، روش‌ها، ساختارها، و حتی فراروندها و چرخه حیات تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، و مهندسی سیستم دچار تحول شده و شکل جدیدی از مهندسی سیستم بوجود آمده است. این سومین سطح از انتشار تغییر مورد بحث است.



شکل ۱۳- طیف و لایه‌های انتشار تغییر بر اثر بکارگیری رایانه‌ها

و این انتشار تغییر، به مهندسی سیستم نیز محدود نمی‌شود. لایه بعدی، چیزی فراتر از سیستم است. اثرات بکارگیری سیستم‌های رایانه‌ای، منجر به تغییر شرایط و ابعاد مسائل محیطی (محیط به مفهوم عام آن) می‌شود، و این منجر به آن می‌شود که اصول، راهبردها (استراتژی‌ها)، ماموریت‌ها و سیاست‌های سازمان دچار تغییر و تحول شوند، به عبارت دیگر، این تغییر در لایه راهبردی سازمان رخ می‌دهد. سازمانی که به شکل وسیع از سیستم‌های رایانه‌ای استفاده می‌کند از یک طرف، و سازمانی که در میدان و محیطی قرار دارد که در آن سیستم‌های رایانه‌ای نقش اساسی دارند، مانند جامعه اطلاعاتی، از طرف دیگر، در این لایه دچار این تغییرات می‌شوند.

باز هم در لایه دیگری تغییرات رخ می‌دهد. در این لایه، مفاهیم دچار تغییرات می‌شوند و حتی مفاهیم جدیدی نیز شکل خواهند گرفت. به عبارت دیگر، پدیده‌های جدیدی رخ می‌دهند که پیش از این وجود نداشتند و یا به گونه دیگری بودند. به همین دلیل، باید از ابعاد مفهومی و نظری با پدیده‌ها مواجه شد. مثلاً، تا پیش از روی کار آمدن سیستم‌های رایانه‌ای، مفهوم پول به گونه دیگری بود، ولی اکنون با بکارگیری چنین سیستم‌هایی، انواع جدیدی از پول و اعتبار و همچنین طریقه بکارگیری این اعتبار پدید آمده است و در پی آن مفاهیم اقتصادی و تجارت مورد تغییر قرار گرفتند. مفاهیمی که قبلاً برای موضوعاتی مانند کار، تحصیل، مدرک، پول، بانک، تجارت، مبادله، سازمان،



شکل ۱۴- پیدایش فن آوری اطلاعات و ارتباطات

سند و دهها موضوع دیگر تعریف شده بود، به تدریج اعتبار خود را در سالهای گذشته از دست داده، و یا در حال از دست دادن هستند. هر یک از اینها مفهوم جدیدی را به خود می گیرند. نظریات علمی هم که بر اساس این مفاهیم شکل گرفته بود، به سرعت اعتبار خود را از دست می دهند. بسیاری از نظریات اقتصادی، مهندسی سیستم، اجتماعی، امنیتی، و ... کنار رفته و نظریات جدیدی جایگزین آنها می شوند، تا بتوانند شرایط جدیدی را که بر اثر استفاده وسیع از سیستم‌های رایانه‌ای ایجاد شده است، توضیح دهند. تغییر بکارگیری این سیستم‌ها، گریبان مفاهیم و نظریات علمی را نیز گرفته است.

در یک جمع‌بندی، پنج لایه‌ای که بر اثر بکارگیری وسیع سیستم‌های رایانه‌ای، تغییرات در

آنها منتشر می شود، عبارتند از:

- ۱- کاربرد مستقیم سیستم‌های رایانه‌ای
- ۲- روش‌های مدیریت
- ۳- مهندسی سیستم
- ۴- اصول، راهبردها، ماموریت و سیاست‌ها
- ۵- مفاهیم و نظریات علمی

این لایه‌ها باید بدرستی شناخته شوند تا بتوانیم اثراتی را که رایانه‌ها ایجاد می‌کنند، مورد تبیین قرار دهیم. تا زمانی که بحث در سه لایه اول و دوم سوم باشد، مهندسی سیستم‌های رایانه‌ای پاسخگوی تغییرات است. اما زمانی که بحث به حوزه راهبردها و مفاهیم کشیده می‌شود، دیگر مهندسی سیستم‌های رایانه‌ای پاسخگو نیست. بهمین دلیل، در اینجا واژه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات شکل می‌گیرد (شکل ۱۴). فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، مهندسی سیستم‌های رایانه‌ای را به خدمت می‌گیرد و معادلاتی را تبیین می‌کند که فراتر از معادلاتی است که در مهندسی سیستم‌های رایانه‌ای مطرح می‌شود. البته، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، مبتنی بر بنیان همان تغییراتی است که منجر به این تغییرات شده‌اند.

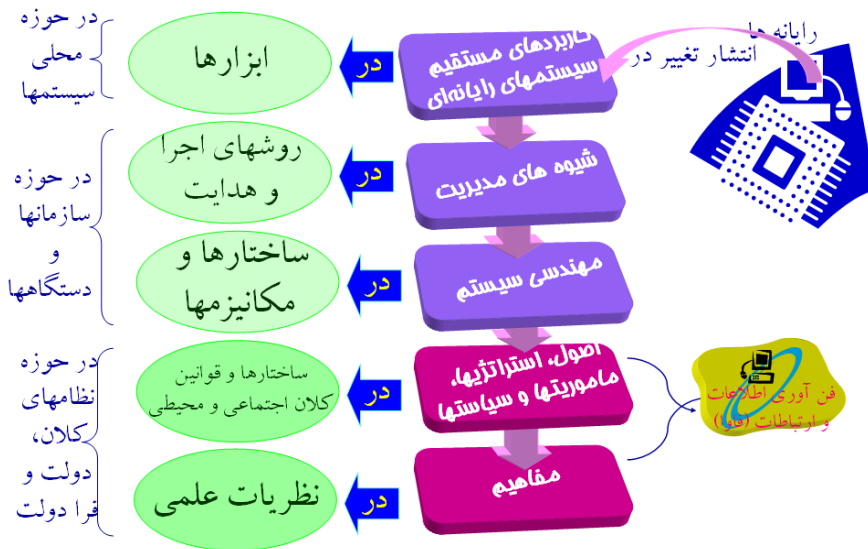
۲-۳- مفهوم فن‌آوری در مقایسه با علم

تفاوت بین فن‌آوری با علم چیست؟ علم، شناسائی قوانین آنچه که در محیط مادی و معنوی وجود دارد است (آنچه وجود دارد). اما فن‌آوری، شناسائی روش‌ها، قوانین و ابزاری است که برای کنترل محیط مادی و معنوی قابل اعمال است (آنچه می‌تواند باشد).

۳-۳- ماهیت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات

ماهیت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، به شکل بستره‌ای در ابعاد نظری، سیستمی، و ابزاری است. اهداف این بستره، عبارتند از:

○ درک مفاهیم و بنیان‌های نظری



شکل ۱۵- نوع تغییرات در هر لایه و محدوده اثر

- سازماندهی راهبردی
- کنترل راهبردی
- هدایت راهبردی

محدوده این فن آوری، در حوزه نظام‌های خرد و کلان است که سیستم‌های رایانه‌ای اطلاعاتی و ارتباطی به صورت اساسی در آنها به کار رفته است.

۴-۳- تعریف فن آوری اطلاعات و ارتباطات

با توجه به ابعاد ماهوی مطرح‌شده، فن آوری اطلاعات و ارتباطات را اینگونه تعریف می‌کنیم: بنیان‌های نظری، سازماندهی، کنترل و هدایت راهبردی در نظام‌های خرد و کلان بهره‌مند از بکارگیری اساسی سیستم‌های رایانه‌ای اطلاعاتی و ارتباطی است.

۵-۳- نوع تغییرات در هر لایه و محدوده اثر

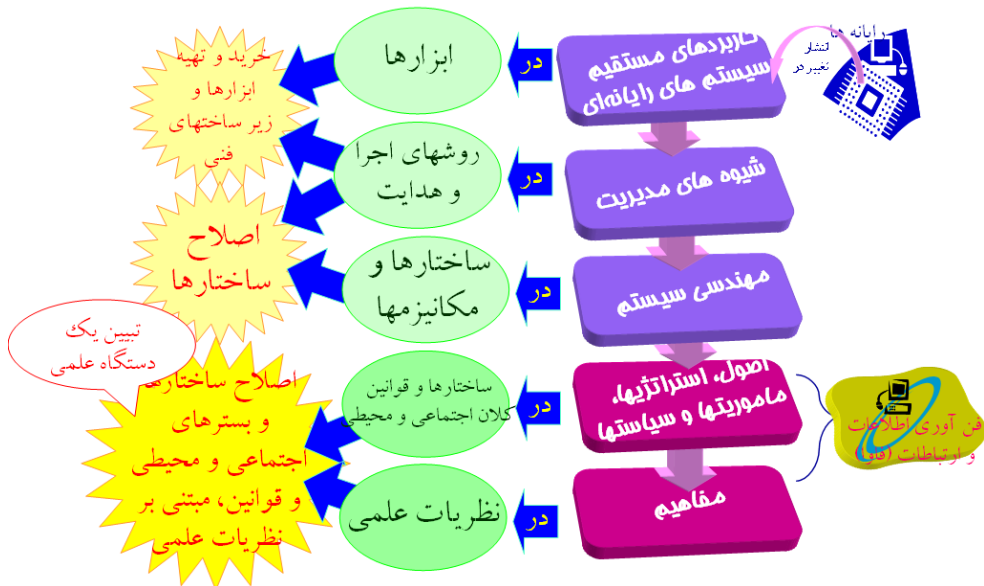
انواع تغییراتی که در هر پنج لایه مطرح‌شده ایجاد می‌شوند، با یکدیگر متفاوت هستند (شکل ۱۵). هنگامی که رایانه‌ها در کاربردهای مستقیم موجب تغییر می‌شوند، این تغییرات در ابزارها اعمال

می‌شوند. اما وقتی که تغییرات به لایه شیوه‌های مدیریت کشیده می‌شوند، روش‌های اجرا و هدایت مورد تغییر واقع می‌شوند. در صورتی که تغییر در لایه مهندسی سیستم رخ دهد، نوع تغییر در ساختارها و مکانیزم‌ها پدید می‌آید. تغییرات لایه اصول، استراتژی‌ها، ماموریت‌ها و سیاست‌ها نیز موجب تغییر در ساختارها و قوانین کلان اجتماعی و محیطی می‌گردند. در نهایت، وقتی که تغییر در مفاهیم رخ دهد، نوع نظریات علمی مطرح می‌شود.

اما محدوده اثر هر کدام از تغییرات مطرح شده چیست؟ ابزارها، در حوزه محلی سیستم‌ها دچار تغییر می‌شوند. ولیکن، روش‌های اجرا و هدایت و نیز ساختارها و مکانیزم‌ها، در حوزه سازمان‌ها و دستگاه‌ها مورد تغییر واقع می‌شوند. همچنین، حوزه تغییرات ساختارها و قوانین کلان اجتماعی و محیطی و نیز نظریات علمی، در حوزه نظام‌های کلان، دولت و فرادولت (فراتر از سازمان) است.

۶-۳- نوع اثر در برنامه‌ریزی توسعه

اما با توجه به لایه‌های مورد تغییر و حوزه‌های مربوط به آنها که در فصل قبل به آن پرداخته شد، نوع برنامه‌ریزی توسعه در هر کدام از لایه‌ها چگونه است؟ قطعاً برنامه‌ریزی توسعه در هر کدام از لایه‌ها با یکدیگر متفاوت خواهد بود (شکل ۱۶).



شکل ۱۶- نوع اثر در برنامه ریزی توسعه

اگر دیدگاه تغییرات ما تنها به دو لایه اول و دوم محدود باشد، نوع برنامه ریزی توسعه، به خرید و تهیه ابزارها و زیرساخت های فنی محدود می شود. اما اگر دید وسیع تری از تغییرات وجود داشته باشد و به لایه های دوم و سوم منتهی شود، نوع برنامه ریزی توسعه، اصلاح ساختار است. در این صورت، برنامه ریزی توسعه تنها توانسته است سه لایه اول از تغییرات را درک نماید. اگر فعالیت برنامه ریزی توسعه بتواند دو لایه دیگر، یعنی راهبرد و مفاهیم را نیز درک نماید، نوع برنامه ریزی توسعه، اصلاح ساختارها و بسترهای اجتماعی و محیطی و قوانین، مبتنی بر نظریات علمی خواهد بود. از این رو، در این دو لایه، برای انجام یک برنامه ریزی مطلوب، نیازمند به انجام نظریه پردازی هستیم و باید نظریات علمی را در این حوزه مورد تبیین قرار دهیم، و مبتنی بر آن، ساختارها و بسترهای اجتماعی و محیطی و قوانین را شکل دهیم. اگر بخواهیم بدانیم که یک برنامه ریزی توسعه تا چه حد بکارگیری سیستم های رایانه ای را درک کرده و در چه لایه ای قرار دارد، باید دید که این برنامه در کدامیک از سطوح مطرح شده قرار دارد.

در نتیجه، برای رسیدن به دو لایه آخر که مفهوم فن آوری اطلاعات را شکل می دهند، باید یک دستگاه علمی و نظری را مورد تبیین قرار داد.

فصل چهارم

جامعه

با توجه به رویکردی که در ابتدای بحث ذکر شد، تنها با استفاده از اطلاعات و فن آوری اطلاعات، نمی‌توان به پدیده دولت الکترونیک پرداخت. با توجه به دیدگاه چهارم در حوزه دولت الکترونیک که در فصل دیدگاه‌ها مطرح گردید، تمایز اصلی این دیدگاه عبارت بود از اینکه علاوه بر آنکه پدیده دولت الکترونیک تمامی فعالیت‌های یک دستگاه را مورد پوشش قرار می‌دهد، جامعه و دستگاه‌های دولتی و حکومتی موجود در آن نیز در حوزه مورد پوشش آن قرار می‌گیرند. از این رو، معیارهای جامعه را نیز باید در معادلات دولت الکترونیک شرکت داد.

جامعه‌ای که دولت الکترونیک در آن شکل می‌گیرد، یک جامعه معمولی نیست، بلکه یک جامعه اطلاعاتی است و باید این نوع جامعه مورد تبیین قرار گیرد. ولیکن، جامعه اطلاعاتی، چالش‌هایی را در دوران حاضر با خود به همراه دارد. دیدگاه‌های مختلفی توسط افراد مختلف راجع به این پدیده مطرح شده است. بعضی از آنها مانند دانیل بل و یا کاستلز، سعی نمودند که با پدیده انفجار اطلاعاتی و شواهد آن، شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی را نشان دهند. بسیاری از استدلال‌هایی که این افراد در اثبات جامعه اطلاعاتی ارائه نمودند، تکیه بر پدیده انفجار اطلاعات و پیدایش مسائل جدیدی دارد که در این ارتباط در جوامع در حال شکل‌گیری است.

افراد دیگری نیز مانند آنتونی گیدنز این نظریه را رد نموده‌اند، و عقیده آنها بر این است که اصولاً یک جامعه اطلاعاتی نوع خاصی از جامعه است که قبلاً هم وجود داشته است و تنها ترکیب و ابزارهای بیشتری در آن بوجود آمده است.

اما قابل توجه‌ترین نظریه‌ای که در این زمینه وجود دارد، توسط وبستر مطرح گشته است. او بر این عقیده است که دیدگاه‌های مطرح شده، همگی دارای چالش‌هایی هستند. او ادعای شکل‌گیری شکل جدیدی از جامعه را به چالش کشیده است. در بخشی از کتاب نظریه‌های جامعه اطلاعاتی او آمده است که: "حتی می‌توان به آسانی پذیرفت که این دگرگونی‌ها برای رهبری زندگی روزمره جوامع معاصر نقش محوری دارند. بنابراین چیزی که نتوانسته‌ایم ببینیم دلیل یا استدلالی است مبنی بر این عقیده که همه اینها نوع جدیدی از جامعه را یعنی، "فراصنعت‌گرایی" که حال را کاملاً از گذشته جدا می‌سازد، نشان می‌دهد."

با توجه به شکل‌گیری پدیده‌های جدید در جامعه، دیدگاه‌هایی را که افرادی مانند کاستلز و بل مطرح کرده‌اند، دیدگاه‌های بی‌ربطی نیستند، ولیکن نقدها و استدلال‌هایی که به نظریات آنان وارد شده است و دیدگاهی که پدیدآمدن جامعه جدیدی به نام جامعه اطلاعاتی را مطرح می‌کند، به درستی وارد است. اما دیدگاه‌ها و نقدهای واردشده به آنها، دلیل بر آن نیست که اصولاً چیزی با نام جامعه اطلاعاتی وجود خارجی نداشته باشد، بدین دلیل که تبیین‌های انجام شده در این خصوص ناقص بوده و تمام ابعاد موجود در آن را مشخص نمی‌کند.

تا زمانی که مفهوم جامعه به درستی تعریف نشده باشد و ماهیت و خصوصیات آن مشخص نگردیده باشند، بخوبی نمی‌توان نشان داد که جامعه اطلاعاتی چه نوع جامعه‌ای است و خصوصیات تعریف‌شده برای یک جامعه، در جامعه اطلاعاتی به چه صورت خواهد بود. در صورتی که اگر ابتدا به

مفهوم و خصوصیات جامعه پرداخته شود، می‌توان اختلافات میان دیدگاه‌های مختلف در حوزه جامعه اطلاعاتی را ساده‌تر تبیین کرد.

به همین دلیل، قبل از پرداختن به جامعه اطلاعاتی، ابتدا به تبیین جامعه خواهیم پرداخت و برای چنین کاری، از مدل رفتاری فرد - فرهنگ استفاده خواهیم نمود. از این رو، ابتدا پدیده فرد و سپس پدیده فرهنگ را مورد بررسی قرار می‌دهیم و پس از آن به تبیین پدیده جامعه خواهیم رسید.^۱

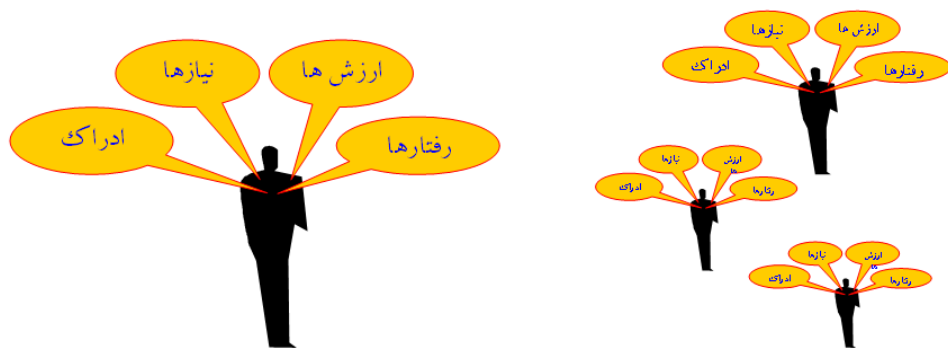
۱-۴- انسان؛ ادراک، نیازها، ارزش‌ها و رفتارها

برای اینکه بتوانیم پدیده جامعه را تبیین کنیم، باید ابتدا وجوه و پدیده‌های اساسی انسان را بشناسیم. اولین رکن مهم و اساسی که برای انسان مطرح است و می‌توان گفت که در فقدان آن نمی‌توان در مورد انسان نظر داد و او را موجود زنده‌ای تلقی کرد، ادراک است. انسان، بر اساس ادراکات خویش، رفتار خاصی از خود نشان می‌دهد، یعنی تصمیم‌گیری می‌کند، انتخاب می‌نماید، فعالیتی را از خود نشان می‌دهد و نظائر آن. تا زمانی که ادراک رخ ندهد و انسان پدیده‌ای را درک نکند، هیچ واکنشی از خود نشان نخواهد داد. بنابراین، اولین چیزی که سبب پیدایش رفتاری در انسان می‌شود، ادراک است. ادراک انواع مختلفی دارد و گاه به شکل خودآگاه، و گاه به شکل ناخودآگاه و در لایه‌های گوناگونی بروز می‌کند.

رکن مهم دیگر در انسان، نیاز است. انسان، موجودی نیازمند است و در تمام وجوه، نیازهای مختلفی دارد. پس از آنکه انسان پدیده‌ای را ادراک نمود، می‌تواند به آن نیاز پیدا کند. از این رو، ادراک، مقدمه‌ای است برای پیدایش نیاز. لکن هر ادراکی نیز ممکن است به نیاز منجر نشود. نیاز، گاهی دفعی و گاهی نیز بتدریج شکل می‌گیرد.

بر اساس ادراک و نیازهایی که در انسان شکل می‌گیرد، ارزش‌هایی برای او پدید می‌آیند و این دو پدیده، نقشی اساسی را در پیدایش ارزش ایفا می‌کنند. در اینصورت، او حاضر است تلاش کند، هزینه کند، منابعی را صرف کند و نظائر آن، تا به آن نیاز دست پیدا نماید. ارزش‌ها، سبب می‌شوند که انسان به سمت و سوی مشخصی حرکت کند.

^۱ - در این خصوص راه مفصل و زیادی طی شده است و مستندات نیز موجود دارد، اما بدلیل محدودیت این متن و تحمل مخاطب، تنها به اجمال به برخی از ابعاد مهم و اساسی آن می‌پردازیم. در فرصت مناسب دیگر، به لایه‌های زیرینی که در این بحث پنهان شده است خواهیم پرداخت.



شکل ۱۷- انسان؛ ادراک، نیازها، ارزش‌ها و رفتارها

ادراکی که سبب پیدایش نیاز، و نیازی که منجر به شکل‌گیری ارزش شود، می‌تواند منجر به بروز رفتار مشخصی در انسان شود. به عبارت دیگر، رفتارهای انسان، وابسته به ارزش‌ها، نیازها، و ادراکاتی است که برای او بوجود آمده‌اند. این پدیده‌ها، برای تمامی انسان‌ها مصداق دارد (شکل ۱۷) و هر یک از آنها ادراکات، نیازها، ارزش‌ها، و رفتارهای خاص خود را دارند.

۲-۴- انسان: خود و دیگری؛ بنیادهای شکل‌گیری جامعه در نفس

با توجه به مقدمه‌ای که به اجمال در فصل قبل در مورد شکل‌گیری رفتار انسان ذکر شد، چگونه یک جامعه شکل می‌گیرد؟ انسان در تعامل با انسان‌های دیگر قرار دارد. او می‌داند که انسان‌های دیگری نیز وجود دارند، و در مرحله اول، او وجود آنها را ادراک می‌کند. پس از آنکه این ادراک برای او رخ داد، به دیگران نیاز پیدا می‌کند. یعنی اینکه نمی‌تواند تمام کارها را خود انجام دهد و بایستی در تعامل با دیگران قرار گیرد. بدلیل این نیاز مطرح‌شده، ارتباط با دیگران برای او ارزشی ایجاد می‌کند و سپس منجر به برقراری ارتباط و ایجاد تعامل با آنها می‌شود.

بهمین ترتیب، رفتارهای دیگران نیز برای او مورد ادراک واقع می‌شوند. انسان درک می‌کند که دیگران در شرایط متفاوت، رفتارهای مختلفی در قبال او انجام می‌دهند و همانطور که او نیازهایی پیدا می‌کند، نیازهای دیگران را نیز ادراک می‌نماید. مبتنی بر این عوامل، او رفتار خود را در تعامل با



شکل ۱۸- انسان: خود و دیگری؛ بنیادهای شکل گیری جامعه در نفس

دیگران، با توجه به نیازها و رفتارهای خود و دیگران، تنظیم می‌کند. این تنظیم رفتار، هم به شکل خودآگاه و هم به شکل ناخودآگاه می‌تواند ایجاد شود.

اینکه انسان رفتارش را به گونه‌ای تنظیم کند که بتواند تعامل مناسبی با انسانهای دیگری برقرار کند، یعنی هم نیاز خود را برآورده کند و به رفتارهای دیگران پاسخ و واکنش مناسب بدهد و نیازهای آنها را درک کند، یک سازماندهی و نظم در رفتار فرد ایجاد می‌کند. این موضوع، تنها در مورد یک انسان نیست، بلکه در مورد تمام انسان‌هایی که در یک مجموعه کنار هم قرار دارند، صدق می‌کند. در این صورت، می‌توان گفت که بنیان‌های شکل‌گیری جامعه در نفس افراد شکل پیدا کرده، و در نتیجه پدیده جامعه را بوجود آورده است. (شکل ۱۸)

۳-۴- مولفه بنیادی جامعه

طبق تبیینی که در فصل قبل در مورد پیدایش جامعه مطرح شد، جامعه، تعامل مجموعه‌ای از انسان‌ها است. دو وجه اساسی که در شکل‌گیری جامعه موثر است، یکی خصوصیات و رفتارهای انسان، و دیگری تعاملات انسان‌ها با یکدیگر است. هر کدام از انسان‌ها، خصوصیات، نیازها، ارزش‌ها، ادراک و رفتارهای خاصی دارند، و این خصوصیات در شکل‌گیری جامعه مطرح است. تازمانی که این خصوصیات، با تعاملاتی همراه نباشد، جامعه شکل نخواهد گرفت. (شکل ۱۹)



شکل ۱۹- مولفه بنیادی جامعه

۴-۴- ابعاد کلیدی برای درک پدیده جامعه

برای اینکه بتوانیم درک بهتری از پدیده جامعه داشته باشیم، و تعاملات و عوامل آنها را درک کنیم، و همچنین ابعاد اساسی آن را مشخص سازیم، عوامل کلیدی موجود در آن را بررسی می‌کنیم. این عوامل کلیدی، در تبیین جامعه اطلاعاتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر بتوان به نحو مطلوبی تبیین کرد که ابعاد کلیدی پدیده جامعه کدامند، در تبیین جامعه اطلاعاتی نیز می‌توان به همین ابعاد استناد کرد و نقش آنها را در جامعه اطلاعاتی مشاهده کرد و بررسی کرد که آیا این عوامل دچار تغییر و تحول می‌شوند، و آیا این تغییرات و تحولات بگونه‌ای است که نوع جدیدی از جامعه تلقی شود. بنابراین، وجود جامعه اطلاعاتی، و تفکیک پذیری آن از جوامع دیگر، در تبیین این ابعاد کلیدی مشخص می‌شود.

۴-۴-۱- جامعه در پهنه محیط و جغرافیا

اولین بعد از این ابعاد کلیدی، بحث محیط و جغرافیاست (شکل ۲۰). یک جامعه، در محیطی کاملاً مشخص قرار می‌گیرد و در واقع، شکل‌گیری جامعه در محیط انجام می‌شود. محیط و جامعه، بر هم اثرپذیر و اثرگذار هستند، یعنی محیط می‌توان باعث تغییر و تحول در جامعه شود و برعکس. همچنین، ساختار و رفتار یک جامعه، در محیط‌های مختلف، متفاوت است.



شکل ۲۰- جامعه در پهنه محیط و جغرافیا

از طرف دیگر، جامعه در پهنه یک جغرافیای خاص شکل می‌گیرد. جامعه با یک حوزه جغرافیایی مشخص پیوستگی دارد و شرایط جغرافیایی بر آن اثر می‌گذارد. مثلاً، محدوده‌ها و تقسیمات یک کشور می‌تواند یک جامعه (مانند جامعه کردها) را بشکند و آن جامعه را از نظر پیوستگی قبلی مورد تغییر قرار دهد و یا حتی رفتارها و فرهنگ آن را تغییر دهد. در این صورت، جامعه تقسیم شده، می‌تواند به شکل جدید درآید و رفتارهای تغییر یافته‌ای را از خود بروز دهد که متفاوت با زمان پیوستگی آن بوده است. گاه جامعه نیز بر جغرافیا اثر می‌گذارد و در این صورت، جامعه سبب تغییر در جغرافیای کشور و باعث پیشروی یا پسروی در مرزهای آن می‌شود.

۲-۴-۴- انقیاد افزارها، موجودات و منابع

بعد دیگر از پدیده جامعه، بحث انقیاد افزارها، موجودات و منابع است (شکل ۲۱). یک جامعه انسانی، افزارهایی را مورد استفاده قرار می‌دهد، که این افزارها در جوامع مختلف می‌تواند متفاوت باشد. این تفاوت، می‌تواند به عنوان نوعی تمایز در جوامع به حساب آید. مثلاً جامعه‌ای که هم اکنون به صورت گسترده‌ای از اتومبیل استفاده می‌کند، و تمامی افرادش از این وسیله برای عبور و مرور استفاده می‌کنند، در مقایسه با جامعه صد سال قبل که در آن اتومبیلی وجود نداشت، رفتاری متفاوت خواهد داشت. از این رو، تفاوت افزارها، منجر به رفتارها و شکل‌گیری پدیده‌های متفاوتی در جوامع می‌شود. همچنین، موجودات زنده و منابعی که جامعه از آنها استفاده می‌کند، نیز در انقیاد جامعه نقش دارند و این عوامل، متاثر و اثرگذار در ساختار و رفتارهای جامعه هستند.



شکل ۲۱- انقیاد افزارها، موجودات و منابع

این سه عامل مطرح شده را می‌توان به عنوان اعضای درجه دوم جامعه محسوب کرد. یعنی هر چند که ما جامعه را مجموعه‌ای از انسان‌ها قلمداد می‌کنیم، ولی آن چنان این سه عامل در فعالیت‌ها و مسائل جامعه دخیل می‌شوند که از آنها به عنوان اعضای درجه دوم جامعه یاد می‌کنیم. به عنوان مثال، وسعت بکارگیری و نوع برخورد با سگ، در کشوری مانند ایران، بسیار متفاوت با کشوری مانند انگلستان است. در انگلستان ممکن است که صاحب یک سگ را بدلیل اینکه سگ او قسمتی از خیابان را کثیف کرده است، جریمه کنند. لذا، برخوردی که جامعه با این عامل می‌کند به گونه‌ای است که احساس می‌شود عضو درجه دوم جامعه است، و قواعد و مقررات و هنجارهایی برای آن وجود دارد. در منابع طبیعی نیز اوضاع بدین‌گونه است. مثلاً، نوع برخورد و بکارگیری کشورهای مختلف در مورد منبعی مانند دریا، متفاوت از یکدیگر است. کاربردها و استفاده‌هایی که از این منبع می‌شود، ممکن است در کشورهای مختلف با هم فرق کند. حتی نقش دریا در فرهنگ یک جامعه نیز می‌تواند تاثیرگذار باشد و مواردی مانند لحن صحبت، شعر، طریقه زندگی، کسب و کار و دیدگاه‌ها را مورد اثر قرار دهد.

عوامل یادشده، ملزم به رفتار قابل قبول اجتماعی هستند و باید تابعیت رفتاری اجتماعی داشته باشند. از این رو، طبق تابعیت خاصی باید در جامعه رفتار کنند. مثلاً ممکن است که در یک جامعه ورود سگ به بعضی اماکن دارای محدودیت و یا قانون خاصی باشد.



شکل ۲۲- جامعه، به مثابه یک نظام

۳-۴-۴- جامعه به مثابه یک نظام

جامعه، به مثابه یک نظام، قابل تحلیل و تبیین است و می‌توان آن را به چشم یک نظام نگاه کرد. یک جامعه، مولفه‌های اساسی یک نظام را به صورت غیررسمی و رسمی دربردارد، مانند قرارها، قواعد، قوانین و مقررات غیررسمی و رسمی؛ نهادها، ساختارها و سازمان‌های غیررسمی و رسمی؛ اطلاعات و اسناد مکتوب و غیرمکتوب؛ رویه‌ها و مکانیزم‌های غیررسمی و رسمی؛ سیستم‌های مکانیزه. (شکل ۲۲) اینها همگی مولفه‌هایی هستند که هم در نظام و هم در یک جامعه وجود دارند.

۴-۴-۴- تعاملات

در بین افراد یک جامعه تعاملاتی وجود دارد، که این تعاملات به اشکال همکاری با یکدیگر، ارائه خدمت، رابطه صرف، تنازع، رقابت، برخورد، و نظایر آن بروز می‌کند. ولیکن اینها، تنها نوع تعامل نیستند، بلکه کل محیط جامعه نیز با محیط خود، با جغرافیا، نهادها، ساختارها و سازمانهای غیررسمی و رسمی، رویه‌ها و مکانیزم‌ها، قواعد و قوانین و مقررات، اطلاعات و اسناد، سیستم‌های



شکل ۲۳- تعاملات

مکانیزه، موجودات زنده، منابع طبیعی، و افزارها تعامل دارد (شکل ۲۳). از این رو، در تبیین پدیده جامعه، بایستی هم تعاملات داخلی و هم تعاملات بیرونی را مورد لحاظ قرار داد.

۵-۴-۴- جامعه در پهنه زمان

جامعه، در پهنه زمان معنا پیدا می‌کند. از این رو، هنگامی که قرار است یک جامعه را مورد بررسی قرار دهیم، بایستی زمان آن را مشخص کنیم. آیا منظورمان جامعه فعلی است؟ جامعه صد سال قبل است؟ جامعه اولیه است؟ جامعه کدام زمان و کدام عصر؟ جامعه، یک پدیده تاریخ‌مند است و خصوصیات آن در طی گذر زمان تغییر می‌کند. جامعه فعلی با جامعه صد سال پیش، و جامعه صد سال پیش با جامعه دویست سال پیش بسیار متفاوت است. نمی‌توان گفت که چون جامعه‌ای از گذشته تاکنون در مکان ثابتی برقرار بوده است، تغییر نکرده و همان جامعه قبلی است. جامعه، یک پدیده شدنی است، نه بودنی، و دائماً در حال شدن دائمی است. در هر برهه از زمان، دارای ابعاد، شرایط، خصوصیات و مسائل خاص خود است. در نتیجه، جامعه یک زمان، متفاوت با آن جامعه در زمان دیگر است.



شکل ۲۴- الف- فرهنگ جامعه و فرهنگ افراد

۶-۴-۴- فرهنگ جامعه و فرهنگ افراد

فرهنگ جامعه و فرهنگ افراد، که در این فصل به آنها خواهیم پرداخت، نقش بسیار مهم و محوری برای درک پدیده جامعه محسوب می‌شوند، و هم در تبیین پدیده جامعه اطلاعاتی و هم در تبیین موتور اصلی جامعه که جلوتر بدانها خواهیم پرداخت، بسیار مهم هستند.

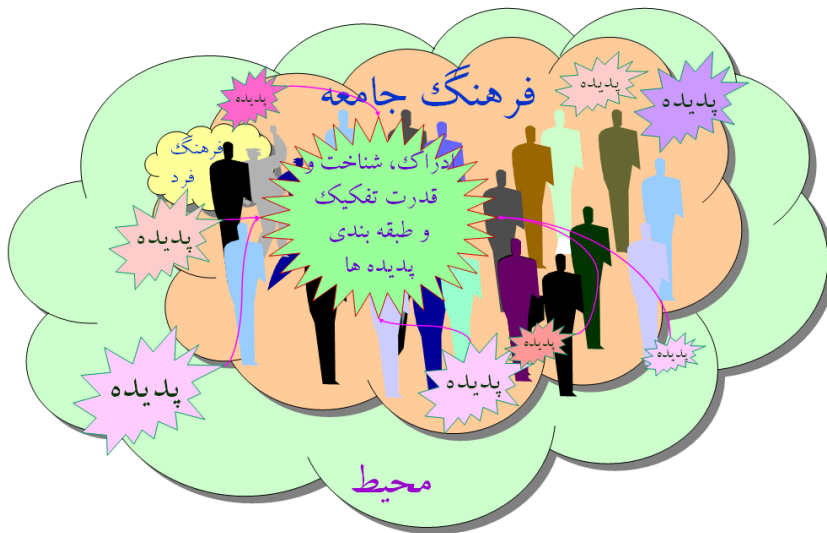
جامعه در یک محیط قرار دارد. در این محیط، فرهنگ خاصی بر جامعه حکم فرماست. هر کدام از افراد جامعه دارای فرهنگ متفاوت و خاصی هستند (شکل ۲۴-الف). البته، در برخی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ فرد مورد پذیرش نیست. از دیدگاه این افراد، فرهنگ، یک پدیده اجتماعی است و زمانی از فرهنگ صحبت می‌شود که تعامل انسان با انسان‌های دیگر مطرح شود و مسائل و هنجارهایی در فرهنگ مطرح می‌شود که در جامعه شکل می‌گیرد. ما این دیدگاه را نمی‌پذیریم و به عقیده ما هر فردی برای خود فرهنگ خاصی دارد.

به عنوان مثال، در برخی کشورها مردم از درآوردن و تعویض لباس در اماکنی مانند استخر ابائی ندارند و این عمل برایشان عادی است و بد تلقی نمی‌شود و از دیدگاه آنها لزومی وجود ندارد که حتما در جایی لباس خود را در آورند که فرد دیگری تباشد. در کشور دیگری این قضیه ممکن است برعکس باشد و مردم از این عمل پرهیز کنند. حال اگر فردی از این کشور به کشور اول سفر کند

و در مکانی قرار گیرد که مشاهده نماید مردم در پوشاندن خود تأکیدی ندارند و براحتی در معرض دید سایرین لخت می‌شوند، او چنین کاری را نمی‌کند. هر چند که بر خلاف کشور خود، در اینجا برخوردی با بی‌لباسی نمی‌شود و او می‌تواند مانند سایر افراد در این کشور عمل کند، ولیکن زندگی در کشور خود و وجود هنجارهای خاص در آن، در او فرهنگی ایجاد کرده است که خاص اوست. بنابراین، فرهنگ، نه تنها در یک جامعه، بلکه در فرد نیز شکل می‌گیرد و موجب هنجار شخصی در او می‌شود و اگر او از این قواعد هنجاری تخطی نماید، بدون اینکه کسی او را سرزنش نماید، خودش با خودش دچار مشکل می‌شود. حتی افرادی که در موردی مانند حجاب همرنگ جماعت می‌شوند، در درون خود تا مدت‌ها که هنجار جدید در آنها درونی شود، ناهنجاری احساس می‌کنند.

حتی این مساله بدون اینکه انتقال فرهنگ یک جامعه به جامعه دیگری صورت گیرد نیز می‌تواند رخ دهد. یعنی ممکن است فردی در یک جامعه، فرهنگی خاص خود داشته باشد و پدیده‌ای اختصاصاً برای او هنجار شده باشد، در حالیکه سایر افراد جامعه این فرهنگ را ندارند. به عنوان مثال، در جامعه‌ای که مردم به مسائل شرعی و اعتقادی خود چندان اهمیت جدی نمی‌دهند و فرائض خود را به موقع و دقیق انجام نمی‌دهند، ممکن است فردی برخلاف سایرین طبق هنجار شخصی خود عبادات و فرائض را به موقع و با کیفیت مطلوبی انجام دهد.

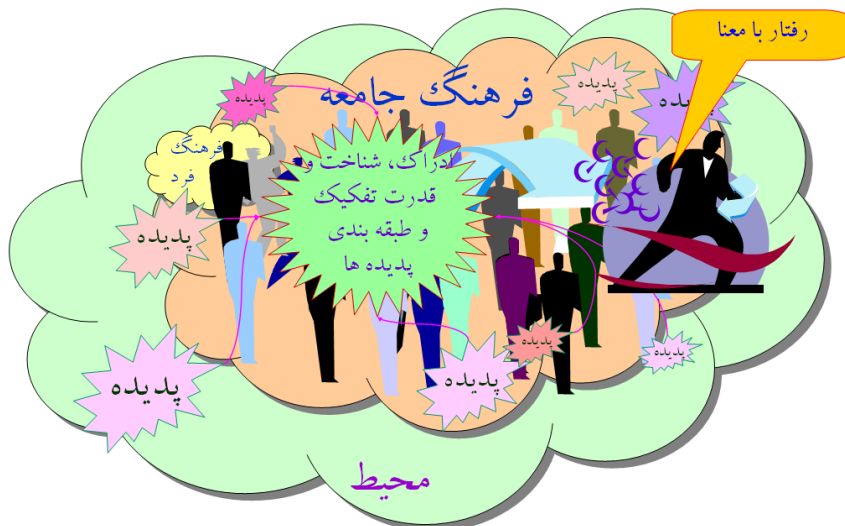
نکته مهم و اساسی این است که در محیط و در فرهنگ جامعه و فرد، پدیده‌های مختلفی وجود دارند که جامعه تمام یا بخشی از این پدیده‌ها را ادراک می‌کند (شکل ۲۴-ب) که این موضوع خود فرهنگ محسوب می‌شود. از این رو، هر چه فرهنگ پیشرفته‌تری در یک جامعه وجود داشته باشد، قدرت ادراک، شناخت، تفکیک و طبقه‌بندی پدیده‌ها بیشتر خواهد بود. این قدرت، هسته اصلی فرهنگ را می‌سازد. بسیاری از افراد ممکن است آگاهی لازم از آنچه را که در اطرافشان می‌گذرد نداشته باشند و از این رو، واکنش مناسبی را نیز نمی‌توانند در مواجهه با آنها از خود نشان دهند.



شکل ۲۴-ب- فرهنگ جامعه و فرهنگ افراد

به عنوان مثال، ممکن است در یک جامعه، موضوع بهره‌وری مساله شناخته‌شده‌ای نباشد و افراد جامعه به استفاده درست از منابع آشنا نباشند و حتی استفاده بهینه و درست از منابع برایشان بی‌معنی باشد. در این صورت، این جامعه به شناخت و درک درست در مورد این پدیده نرسیده است و نمی‌تواند قدرت درک درستی از بهره‌وری داشته باشد. هر چقدر جامعه بتواند این پدیده را بیشتر بشناسد و ابعاد آن را درک کند، فرهنگش در این مورد، غنی‌تر و متعالی‌تر می‌شود.

به عنوان مثالی دیگر، درک افراد از کار خوب و انجام کار خوب متفاوت است. اگر از کودکی در مورد این موضوع سوال شود، جوابی که او می‌دهد، تنها منحصر به چند عمل خواهد بود، اذیت و آزار نکردن، کمک به پدر و مادر، و چند مورد دیگر. در صورتی که کار خوب، ابعاد بسیار زیاد و پیچیده‌ای دارد، کاری ممکن است در مکانی و در شرایطی خوب باشد و در شرایط دیگر بد، از این رو، حالات و طبقات مختلفی از کارهای خوب وجود دارد و حتی اولویت‌هایی که بین کارهای خوب وجود دارد، نشان دهنده ابعاد زیاد آن است. تا جایی که در عرفان آمده است که برای رسیدن به کار خوب، هزار منزل راه است و هزار لایه از اداراک باید حاصل شود. این موضوع، در یک جامعه با فرهنگ ابتدائی، بسیار ضعیف و محدود است، اما در جامعه‌ای دیگر ممکن است این توانائی بسیار بالا باشد.



شکل ۲۴-ج- فرهنگ جامعه و فرهنگ افراد

جامعه، به واسطه ادراک، شناخت و قدرت طبقه‌بندی، رفتار بامعنائی از خود نشان می‌دهد (شکل ۲۴-ج) و این رفتار مبتنی بر ادراک خواهد بود. طبق تعریفی که از فرهنگ ارائه می‌کنیم، فرهنگ عبارت است از: ادراک، شناخت و قدرت تفکیک و طبقه‌بندی پدیده‌های مختلف و طیف‌های مختلف آنها و شکل‌دادن و سازماندهی رفتارهای بامعنا در مقابل هر یک از آنها است.

به عنوان مثال، در مورد فضای سبزی که در بخشی از شهر ایجاد شده است، افراد ادراک‌های مختلفی دارند و واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. یک رفتار آن است که شخص فضای سبز را تنها مشاهده می‌کند و از دیدن مناظر و طبیعت موجود در آن لذت می‌برد. رفتار دیگر آن است که شخص برای صرف غذا به آن جا می‌رود و بدین شکل از فضای سبز لذت می‌برد. لذا ادراکات گوناگونی در این رابطه وجود دارد. در مورد فضاهای مختلف نیز برخوردهای مختلفی انجام می‌شود. مثلاً، فضای سبز یک میدان در داخل شهر، فضای سبز داخل یک پارک، و فضای سبز داخل جنگل، سه فضای سبز متفاوت و با شرایط خاص متفاوت هستند. رفتار معقول متفاوتی باید در مقابل هر یک از این فضاها انجام شود. جامعه‌ای که به این قدرت درک رسیده است که این سه فضای سبز را از یکدیگر تفکیک کند و بین آنها تمایز قائل شود، رفتار بامعنائی مطلوبی از آن سر می‌زند. در این جامعه، افراد برای انجام تفریح و سپری‌نمودن یک روز تفریحی، از بین فضاهای مختلف، فضای مناسب‌تری را انتخاب می‌کنند، ولیکن اگر چنین درکی در بین افراد نباشد، تفاوتی را هم نمی‌توانند

درک کنند و ممکن است که در فضای سبز داخل میدان شهر رفته و در آنجا بساط پیک‌نیک پهن کنند و از این کار لذت ببرند. حتی فرهنگ فردی یک جامعه نیز در این مورد می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال، در یک جامعه، درک یک فرد روستائی نسبت به یک فرد شهری در مورد استفاده از فضای سبز می‌تواند متفاوت باشد و در واقع، فرهنگ آنهاست که با یکدیگر متفاوت است. در این صورت، فرد روستائی بدلیل درک کمتر، نمی‌تواند تفکیک درستی از فضای سبز داشته باشد.

به عنوان مثالی دیگر، جوانان در مقابل هیجان‌ات موجود در جامعه، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند و واکنش‌های مختلفی از آنها سر می‌زند. جامعه این رفتارها را گاهی خوب و گاهی نیز بد تلقی می‌کند. جامعه باید بتواند این رفتارها و طبقات آنها را بدرستی شناسائی کند و درک درستی از آنها داشته باشد و برخوردهای متفاوتی نسبت به آنها انجام دهد. از نمونه این رفتارها، می‌توان به پرخاشگری اشاره کرد. بعضی اوقات، این پرخاشگری به منظور خودنمایی فرد، و گاهی اوقات بدلیل فشار و مشکلاتی است که به او وارد می‌شود، و یا بدلیل لجبازی است. بنابراین، نوع رفتار آنها، انواع و اقسام مختلف، و علت‌های گوناگونی دارد. جوامع مختلف، برخوردها و واکنش‌های متفاوتی نسبت به این رفتارها از خود نشان می‌دهند و این تفاوت، ناشی از اختلاف فرهنگی (چه فردی و چه اجتماعی) جوامع نسبت به هم است. جامعه‌ای که بتواند در مورد هر یک از رفتارها و طبقات آنها درک بیشتر و بهتری داشته باشد و برخورد مناسب‌تری از خود نشان دهد، از فرهنگ بالاتری برخوردار است.

درک متفاوت یک فرد شهری از مشاهده آسمان و حالت‌های وزش باد نسبت به یک فرد روستائی، مثال دیگری در مورد تفاوت فرهنگ در حوزه یک جامعه است. حداکثر درکی که یک فرد شهری با مشاهده آسمان و وضعیت جوی می‌کند آن است که بگوید هوا آفتابی، ابری، نیمه‌ابری یا موارد دیگر در همین محدوده است. ولی، یک فرد روستائی درک بهتری از مشاهده آسمان و وضعیت جوی دارد. درک او تا به آنجا می‌تواند باشد که با مشاهده آسمان، نظراتی را در مورد فعالیت‌های مختلف کشاورزی و متناسب بودن وضعیت جوی با کاشت یک بذر خاص ارائه دهد. مثلاً، بگوید که در این هوا می‌توان فلان عملیات را انجام داد، و یا اینکه نمی‌توان در چنین هوایی فلان کار را کرد. حتی اسامی و نام‌های مختلفی برای وضعیت جوی مختلف بکار می‌برد. به عبارت دیگر، درک این فرد روستائی از وضعیت جوی و طبقه‌بندی آنها و نام‌هایی که به آن می‌دهد، بسیار وسیع‌تر از فرد شهری است. این نام‌های مختلف که در فرهنگ جامعه وجود دارد، بیانگر قدرت تفکیک و طبقه‌بندی جامعه

است، و بهمین دلیل جوامعی که زبانهائی با قدرت تبیین و تفکیک به صورت عبارات و واژه‌های کاملاً مشخص هستند، در سطح بالاتری از فرهنگ قرار می‌گیرند.

۷-۴-۴- فرارفتارها: عوامل شکل دهنده رفتارها در پهنه فرهنگ

پهنه‌ها و حوزه‌های گوناگونی برای فرهنگ وجود دارد و ممکن است که یک فرهنگ در یک حوزه، طبقه‌بندی عمیق‌تر و غنی‌تری، و در حوزه‌ای دیگر، طبقه‌بندی ضعیف‌تری داشته باشد. عاملی که سبب می‌شود تا رفتار مشخصی در مقابل یک طبقه یا سطح خاصی از پدیده‌ها شکل بگیرد، را فرارفتار می‌نامیم (شکل ۲۵). فرارفتار، مشخص می‌کند که چه رفتاری در چه شرایط و خصوصیتی باید بروز کند و هنگامی که خصوصیات و شرایط طبقه‌ای از پدیده تحقق پیدا کرد، انسان را خودآگاه یا ناخودآگاه، به رفتار بامعنائی در مقابل آن پدیده هدایت می‌کند. فرارفتار، مهم‌ترین عاملی است که به شکل عمدتاً ناخودآگاه، قدرتی را در شخص ایجاد می‌کند که رفتار بامعنائی را در مقابل طبقات مختلف از خود نشان دهد.

فرارفتارها به اشکال مختلفی می‌توانند بروز کنند (شکل ۲۵). برخی از آنها به شکل قرارها و مقرراتی است که معمولاً در جامعه نوشته، ولی موجود و پابرجاست. مثلاً در هنگام فوت فردی در جامعه، آشنایان و نزدیکان و همسایگان آن فرد، رفتارها و برنامه‌های خاصی را از خود نشان می‌دهند. مثلاً، در اولین روز فوت، در محل، صدای قرآن پخش می‌کنند و همگی در منزل خانواده مرحوم جمع می‌شوند، منتظر می‌مانند و در مراسم تشییع جنازه شرکت می‌کنند و ...

برخی از فرارفتارها، به شکل هنجارها بروز می‌کنند. به عنوان مثال، نوع لباس و پوشش افراد یک جامعه، از هنجار خاصی پیروی می‌کند و این هنجار مشخص می‌کند که چه نوع پوششی مناسب و چه نوع پوششی نامناسب برای افراد مختلف و سنین متفاوت است. اگر شخصی از این هنجارها تبعیت نکند، جامعه نخواهد پذیرفت و با او برخورد هنجاری خواهد شد، که البته شکل برخوردها با هر یک از پدیده‌ها متفاوت خواهد بود.



شکل ۲۵- فرارفتارها: عوامل شکل دهنده رفتارها در پهنه فرهنگ

برخی از فرارفتارها، به شکل عادت بروز پیدا می‌کنند. مثل استفاده از چای در هر مراسم پذیرائی. و یا مثل چانه زدن در مراسم خرید که به شکل ناخودآگاه بروز می‌کند.

مهارت‌ها نیز نوعی فرارفتار هستند. در اموری که انسان در آنها مهارت دارد، بدون اینکه فکر کند، بصورت ناخودآگاه تصمیم می‌گیرد و عمل خاصی را انجام می‌دهند. مثلا، شخص تنها با فراگیری دانش رانندگی، نمی‌تواند ادعا کند که رانندگی کردن را فرا گرفته است. اگر او تنها با فراگیری دانش مربوطه، اقدام به رانندگی کند، دچار مشکل خواهد شد و نمی‌تواند تمام کارهایی را که فرا گرفته و در ذهن خود دارد انجام دهد. او هنوز مهارت رانندگی کردن را بدست نیاورده است. ولیکن پس از مدتی تمرین، بسیاری از اعمال رانندگی مانند دنده عوض کردن را بطور ناخودآگاه انجام می‌دهد و در واقع شخص در انجام آنها مهارت کسب می‌کند. در واقع، وقتی مهارت حاصل شد، انسان بدون فکر کردن و ناخودآگاه وقتی در شرایط و حالات خاصی از پدیده‌ها قرار می‌گیرد، عملیات و واکنش‌های مناسب آن را انجام می‌دهد.

مهارت‌ها در مسائل اجتماعی نیز دیده می‌شوند. به عنوان مثال، مهارت در رفتن به بازار و خرید کردن، به گونه‌ای که فرد بتواند جنس مرغوب و اصل را با قیمت مناسب و واقعی بخرد و اصطلاحا سرش کلاه نرود. و یا در مثالی دیگر، گرفتن تاکسی در شهرهای بزرگ به مهارت خاصی



شکل ۲۶- گستره ای از وجوه مشترک

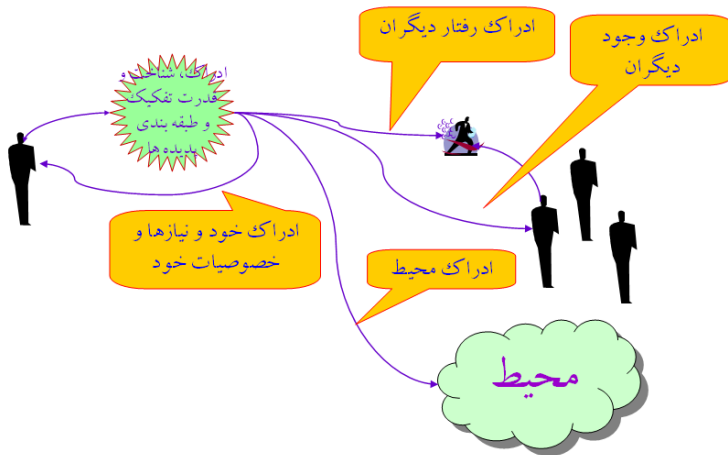
نیار دارد. اگر فردی چنین مهارتی نداشته باشد، مدت‌ها باید کنار خیابان بایستد و نمی‌تواند تاکسی بگیرد.

باورها و ایدئولوژی نیز نوعی فرارفتار هستند. در باورها، افراد نسبت به مسائل اعتقادی باورهائی دارند. این دو، بسیار نزدیک به هم‌اند، ولیکن همه باورها شامل ایدئولوژی نیستند و نیز همیشه ایدئولوژی به شکل باور در نمی‌آید.

بطور خلاصه، عوامل ذکرشده و همچنین عوامل دیگری که ممکن است وجود داشته باشند، مشخص می‌کنند که چگونه رفتارها شکل می‌گیرند.

۸-۴-۴- گستره ای از وجوه مشترک

یکی دیگر از ابعاد کلیدی برای درک پدیده جامعه، گستره‌ای از وجوه مشترک است. هنگامی که یک جامعه شکل می‌گیرد، در آن وجوه مشترکی بوجود می‌آید (شکل ۲۶). یکی از مهمترین وجوه مشترک، زبان است. وجه بعدی مشترک، علائق است. مثلاً در یک جامعه، افراد به ورزش علاقه دارند (جامعه ورزشکاران) و طبق این علائق، نسبت به یکدیگر هم بستگی پیدا می‌کنند. همچنین، انگیزه‌های مختلف و یا مشترک نیز ممکن است در یک جامعه وجود داشته باشد، مانند انگیزه برای انجام کار خیر (جامعه خیرخواهان).



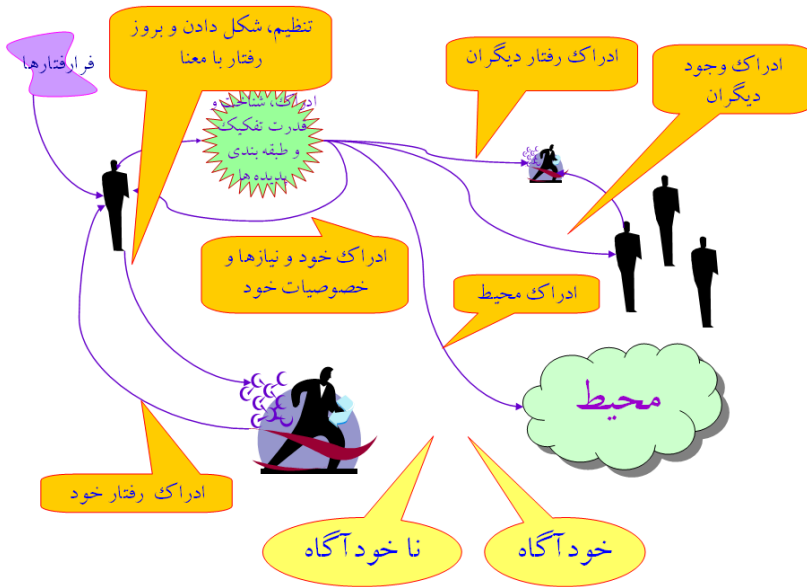
شکل ۲۷- الف- رفتار با معنای افراد در جامعه

ویژگی‌ها نیز می‌تواند منجر به پیدایش یک جامعه شود، مانند جامعه روشنفکران یا جامعه پزشکان، که یک سری ویژگی‌ها و رفتارهای خاص خود را دارند، هر چند که ممکن است در کنار یکدیگر نباشند. این جامعه، خود در درون جامعه بزرگتری می‌تواند قرار گیرد. همچنین، یک جامعه ممکن است که اهداف، مذهب، نژاد و موارد مشترک دیگری نیز داشته باشد. نکته قابل توجه آن است که، در جوامع مختلف، وجوه اشتراک متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد.

۹-۴-۴- رفتار با معنای افراد در جامعه

افراد جامعه مبتنی بر خصوصیات ذکر شده در فصل قبل، رفتار بامعنائی را از خود نشان می‌دهند. همان‌طور که در فصل‌های قبلی ذکر شد، عامل این رفتار بامعنا، ادراک، شناخت و قدرت تفکیک و طبقه‌بندی پدیده‌هاست. از این رو، افراد به واسطه این عامل، وجود دیگران و رفتار آنها را ادراک می‌کنند. اگر فرد بتواند طیف‌های رفتاری دیگران را بنحو مناسبی درک کند، می‌تواند رفتارهای مناسبی را نیز در مقابل آنها از خود نشان دهد.

همچنین، فرد می‌تواند محیط و مسائل مختلفی که در آن وجود دارد را درک کند و آنها را مورد طبقه‌بندی قرار دهد. و همچنین خود و نیازها و خصوصیات خود را در برابر مسائل گوناگون ادراک نماید (شکل ۲۷- الف).



شکل ۲۷- ب- رفتار با معنای افراد در جامعه

همه این موارد از یک سو، فرارفتارهای انسان که رفتار انسان را به صورت عادت و مهارت و نظایر آن شکل می‌دهند، از سوی دیگر منجر به تنظیم، شکل دادن و بروز یک رفتار بامعنا در انسان می‌شوند و فرد رفتار خود را به صورت بازخورد درک می‌کند (شکل ۲۷-ب).

اگر فرهنگ درستی در فرد شکل گرفته باشد، رفتار او مورد بهبود تدریجی قرار می‌گیرد. از این رو، انسان با فرهنگ، انسانی است که دائماً به سمتی می‌رود که رفتار او مورد اصلاح و بهبود قرار گیرد.

ادراک و رفتار مورد بحث، هم به شکل خود آگاه و هم به شکل ناخود آگاه، می‌تواند انجام و شکل گیرد.

۱۰-۴-۴- جامعه به مثابه یک موجود و پدیده زنده

اگر موضوعات مطرح شده در فصل قبل، در یک جامعه تحقق پیدا کند، یعنی افراد رفتار بامعنائی را در قبال یکدیگر داشته باشد و رفتارهای خود، یکدیگر و محیط را درک کنند، این جامعه می‌تواند رفتاری به مثابه یک موجود و یک پدیده زنده از خود نشان دهد. به عبارت دیگر، این جامعه را می‌توان به شکل یک موجود واحد و زنده تلقی کرد و نمی‌توان بین عناصر مختلفی که در این



شکل ۲۸- جامعه به مثابه یک موجود و پدیده زنده

جامعه وجود دارند، تفکیک و جدائی برقرار کرد. در این جامعه، یک روح واحد وجود دارد و از این رو، جامعه می‌تواند در مورد مسائل و پدیده‌های گوناگون ادراک داشته باشد. در چنین جامعه‌ای، این روح، مجموعه‌ای از روح تک‌تک افراد جامعه است، و ادارک جامعه، ادراک تک‌تک افراد جامعه است. به عنوان مثال، اگر جامعه‌ای در مورد مساله رشوه از خود واکنش نشان دهد، روح کل جامعه توانسته است این موضوع را ادارک نماید.

در جامعه‌ای با این خصوصیات، رفتار بامعنای یکپارچه‌ای شکل خواهد گرفت. چنین جامعه‌ای را می‌توان موجود زنده‌ای تلقی کرد که به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه رفتار بامعنای یکپارچه‌ای را از خود نشان می‌دهد (شکل ۲۸).

نکته کلیدی که خصوصا در بحث فرهنگ‌سازی وجود دارد، نوع نگرش ما به جامعه است. این موضوع که جامعه کلی و یکپارچه‌ای وجود دارد و روحی بر این جامعه حاکم است و ادراکی در کل جامعه برقرار است، در نوع نگرش و رفتار ما و عمل و برخوردی که با جامعه می‌کنیم متفاوت خواهد بود. اگر در چنین شکلی بخواهیم برنامه‌ریزی و اصلاح و تغییری را در جامعه انجام دهیم، باید این پدیده را درک کنیم.

مثلا، در جامعه مشکل عمل نکردن به قانون کمربند ایمنی وجود دارد و افراد جامعه بخوبی به آن عمل نمی‌کنند. در این خصوص، چندین راه‌حل وجود دارد: اینکه چگونه افراد را آموزش داده و آگاه کنیم، اینکه جریمه کنیم، و ... این راه‌حل‌ها، راه‌حل‌های فردی هستند که بر افراد جامعه اعمال

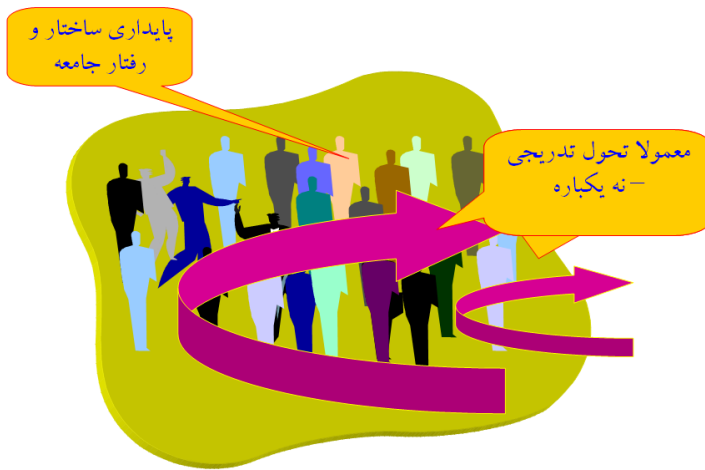


شکل ۲۹- تحول خودسازمانده جامعه

می‌شوند و در واقع در آنها برخورد اجتماعی صورت نمی‌گیرد. مشکل اصلی آن است که جامعه بستن کمربند ایمنی را ادراک نکرده است و رفتار مناسبی را در مقابل این موضوع از خود نشان نمی‌دهد. بنابراین، دو راه حل ذکر شده، دردی را دوا نمی‌کنند. زمانی می‌توان موفق شد که اگر فردی به این قانون عمل نکرد، دیگران او را بی‌مبالا تصور کنند و به او طور دیگری نگاه کنند. لذا راه درست آن است که بتوان جامعه را به سمتی حرکت داد که بتواند به شکل یک هنجار، قانون کمربند ایمنی را درک کند و رفتار مناسبی را نسبت به این موضوع نشان دهد و در واقع، رفتار بامعنای یکپارچه‌ای در جامعه شکل گیرد. در این صورت، با رعایت نکردن یک فرد، جامعه و روح موجود در آن، این موضوع را درک می‌کند و رفتار متناسبی را در مقابل آن نشان می‌دهد.

۱۱-۴-۴- تحول خودسازمانده جامعه

بعد کلیدی دیگر برای درک پدیده جامعه، تحول خودسازمانده است. بدیهی است که جامعه از افرادی تشکیل می‌شود که این افراد هر کدام دارای روح و رفتار مشخصی هستند و بهمین صورت جامعه نیز دارای روح و رفتار مشخصی است. روح و رفتار تک‌تک افراد موجود در جامعه، قوه محرکه کافی به منظور ایجاد یک تحول خودسازمانده در رفتار و ساختار درونی دارد. بنابراین، در



شکل ۳۰- پایداری جامعه

رفتار کل جامعه و در ساختارهای درونی آن، با نوعی خودسازماندهی مواجه هستیم که روح افراد و روح جامعه، قوه محرکه کافی برای شکل‌گیری این خودسازماندهی را دارد. به عبارت ساده‌تر، جامعه در مواجهه با پدیده‌های جدید، ناخودآگاه، رفتارهای جدیدی از خود نشان می‌دهد؛ جامعه خودبخود شکل می‌گیرد، خودبخود تغییر می‌کند و خودبخود رفتارهای درونیش تغییر می‌کند. لذا، تمامی تحولات در جامعه، باید با همین خصوصیت از جامعه، یعنی خودسازماندهی انجام گیرند، و نه دستوری و اجباری. (شکل ۲۹)

تحول خودسازمانده، یا به شکل تکامل (پیدایش رفتار و ساختار کاملتر و جدیدتر) و یا به شکل افول (حذف یک رفتار و ساختار) می‌تواند بروز پیدا کند.

تحول خود سازمانده، تنها درون یک جامعه رخ نمی‌دهد، بلکه در رفتار بیرونی جامعه نیز شکل می‌گیرد و کل جامعه مانند یک سیستم، رفتار خارجی مشخصی را انجام می‌دهد و مورد تغییر واقع می‌شود، که این موضوع به اشکال گوناگونی مانند تطابق یا برخورد با محیط، اثرپذیری، اثرگذاری، و نظایر آن انجام می‌شود.

۱۲-۴-۴- پایداری جامعه

پایداری جامعه، آخرین بعد کلیدی است که برای درک پدیده جامعه آن را بررسی می‌کنیم. تحولی که در جامعه به شکل خودسازمانده رخ می‌دهد، یکباره صورت نمی‌گیرد، بلکه معمولا به

شکل تدریجی انجام می‌شود. حتی در انقلاب‌ها، این جامعه نیست که تحول انقلابی پیدا می‌کند، بلکه ساختارهای حکومتی یا بخشی از ساختارهای اجتماعی، مورد تغییر واقع می‌شوند. جامعه قبل از انقلاب و جامعه بعد از انقلاب، خصوصیات یکی و مشترکی را دارند. به عنوان مثال، رفتارها، خصوصیات و فرهنگ مردم کشور ما در قبل از انقلاب و پس از آن حفظ شده است و مورد انقلاب واقع نشده است. بدین منظور، ساختار و رفتار جامعه، پایدار تلقی می‌شود (شکل ۳۰)، و جامعه‌ای که از هم پاشد و محو شود، از این دید، جامعه نخواهد بود. جامعه، بایستی باثبات و پایدار باشد و حتی با انقلاب نتوان آن را تغییر داد.

۵-۴- تعریف جامعه (مبسوط)

مبتنی بر ابعاد ۱۲ گانه‌ای که ذکر شد، تعریف مبسوطی از جامعه ارائه می‌دهیم. یک جامعه:

- مجموعه‌ای از انسان‌ها، و نیز افزارها، موجودات زنده و منابع تحت انقیاد آنها
 - در یک نظام مشخص پایدار (و نه لزوماً مدون)
 - سازماندهی شده در سازمانهای رسمی و غیر رسمی
 - در محدوده جغرافیائی و محیط مشخص
 - در رابطه و تعامل با یکدیگر و محیط
 - که دارای فرهنگ مشخص شکل یافته طبق مجموعه‌ای از فرارفتارها
 - و نیز گستره‌ای از برخی از وجوه مشترک
 - که افراد در آن، با درک وجود و رفتار خود و دیگران و محیط،
 - رفتار بامعنائی را تنظیم، شکل داده و بروز می‌دهند،
 - و کل آن جامعه نیز به مثابه یک موجود و پدیده زنده و دارای روح واحد،
 - رفتار یکپارچه با معنائی را به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، از خود بروز می‌دهد،
 - و روح و رفتارهای افراد و جامعه، قوه محرکه کافی را برای
 - تحول درونی و خود سازمانده ساختار و رفتار درونی و رفتار بیرونی، ایجاد می‌کند.
- در این تعریف، مولفه‌ها و ابعاد اساسی جامعه ذکر شده‌اند. اگر هر کدام از مولفه‌ها، بدون آنکه در مولفه دیگری گنجانده شود، حذف گردد، تعریف و مفهوم جامعه ناقص خواهد شد.



شکل ۳۱-الف- موتور اصلی جامعه در تصمیم گیری‌ها و رفتارهای کل جامعه

۴-۶- تعریف جامعه (چکیده)

در فصل قبل، تعریف مفصلی از جامعه ارائه شد. ولیکن این تعریف با وسعت زیاد آن، کار ارجاع و نقل قول را دشوار می‌کند و لازم است تا تعریف کوتاه‌تری نیز از جامعه داشته باشیم تا به عنوان چکیده آن تعریف محسوب شود. ولیکن، تعریف چکیده باید بگونه‌ای باشد که تمام مولفه‌های موجود در تعریف مبسوط را به گونه‌ای در خود جمع کند که هر یک از عناصر آن نماینده چند مولفه از تعریف مبسوط باشد.

جامعه، مجموعه‌ای از انسان‌ها در یک نظام مشخص پایدار، در رابطه و تعامل با معنا با یکدیگر و محیط است، که دارای فرهنگ مشخص و گستره‌ای از وجوه مشترک، روح واحد و خودسازمانده است.

بسیاری از مولفه‌هایی که در تعریف مبسوط از جامعه ذکر شد، در بخش آخر این تعریف (دارای فرهنگ ...) گنجانده شده است.

۴-۷- موتور اصلی جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای کل جامعه

همان‌طور که اشاره شد، کل جامعه مانند یک موجود زنده دارای روح است، از این رو، رفتار یکپارچه و بامعنائی را از خود نشان می‌دهد. همچنین، یک بستره و فضای تصمیم‌گیری مشخصی در



شکل ۳۱-ب- موتور اصلی جامعه در تصمیم گیری‌ها و رفتارهای کل جامعه

جامعه وجود دارد که تصمیم‌گیری کل جامعه در آن نقش دارد. در این بستر و فضا، همه افراد موجود در جامعه، به شیوه‌های مختلفی در آن دخالت دارند. هر شخصی با ایفای نقش خود در جامعه، می‌تواند منجر به اتخاذ یک تصمیم عمومی در جامعه شود. (شکل ۳۱-الف)

این بستره و فضای تصمیم‌گیری، لزوماً مشابه با بستره و فضای تصمیم‌گیری که در علوم مدیریت، سیاست و مهندسی تصمیم وجود دارد، انتخاب خودآگاه و مبتنی بر اعلام افراد نیست. چنین نیست که برای گرفتن یک تصمیم، همه افراد جامعه کنار هم جمع آیند و تصمیمی اتخاذ کنند و به عنوان مثال شخصی را برای انجام کاری انتخاب کنند. در بیشتر تصمیم‌گیری‌هایی که در بطن جامعه اتفاق می‌افتد، اعلام تصمیم وجود ندارد و تنها رفتار، بیانگر آن تصمیم‌گیری است. جامعه تصمیم می‌گیرد که در آن شرایط چه رفتاری را داشته باشد. بنابراین، تصمیماتی که جامعه می‌گیرد، به شکل اعمال هنجارها و شکل‌گیری فرارفتارها بروز می‌کند. از این رو، نوع تصمیم‌گیری جامعه، نوع سازماندهی آن، و مراحل آن که برای اتخاذ آن در جامعه انجام می‌شود و خروجی آن، متفاوت با باورهای رایجی است که در مورد مساله تصمیم‌گیری وجود دارد.

مبتنی بر تصمیم‌گیری جامعه، رفتاری ناشی از آن در جامعه شکل می‌گیرد. اما این سوال پیش می‌آید که چگونه یک رفتار یکپارچه و یک روح واحد در جامعه شکل پیدا کند؛ جامعه‌ای که طبق خصوصیات آن، از افراد مختلف، مستقل و منفک از هم تشکیل شده است و هر کدام دارای

خصوصیات و رفتارهای خاص خود هستند. پاسخ این سوال را باید در خصوصیات فردی انسان جستجو کرد. هر فرد برای خود روحی جداگانه دارد، بستره و فضای تصمیم‌گیری خاص خود را دارد که تنها خودش در این بستره و فضا قرار دارد و همچنین رفتار مشخص و خاصی از او سر می‌زند. برای روش‌تر شدن این موضوع که هر فرد برای خود بستره و فضای تصمیم‌گیری خاصی دارد که با بستره و فضای تصمیم‌گیری جامعه در ارتباط است، مثالی ذکر می‌کنیم. بستره و فضای تصمیم‌گیری هر فرد، مجموعه‌ای از باورها و عقاید او، فرارفتارهایش، و محیطی که او در آن واقع شده است، می‌باشد، که در این صورت، موجب می‌شود در شرایطی خاص، جریان تصمیم‌گیری به گونه‌ای هدایت شود که او یک تصمیم مشخصی را اتخاذ نماید. افراد مختلف، دارای فضاهای تصمیم‌گیری متفاوت و مخصوص به خود هستند و باورها و اعتقادات، فرارفتارها، و مسائل محیطی خاص آنها سبب می‌شود که اگر دو نفر در شرایط مشابهی قرار گیرند، تصمیمات مختلفی را اتخاذ نمایند.

بستره و فضای تصمیم‌گیری شخص، با بستره و فضای تصمیم‌گیری کل جامعه، دارای ارتباط تنگاتنگی است. بستره و فضای تصمیم‌گیری هر شخص، در درون بستره و فضای تصمیم‌گیری جامعه قرار دارد و تصمیماتی که شخص می‌گیرد، در بستره و فضای تصمیم‌گیری جامعه اثر می‌گذارد و برعکس. از این رو، اثرگذاری متقابلی در این میان وجود دارد.

ارتباطی که بستره و فضای تصمیم‌گیری هر فرد با بستره و فضای تصمیم‌گیری جامعه دارد، در پدیده‌ای با نام **موتور اصلی جامعه** قرار دارد. موتور اصلی جامعه، قوه محرکه‌ای برای جامعه محسوب می‌شود و یکپارچگی جامعه را تضمین می‌نماید. به عبارت دیگر، موتور اصلی جامعه، درونی‌شدن تصمیم‌گیری در وجود عموم افراد جامعه و کل جامعه است. رفتارهایی که جامعه از خود نشان می‌دهد، در درون تک‌تک افراد جامعه (و یا عموم افراد) درونی می‌شود و تصمیماتی که در جامعه اتخاذ می‌شود، در بستره و فضای تصمیم‌گیری تک‌تک افراد (و یا عموم افراد) شکل می‌گیرد. بنابراین، فضای تصمیم‌گیری جامعه، به فضاهای تصمیم‌گیری افراد جامعه تقسیم می‌شود که موتور اصلی جامعه، ارتباط و تناظر آنها را با یکدیگر برقرار می‌کند و موجب ایجاد تصمیمات یکپارچه‌ای در جامعه می‌شود.

در نتیجه، یک تصمیم جامعه که منجر به یک رفتار مشخص در کل جامعه می‌شود، توسط **آحاد جامعه** و در تصمیم‌گیری و رفتار تک‌تک (نه همه) آنها شکل می‌گیرد. لزومی ندارد همه افراد

جامعه تصمیمی را اتخاذ کنند، بلکه تعدادی از آنها، گاه حداکثر و گاه تعداد کمی، می‌توانند منجر به بروز رفتاری در کل جامعه شوند و در همه افراد اثر نمایند. موتور اصلی جامعه، موجب انتشار تصمیم‌گیری‌های افراد و رفتار آنها در تصمیم‌گیری و رفتار یکپارچه می‌شود. رفتارهای جامعه می‌تواند به شکل خودآگاه و یا ناخودآگاه صورت گیرد. به عبارت دیگر، افراد جامعه می‌توانند به شکل خودآگاه و یا ناخودآگاه رفتاری را از خود بروز دهند. در نتیجه، نهادینه‌شدن تصمیم‌گیری جامعه در درون وجود افراد صورت می‌گیرد.

این نکته قابل توجه است که پدیده موتور اصلی جامعه، محور و هسته اساسی شکل‌گیری جامعه یکپارچه و پدیده‌هائی است که در نظریه دولت الکترونیک به آنها می‌پردازیم. البته، شکافتن و بررسی عمیق‌تر این پدیده، کار وسیعی را می‌طلبد و شاید بطور دقیق نتوان این کار را انجام داد و در واقع تا حدودی مشابه با اصطلاح دست نامرئی آدام اسمیت است که به اعتقاد او این دست نامرئی رفتارهای اقتصاد و بازار را سامان می‌دهد. موتور اصلی جامعه نیز یک موجودیت نامرئی است که البته نامرئی بودن آن به معنای غیرقابل مشاهده‌نبودن نیست، بلکه بدان معنی است که نمی‌توان براحتی و بطور شفاف آن را تبیین کرد.



شکل ۳۲- جامعه مدنی

۸-۴- جامعه مدنی

جامعه مدنی، جامعه‌ای است که همانند تمامی جوامع، روح و فضای تصمیم‌گیری و نیز رفتار یکپارچه‌ای دارد، اما این نوع جامعه، رفتار یک جامعه متمدن را از خود بروز می‌دهد. لزوماً هر جامعه‌ای رفتار متمدنانه‌ای ندارد، و جوامع ابتدائی و جوامع وحشی جزء جامعه متمدن محسوب نمی‌شوند، هر چند که در آنها نیز قوانین و مقرراتی حاکم است.

یک جامعه متمدن، دارای خصوصیتی است که عبارتند از (شکل ۳۲):

- وجود، شناسایی و رعایت نسبی حریم‌ها؛ در یک جامعه متمدن، حریم‌های خاصی تعیین می‌شوند و این حریم‌ها توسط افراد جامعه رعایت می‌شوند.
- ادراک ابعاد مسائل اجتماعی مبتلا به توسط جامعه؛ سطحی از عقلانیت در یک جامعه متمدن شکل می‌گیرد که رفتارهای اجتماعی و فضاهای تصمیم‌گیری اجتماعی، مبتنی بر این عقلانیت بنا می‌شود.
- ایجاد شکل خاصی از نظم در تعاملات اجتماعی (نظم تمدنی)؛ قوانین و مقررات در یک جامعه متمدن به وضوح احساس می‌شود و افراد در شرایط مشخص، رفتار کاملاً

مشخصی را از خود بروز می‌دهند. در این جامعه، از افزارهای خاصی برای بکارگیری نظم استفاده می‌شود.

خصوصیات دیگری نیز وجود دارد که در این بحث، لزومی به شمردن دقیق رفتارهای جامعه متمدن و جامعه مدنی نیست و کمکی به بحث ما نمی‌کند. البته، خصوصیات یک جامعه مدنی، نسبی است. ممکن است جامعه‌ای از جامعه دیگر متمدن‌تر باشد و یا اینکه جوامع متمدن مختلف در یک حوزه مشخص مانند ارائه خدمات و رفاه، رفتارهای متفاوتی داشته باشند.

نکته مهم آن است که در یک جامعه مدنی، قواعد و مقررات و نیز فرهنگی وجود دارد که در جامعه نهادینه شده است و این موضوع با بکارگیری موتور اصلی جامعه، تحقق پیدا می‌کند.

جامعه اطلاعاتی

در فصل قبل، جامعه را مورد تعریف قرار دادیم و مشخصه‌ها و ابعاد اساسی آن را بررسی کردیم. ادعا نمودیم که اگر چنین کاری بخوبی انجام گیرد، می‌توان به سادگی جامعه اطلاعاتی را مورد تبیین قرار داد. در این فصل، با تکیه بر موضوعات مطرح شده در فصل جامعه، مفهوم، ماهیت و خصوصیات جامعه اطلاعاتی را بررسی می‌کنیم. قابل ذکر است که بحث جامعه اطلاعاتی در این فصل، به اجمال مطرح می‌شود تا بتوانیم بحث دولت الکترونیک را مبتنی بر آن بنا کنیم. بحث جامعه اطلاعاتی، نیاز به توصیف مفصل‌تری دارد که انشاءالله در فرصتی دیگر بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

جامعه اطلاعاتی، نوع خاصی از جامعه است که در آن سیستم‌های رایانه‌ای و فن‌آوری اطلاعات، بطور وسیع بکارگرفته شده است و اشکال خاصی از ابعاد کلیدی جامعه را تبیین می‌نماید (شکل ۳۳). جامعه، ابعاد و اشکال خاصی دارد و جامعه اطلاعاتی، همه این اشکال را دربر می‌گیرد، ولیکن برخی از آنها به شکل‌های مختلفی بروز می‌کنند و این اشکال، در جوامع محروم از این سیستم‌ها و فن‌آوری‌ها، متفاوت هستند.



شکل ۳۳- جامعه اطلاعاتی

۱-۵- ابعاد کلیدی برای درک پدیده جامعه اطلاعاتی

برای اینکه به تفاوت‌های میان جامعه و جامعه اطلاعاتی پی ببریم، به ابعاد دوازده گانه‌ای که در مورد پدیده جامعه مطرح شد، اتکا می‌کنیم و خصوصیات و چگونگی این ابعاد را در جامعه اطلاعاتی بررسی می‌نمائیم.

۱-۱-۵- جامعه اطلاعاتی در پهنه محیط و جغرافیا

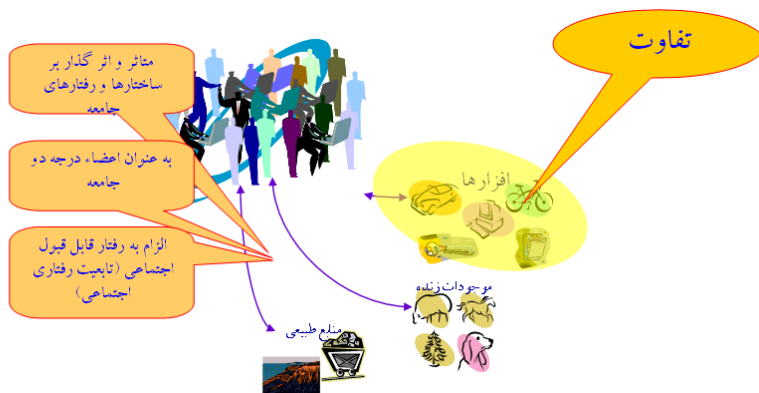
این بعد را در مورد جامعه بررسی کردیم، اما این بعد در جامعه اطلاعاتی چگونه است؟ مسلماً این بعد در جامعه اطلاعاتی به گونه دیگری است. جامعه اطلاعاتی، در پهنه جغرافیا، از مرزهای رسمی و حتی غیررسمی (مانند جامعه پزشکان) خارج می‌شود و توسعه پیدا می‌کند. مثلاً، جامعه پزشکان، دارای یک مرز غیررسمی است و در جامعه اطلاعاتی پزشکان، افراد بدون آنکه حتی پزشک باشند، می‌توانند در مسائل مربوط به این جامعه حضور پیدا کنند. دز مثالی دیگر، فردی که در شبکه سراسری اینترنت قرار می‌گیرد و عملی را انجام می‌دهد، عضوی از یک جامعه بدون مرز محسوب می‌شود که می‌تواند تعاملات گسترده‌ای را با سایر افراد و گروه‌های مختلف انجام دهد.



شکل ۳۴ - جامعه اطلاعاتی در پهنه محیط و جغرافیا

محیط نیز در جامعه اطلاعاتی، متفاوت با جامعه معمول است (شکل ۳۴). محیط‌های متفاوتی مانند محیط‌های مجازی، محیط‌های سیستم‌های رایانه‌ای و اینترنتی و نظایر آن، از جمله محیط‌هایی هستند که در جامعه اطلاعاتی وجود دارند و فعالیت‌های مربوط به این محیط‌ها مانند خرید و فروش، فعالیت‌های علمی، سیاسی، انتشار مستندات و مکتوبات و نظایر آن در این محیط‌ها به گونه دیگری انجام می‌شوند. حتی در محیط‌های اجتماعی که اکنون با آن مواجه هستیم، و نیز در تعاملات موجود در آنها هم تفاوت‌هایی صورت می‌گیرد. این موضوعات، به طور مفصل در کتب جامعه اطلاعاتی از آن بحث شده است و مثال‌های متعددی وجود دارد که در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲-۱-۵- انقیاد افزارها، موجودات و منابع



شکل ۳۵ - انقیاد افزارها، موجودات و منابع

افزارهای متفاوتی در جامعه اطلاعاتی وجود دارند که نقش کلیدی تری را در آن ایفا می کنند. همان طور که به مثال اتومبیل در فصل جامعه اشاره شد، هنگامی که این وسیله نقلیه به شکل وسیع در جامعه بکار گرفته شد، نحوه تعاملات اجتماعی و بسیاری از موارد دیگر را دچار تغییر نمود، بهمین ترتیب، سیستم های رایانه ای و سیستم های متأثر از آنها و کاربردهایشان، جامعه را دچار تغییر و تحولاتی نمودند (شکل ۳۵). این کاربردها عبارتند از بکارگیری رایانه ها در ادارات، منازل، و همچنین سیستم های کوچک رایانه ای مانند موبایل و نظایر آنها، که نوع تعاملات و مسائل جدیدی را در جامعه ایجاد می کنند.



شکل ۳۶ - جامعه اطلاعاتی به مثابه یک نظام

به عنوان مثال، هر چند ابزاری مانند موبایل، وجه بسیار کوچکی از پدیده به کارگیری سیستم‌های رایانه‌ای است، ولیکن می‌تواند مسائل جدیدی را در جامعه ایجاد کند، کما اینکه چنین چیزی نیز رخ داده است و مثلاً عکس‌برداری با این وسیله مشکلاتی اجتماعی را در برخی جوامع ایجاد کرده و منجر به بروز مسائلی شده است. این موارد نشان می‌دهند که جامعه جدید، با مسائل و موضوعاتی مواجه است که جامعه قبلی دچار چنین وضعیتی نبود.

۳-۱-۵- جامعه اطلاعاتی به مثابه یک نظام

جامعه اطلاعاتی، به مثابه یک نظام عمل می‌کند، اما در این زمینه تفاوت‌هایی با جامعه دارد (شکل ۳۶) و این تفاوت‌ها در نهادها، ساختارها و سازمان‌های غیررسمی و رسمی، قواها، قواعد، قوانین و مقررات غیررسمی و رسمی، اطلاعات و اسناد مکتوب و غیرمکتوب، رویه‌ها و مکانیزم‌های غیررسمی و رسمی، و سیستم‌های مکانیزه وجود دارند.



شکل ۳۷- تعاملات

۴-۱-۵- تعاملات

در یک جامعه اطلاعاتی، نوع خاصی از تعاملات و شیوه‌های آن وجود دارد که این تعاملات، با تعاملات موجود در یک جامعه غیر اطلاعاتی متفاوت است (شکل ۳۷). به عنوان مثال، ساده‌ترین نوع این تعاملات را می‌توان در استفاده افراد از پست الکترونیک مشاهده کرد. تعاملات با محیط و تعاملات بین انسان‌ها به اشکال متفاوتی که در بحث تعاملات در جامعه ذکر شد، مانند همکاری، ارائه خدمات، رابط صرف، تنازع، رقابت، برخورد و نظایر آن، نوع متفاوتی را در جامعه اطلاعاتی به خود می‌گیرد.

۵-۱-۵- جامعه اطلاعاتی در پهنه زمان



شکل ۳۸- جامعه اطلاعاتی در پهنه زمان

جامعه اطلاعاتی، در پهنه زمان معنا پیدا می کند (شکل ۳۸) و این موضوع از دو وجه قابل توجه است. اولین وجه، خود زمان است. همان طور که قبلاً ذکر شد، یک جامعه در زمان‌های متفاوت، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد و به عبارت دیگر، یک جامعه در یک زمان مشخص، متفاوت با همان جامعه در یک زمان دیگر است. جامعه‌ای که در محیط و زمان مشخصی قرار دارد، با یک جامعه دیگر که در محیط و زمان دیگری قرار دارد، متفاوت است. این موضوع، ساده‌ترین استدلال است برای آنکه بگوئیم پدیده جامعه اطلاعاتی وجود خارجی دارد. از این رو، می‌توان یک جامعه را با بررسی خصوصیات و ویژگی‌های آن، جامعه اطلاعاتی توصیف کرد.

این موضوع که یک جامعه در پهنه زمان معنا پیدا می‌کند، بیانگر آن است که در اثر تغییرات زمان، محیط و شرایط محیطی، نوع جدیدی از جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین، نمی‌توان گفت که در مواجهه با جامعه اطلاعاتی، جامعه جدیدی شکل نگرفته است و ما با همان جامعه قبلی روبرو هستیم. حتی اگر فن‌آوری اطلاعات نیز در جامعه بکار گرفته نشود، طبق خصوصیات گفته شده، جامعه دچار تغییرات می‌شود و ما دیگر با جامعه قبلی مواجه نیستیم.



شکل ۳۹- فرهنگ جامعه اطلاعاتی و فرهنگ افراد

اما میزان تفاوت در تغییرات و تحولاتی که در جامعه رخ می‌دهد، مابین جامعه و جامعه اطلاعاتی به چه اندازه است؟ این تفاوت، در جامعه اطلاعاتی بسیار سریع‌تر صورت می‌گیرد و نمی‌توان جامعه‌ای را با این معیار، با جامعه اطلاعاتی مقایسه کرد (بجز تمدن افسانه‌ای آتلانتیس!).

۶-۱-۵- فرهنگ جامعه اطلاعاتی و فرهنگ افراد

بعد کلیدی دیگری که برای پدیده جامعه مطرح شد، فرهنگ جامعه و فرهنگ افراد بود. در پدیده جامعه اطلاعاتی، قدرت ادراک، شناخت، و طبقه‌بندی افراد و جامعه، در طیف خاصی از پدیده‌ها افزایش شدیدی پیدا می‌کند و البته شاید در طیف‌های دیگر کاهش پیدا کند (شکل ۳۹). حتی در مواردی مانند درک از طبیعت و محیط اطراف خود نیز، افراد درک بهتری نسبت به گذشته پیدا می‌کنند و ابزارهای سیستم‌های رایانه‌ای، منجر به تغییرات و تحولات، و در نتیجه پدید آمدن قدرت درک و شناخت برای قشرهای مختلف افراد جامعه می‌شود. قدرت درک افراد در جامعه اطلاعاتی، بسیار متفاوت از جوامع دیگر دیده می‌شود و پدیده فرهنگ و رفتارهای بامعنائی که بر اثر این طبقه‌بندی و افزایش قدرت شناخت و درک صورت می‌گیرد، بسیار متفاوت است.



شکل ۴۰- فرارفتارها: عوامل شکل دهنده رفتارها در پهنه فرهنگ

ما در جامعه اطلاعاتی، با فرهنگ متفاوتی مواجه هستیم و از این رو، فرهنگ جامعه‌ای که از فن‌آوری اطلاعات به شکل وسیع استفاده می‌کند، بسیار متفاوت با فرهنگ جامعه عادی است و از این رو، مسائل و پدیده‌های متفاوت فرهنگی در پهنه محیط و فرهنگ شکل می‌گیرد که پیش از این معنائی نداشته است.

۷-۱-۵- فرارفتارها: عوامل شکل دهنده رفتارها در پهنه فرهنگ

در پهنه فرهنگ یک جامعه اطلاعاتی، فرارفتارهای جدیدی اعم از قرارها و مقررات، هنجارها، عاداتها، مهارتها، باورها، ایدئولوژی و سایر موارد شکل می‌گیرد (شکل ۴۰)، مثلاً، باور بسیاری از مسائل در جامعه گذشته وجود نداشته است. قاعدتاً جامعه‌ای که فرارفتارهای متفاوت و در نتیجه فرهنگ متفاوتی در آن شکل گرفته است، با جوامع دیگر متفاوت خواهد بود. نمونه‌های زیادی در این ارتباط وجود دارد که می‌توان آنها را در مستندات موجود یافت، ولیکن بدلیل نبود فرصت کافی در این بحث، از ذکر آنها اجتناب می‌کنیم.



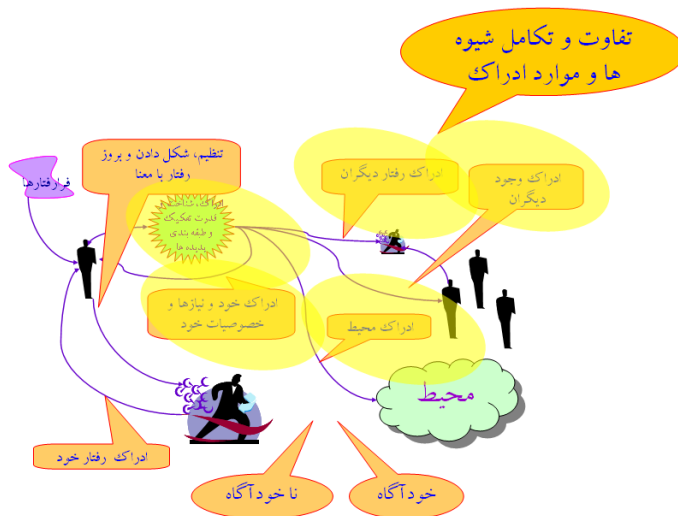
شکل ۴۱- گستره ای از وجوه مشترک

۸-۱-۵- گستره ای از وجوه مشترک

وجوه مشترکی که در جامعه اطلاعاتی وجود دارد، متفاوت با جوامع قبلی است (شکل ۴۱). ویژگی‌های جدیدی در جامعه اطلاعاتی مابین افراد مطرح می‌شود و آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این ویژگی‌ها، با ویژگی‌های جامعه قبلی بسیار متفاوت است. انگیزه‌های جدیدی افراد را به کار و فعالیت وادار می‌کند. اهداف متنوع‌تری نیز در جامعه اطلاعاتی برای افراد بوجود می‌آید. همچنین، با طیف علائق متفاوت و وسیع‌تری در جامعه اطلاعاتی مواجه هستیم و امکان جمع‌شدن علائق متفاوت در یک جامعه اطلاعاتی وجود دارد. در حالی که، در جوامع قبلی، امکان تنوع در علائق و پاسخگویی به همه آنها وجود نداشت. تعامل زبانی وسیع‌تری در جامعه اطلاعاتی می‌تواند وجود داشته باشد که این تنوع در هیچیک از جوامع قبلی وجود نداشت.

۹-۱-۵- رفتار با معنای افراد در جامعه اطلاعاتی

در جامعه اطلاعاتی، شیوه‌ها و موارد ادراک افراد دچار تفاوت و تکامل می‌شود و در ادراک وجود دیگران و شیوه‌های ادراک رفتار آنها، تغییراتی بوجود می‌آید. (شکل ۴۲) امروزه، انسان‌ها در

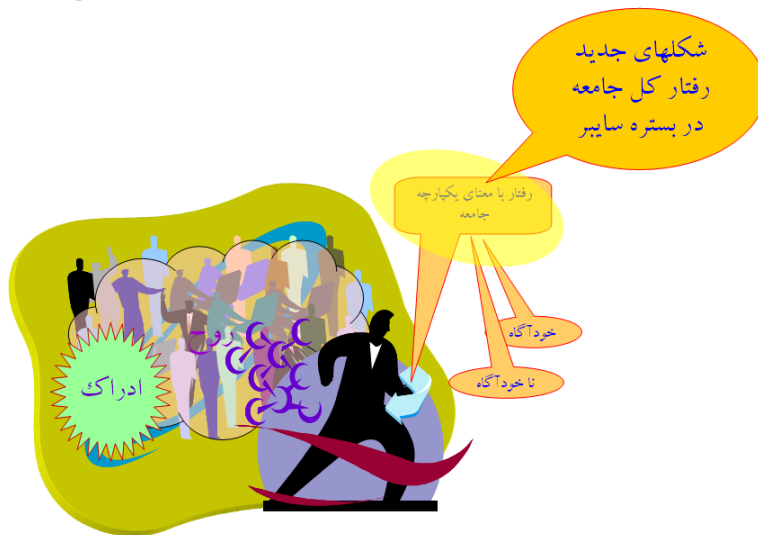


شکل ۴۲- رفتار با معنای افراد در جامعه اطلاعاتی

پهنه ارتباطات الکترونیکی، وجود دیگران و رفتار آنها را به نحو ملموس تر و وسیع تری درک می کنند. چراکه بدلیل آسانی در شیوه های تعامل با دیگران، می توان با انسان های دوردست و خارج از کشور براحتی ارتباط برقرار کرد.

محیط و ادراکی که از محیط در جامعه اطلاعاتی می شود، متفاوت با جامعه قبلی است. حتی شناخت خود نیز به شکل وسیع تر و عمیق تری در جامعه اطلاعاتی صورت می گیرد. افراد، نسبت به جوامع پیشین، بدلیل تکامل در مسائل روان شناسی و رفتاری و تربیتی و همچنین نوع اثرات رسانه ها در شناخت خود و نظائر آن، دارای شناخت بیشتر و ادراک دقیق تری از خود و نیازها و خصوصیات خود هستند. مثلاً، ادراکی که امروزه جوان ها از خود و نیازها و رفتارهای خود دارند، در بین جوان ها در جوامع گذشته وجود نداشته است. پدیده اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، و وسعت میدان اطلاعات به واسطه فن آوری اطلاعات، در این زمینه نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است.

۱۰-۱-۵- جامعه به مثابه یک موجود و پدیده زنده



شکل ۴۳- جامعه به مثابه یک موجود و پدیده زنده

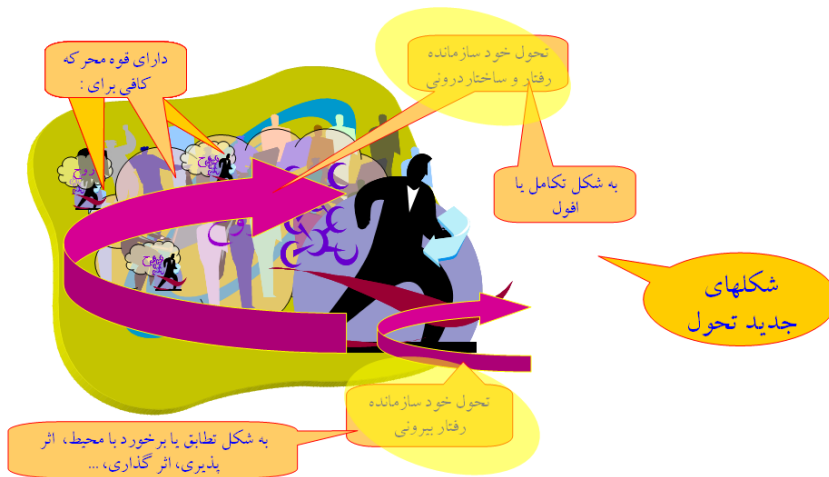
ما به جامعه، به مثابه یک موجود و پدیده زنده نگاه می‌کنیم. در جامعه اطلاعاتی، شکل‌های جدیدی از رفتار کل جامعه در بستره سایر مطرح می‌شود (شکل ۴۳). در فضای سایر، رفتارها و واکنش‌هایی (مثلا در مورد بازی‌های رایانه‌ای) از جامعه سر می‌زند که قبلا برای ما قابل تصور نبود.

۱۱-۱-۵- تحول خودسازمانده جامعه اطلاعاتی

شکل‌های جدیدی از خودسازماندهی و شکل‌های جدیدی از تحول، در جامعه اطلاعاتی بوجود می‌آید، چه تحول رفتار درونی و تکامل و افول رفتارهای درونی یک جامعه، و چه تحول رفتار بیرونی و تطابق یا برخورد با محیط، اثر پذیری، و اثرگذاری آن. (شکل ۴۴)

۱۲-۱-۵- پایداری جامعه اطلاعاتی

در بحث مربوط به پایداری جامعه، به این موضوع اشاره شد که یک جامعه، معمولا تحول تدریجی دارد نه یکباره، و پایدار است. نوع، زمان، محدوده و مدت این پایداری، در جامعه اطلاعاتی تغییر می‌کند و شاید کوتاه‌تر شود، و در واقع، با نوعی پایداری جدید در جامعه اطلاعاتی مواجه هستیم (شکل ۴۵).



شکل ۴۴- تحول خودسازمانده جامعه اطلاعاتی

نوع پایداری جامعه اطلاعاتی، پایداری در تغییرات است. بدین معنی که قبلاً، منظور از پایداری، عدم تغییرات و ثبات در مقابل تغییرات بود، ولیکن اکنون، منظور از پایداری، پایداری در تغییرات قلمداد می‌شود. یعنی اینکه، یک جامعه در تغییرات و تکاملات خود، به پایداری می‌رسد، لذا همیشه در حال تغییر و تکامل است و تکامل را به عنوان یک وجه نهادینه‌شده در خود می‌پذیرد.

برای روشن‌تر شدن این موضوع، مثالی ذکر می‌کنیم. خرید سیستم‌ها و تجهیزات رایانه‌ای و بروز کردن آنها در جامعه، به سطحی از پایداری می‌رسد. یعنی اینکه، افراد جامعه (درست یا نادرست) این موضوع را می‌پذیرند که این سیستم‌ها، برای مدت محدودی بکارشان می‌آیند، و می‌دانند که در آینده نزدیک، سیستم‌های پیشرفته‌تری جای این سیستم‌ها را خواهند گرفت. به عبارت دیگر، با علم بر این موضوع، در میزان هزینه کردن و انتخاب سیستم‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند. اگر سیستم بسیاری گران‌قیمت و پیشرفته‌ای را انتخاب کنند، پیشرفتگی زودگذر آن در مقابل هزینه‌اش ارزش درستی ندارد، و اگر سیستم خیلی عقب‌مانده‌ای را انتخاب کنند، به سرعت از میان می‌رود. در هر صورت، شخص با توجه به تغییر، تصمیم‌گیری می‌کند. ولی در گذشته چنین نبوده است. افراد چیزی را انتخاب می‌کردند که مدت بیشتری دوام داشته باشد و چندان به فکر تغییرات و تحولات نبودند.



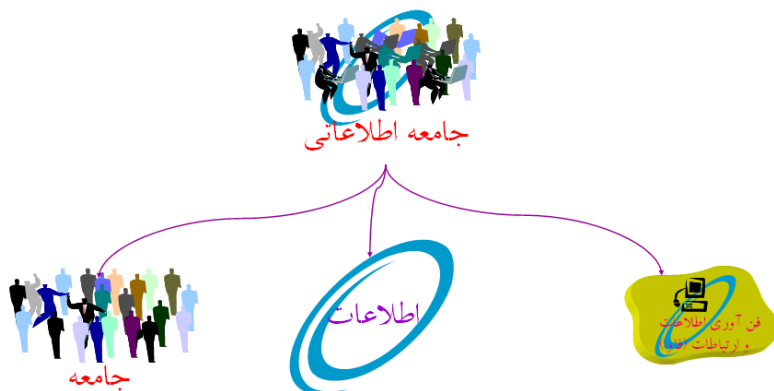
شکل ۴۵- پایداری جامعه اطلاعاتی

این موضوع، بدان معنی است که تغییرات در معادلات و انتخاب‌های افراد تاثیر گذاشته و در آن نهادینه گشته است و جامعه به یک نوع جدیدی از پایداری رسیده است که تغییرات در بطن این پایداری قرار گرفته و هضم شده است.

۲-۵- تعریف جامعه اطلاعاتی

مبتنی بر ابعادی که از جامعه اطلاعاتی در فصل‌های قبلی تبیین شد، جامعه اطلاعاتی را چنین تعریف می‌کنیم:

جامعه اطلاعاتی، گونه خاصی از جامعه است (یعنی دربردارنده تمامی ابعاد ۱۲گانه جامعه است) که سیستم‌های رایانه‌ای و فن‌آوری اطلاعات را بطور وسیعی بکار گرفته، و ابزارها، نظام‌های اجتماعی، فرهنگ، وجوه مشترک و نظائر آن را در طیف خاصی بنا کرده، که این طیف، نسبت به انواع جامعه غیر بهره‌مند از این سیستم‌ها و فن‌آوری، متفاوت است.



شکل ۴۶- ارکان جامعه اطلاعاتی

۳-۵- ارکان جامعه اطلاعاتی

یک جامعه اطلاعاتی، دارای سه رکن مهم و اساسی است (شکل ۴۶). یک جامعه اطلاعاتی، از یک سو جامعه است، یعنی نمی توان جامعه اطلاعاتی را بدون در نظر گرفتن جامعه و ابعاد ۱۲ گانه آن تصور کرد، از سوی دیگر مبتنی بر اطلاعات بنا می شود، و از سوی دیگر نیز مبتنی بر فن آوری اطلاعات، که اطلاعات را به جریان می اندازد و سازمان می دهد و عملیاتی را مبتنی بر آن انجام می دهد، بنا می شود.

اگر هر یک از این ارکان فوق، از یک جامعه اطلاعاتی حذف شوند، دیگر آن جامعه، جامعه اطلاعاتی نخواهد بود.

۴-۵- محیط جامعه اطلاعاتی

جامعه اطلاعاتی، در محیطی قرار گرفته است که تحولات سریع تری در آن اتفاق می افتد، تنوع بیشتری در آن رخ می دهد، و با پیچیدگی بسیار بیشتری در این محیط مواجه هستیم. این سه مورد، وجه تمایز محیط جامعه اطلاعاتی، با دیگر جوامع محسوب می شوند. (شکل ۴۷)

۵-۵- برخی از خصوصیات جامعه اطلاعاتی

برخی از خصوصیات کلیدی جامعه اطلاعاتی که به روشنی نشان می دهند که ما با جامعه ای متفاوت و پدیده های جدیدی در آن مواجه هستیم، عبارتند از (شکل ۴۸):



شکل ۴۷- محیط جامعه اطلاعاتی

- مشارکت اقشار مختلف در فعالیت‌های جامعه - در جوامع قبلی، مردم چندان در ساختارهای رسمی حکومتی نمی‌توانستند دخالت کنند، اما در جامعه اطلاعاتی، ابزارها و شرایطی فراهم است تا افراد بتوانند در امور رسمی جامعه، خصوصاً حکومت، مشارکت کنند. در یک جامعه اطلاعاتی مطلوب، قشرهای مختلف مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مختلف حکومت و ساختارهای رسمی مشارکت می‌کنند.
- تعاملی بودن بیشتر - در یک جامعه اطلاعاتی، تعامل بیشتر قشرهای مختلف مردم با یکدیگر فراهم می‌شود. در جوامع قبلی، افراد تنها با خویشاوندان و همسایگان و افراد نزدیک خود ارتباط و تعامل داشتند، اما این تعامل در جامعه اطلاعاتی، وسعت بیشتری پیدا می‌کند. مردم می‌توانند با افراد متعددی تعامل برقرار کنند. البته می‌توان گفت که تعاملات خانوادگی نسبت به جامعه قبلی کمتر شده است، ولی تعاملات کاری افزایش پیدا می‌کند. در جامعه اطلاعاتی، تعاملات فکری نیز افزایش پیدا می‌کند، هر چند اگر ارتباط کاری وجود نداشته باشد. افرادی که با یکدیگر علائق و دیدگاه‌های مشترکی دارند، می‌توانند آسان‌تر ارتباط برقرار کنند. در صورتی که در جوامع قبلی افرادی که علائق و وجوه مشترک و یکسانی داشتند، می‌بایست در باشگاه یا انجمنی در کنار



شکل ۴۸- برخی از خصوصیات جامعه اطلاعاتی

یکدیگر قرار می گرفتند، از این رو، همه افراد نمی توانستند در این باشگاه شرکت کنند و این امکان برای همگان فراهم نمی شد.

- **خارج بودن از محدوده مرزهای رسمی - جامعه اطلاعاتی،** از مرزهای رسمی خارج می شود و دیگر نمی توان مرز مشخصی برای آن در نظر گرفت و در واقع، جامعه اطلاعاتی می تواند فراتر از یک مرز شکل گیرد. به عنوان مثال، یک فرد ایرانی که در خارج از مرزهای کشورش بسر می برد، می تواند با مردم کشور خود تعامل برقرار کند و حتی می تواند در مسائل اجتماعی و حتی مسائل حکومتی کشور خود مشارکت نماید و یا حتی یک فرد غیر ایرانی نیز ممکن است تعاملات و مشارکت هائی را با مردم ایران برقرار نماید.

- **جهانی بودن - خارج بودن از مرزهای رسمی،** ما را به جهانی شدن و رفتارهای یکپارچه جهانی می رساند. فضاهای تصمیم گیری جوامع با هم متداخل می شود و اثرگذاری های متقابلی در این فضاهای تصمیم گیری ایجاد می شود و حرکت هائی به سمت فضای تصمیم گیری یکپارچه جهانی انجام می شود، چه به شکل رسمی تحت عنوان دهکده جهانی، و چه به شکل های غیررسمی.

- مردم محور - بدلیل تعاملی بودن جامعه اطلاعاتی و مشارک اقشار مختلف مردم در فعالیت های آن، خواه ناخواه جامعه به سمت مردم محوری حرکت می کند. در جامعه اطلاعاتی، قدرت تعامل سطوح مختلف مردم و فعالیت های آنان آنقدر افزایش پیدا می کند که رفته رفته منجر به محوری شدن مردم در فعالیت های حکومت و ساختارهای حکومتی می شود.
- توزیع شدگی - یک از خصوصیات اساسی جامعه اطلاعاتی، توزیع شدگی است. در جامعه اطلاعاتی، فعالیت ها، حوزه ها و عملیات، در بخش ها و بسترهای مختلف توزیع می شود. بدون آنکه ساختار متمرکزی وجود داشته باشد، هر فردی در جای خود، تصمیم گیری می کند و رفتاری را از خود نشان می دهد. تصمیمات و رفتارهای مردم، در بخش های مختلف به هم پیوند می خورند و یک تصمیم یکپارچه در بستره فن آوری اطلاعات ایجاد می شود و رفتار یکپارچه ای در این بستره بروز می کند.
- ویژه گرایی - در جامعه اطلاعاتی، امکان پاسخگویی به نیازهای متنوع افراد فراهم می شود و ویژه گرایی تحقق پیدا می کند. هر کس می تواند با توجه به خصوصیات فردی خود، به نیازهایش پاسخ دهد و به علائق و سلیقه هایش دست پیدا نماید.
- اشکال جدید - اشکال جدیدی از پدیده ها و مسائل اجتماعی در جامعه اطلاعاتی شکل می گیرند، مانند پدیده وبلاگ نویسی، که همه افراد می توانند به شکل یک خبرنگار غیررسمی در امور رسانه ای دخالت کنند و فعالیت های رسانه ای انجام دهند. این اشکال جدید می توانند در نظام ها و ساختارهای اجتماعی صورت گیرند. نظام ها و ساختارهایی در جامعه اطلاعاتی ایجاد می شوند که قبلا وجود نداشتند، مانند گروه های مجازی در اینترنت. مفهوم توسعه و پیشرفتگی و معیارهای آن، شکل های جدیدی به خود می گیرند. در جامعه قبلی، بحث توسعه تنها محدود به توسعه اقتصادی بود، در حالی که در جامعه اطلاعاتی، شکل های متفاوتی از توسعه و رفاه مطرح می شود. در جامعه اطلاعاتی، پیشرفتگی جامعه، نه تنها به فراهم آوردن وضعیت اقتصادی بهتر، بلکه به رشد عقلانیت، رشد مشارکت مردم و نظائر آنها مربوط می شود. جامعه ای پیشرفته محسوب می شود که بتواند دانش را به نحو مطلوب در جامعه به جریان بیاورد، مشارکت مردم را افزایش دهد و نظائر آنها.

- اشتراک وسیع و به جریان افتادن اطلاعات و دانش و تجربیات و علوم - در جامعه اطلاعاتی، اشتراک و به جریان افتادن اطلاعات و دانش و تجربیات و علوم، بسیار شدیدتر و وسیع تر از گذشته انجام می شود. دسترسی افراد به منابع و علم و دانش بسیار بیشتر می شود.
- تضادهای (پارادوکسها) نو - در جامعه اطلاعاتی، شاهد تضادها و پارادوکس های نو هستیم که وجوه آنها عبارتند از:
 - رشد قدرت شرکتهای کوچک و سیطره شرکتهای جهانی بسیار بزرگ - در پهنه این تضادها، شرکت های کوچک رشد پیدا می کنند و قدرتشان افزایش پیدا می کند، و در عین حال، شرکت های جهانی بسیار بزرگ چندملیتی نیز بر نقاط مختلف دنیا، سیطره پیدا می کنند. مثلا، یک شرکت کوچک با تعداد کمی افراد در آن که حتی ممکن است محل کار فیزیکی هم نداشته باشد، می تواند فعالیت بزرگی را انجام دهد و اثر بسیار بزرگی در جامعه بگذارد، و درآمد زیادی نیز کسب نماید.
 - بومی و محلی سازی در کنار جهانی سازی - موضوع بعدی آن است که در عین حالی که تمامی جوامع در حال پیوند با هم هستند و جامعه جهانی را شکل می دهند، بومی سازی نیز رخ می دهد. هر حوزه و بخشی (مانند یک شهرستان) می تواند برای خود خصوصیات و رفتارهای خاصی داشته باشد و قواعد و مقررات و یک ویژه گرائی خاصی برای خود داشته باشد. فن آوری اطلاعات این امکان را می دهد که هر محیط و هر محلی برای خود ویژه گرائی داشته باشد و مثلا آموزشی که به افراد در یک روستا داده می شود، با توجه به مسائل خاص آن روستا باشد، نه با توجه به دستورالعمل کلی کشوری.
 - توزیع شدگی در کنار تمرکز - در عین اینکه ساختارهای متمرکزی برای ایجاد انسجام و یکپارچگی در فعالیت ها وجود دارند، بسیاری از فعالیت ها نیز توزیع می شوند. این دو در کنار هم رشد پیدا می کنند، در برخی از حوزه ها، تمرکز بیشتری می توان دید و در برخی حوزه ها توزیع شدگی بیشتری.

- توسعه قواعد، مکانیزم‌ها و استانداردها - در جامعه اطلاعاتی، با توسعه قواعد، مکانیزم‌ها و استانداردهای جدیدی مواجه هستیم که در جامعه قبلی به این صورت نبودند.
- خودسازمانده و فعال در شکل‌گیری - در جامعه اطلاعاتی، با خودسازماندهی فعال در شکل‌گیری جامعه مواجه هستیم، و جامعه، به شکل بسیار قدرتمندتری نسبت به گذشته، در حال تغییر و سازماندهی مجدد و از درون است.
- ساختار فراکتالی - همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، در ساختارهای فراکتالی، نوع جدیدی از نظم (نه یک نظم کلیشه‌ای و سازماندهی شده مانند نظم کلاسیک) مشابه با نظمی که در طبیعت و موجودات زنده مطرح است، وجود دارد. با توجه به این موضوع، نوع جدیدی از نظم در ساختارهای اجتماعی و رسمی جامعه وجود دارد که در بحث ساختارهای فراکتالی به تبیین آن پرداخته‌ایم.

۶-۵- مسائل کلیدی جامعه اطلاعاتی

اما مسائل کلیدی یک جامعه اطلاعاتی چیست؟ در یک جامعه اطلاعاتی، مسائلی مطرح می‌شوند که عبارتند از (شکل ۴۹):

- **سواد اطلاعاتی** - در یک جامعه اطلاعاتی، افراد باید درک خاصی از پدیده اطلاعات، و دانش کافی برای دستیابی، به جریان‌انداختن و تولید آن داشته باشند. دانش و شیوه انجام این کار را سواد اطلاعاتی گوئیم. افراد باید دانش اولیه‌ای داشته باشند تا بتوانند در جامعه اطلاعاتی عملیات خود را در بستره اطلاعات و مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات انجام دهند.
- **منابع اطلاعاتی** - برای اینکه یک جامعه اطلاعاتی بتواند به حیات خود ادامه دهد و فعالیت‌های خود را انجام دهد، باید تعدادی منابع اطلاعاتی در اختیار داشته باشد، همان طوری که یک جامعه صنعتی برای حفظ حیات خود به مبنی مانند برق نیاز دارد. منابع اطلاعاتی، در حوزه‌های مختلف یک جامعه اطلاعاتی مطرح می‌شوند. به عنوان مثال، در حوزه دانش، منابع اطلاعاتی دانش باید وجود داشته باشد تا چرخه این حوزه به



شکل ۴۹- مسائل کلیدی جامعه اطلاعاتی

حرکت درآید و در حوزه اطلاعات کلیدی جامعه، منابع اطلاعاتی شناسنامه‌ای افراد باید وجود داشته باشد.

- **محتوی** - محتوی، از دیگر مسائل کلیدی در یک جامعه اطلاعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. تامین محتوی، تنها ایجاد بستره‌ای برای ارائه اطلاعات نیست، محتوای اطلاعات و موضوعاتی که در بستره اطلاعات تبیین می‌شود، مانند تولید محتوی، به عنوان یکی از مسائل کلیدی است.
- **اطلاع‌رسانی** - اطلاعاتی که در حوزه‌های مختلف به شکل محتوی و در منابع اطلاعاتی وجود دارند، باید به افراد مورد نظر ارائه شوند.
- **سیستم‌های اطلاعاتی** - سیستم‌هایی که در یک جامعه اطلاعاتی وجود دارند، باید عملیاتی که در این جامعه انجام می‌شوند را مورد سازماندهی قرار دهند، پردازش‌های لازم بر منابع اطلاعاتی را انجام دهند و همچنین عملیات اطلاع‌رسانی مورد نیاز را به انجام رسانند.
- **شبکه‌های اطلاعاتی** - شبکه‌های اطلاعاتی، امکان جریان اطلاعات را در بستره جامعه اطلاعاتی فراهم می‌کنند، منابع اطلاعات را در آن به جریان می‌اندازند و به افراد می‌رسانند. همچنین امکان فعالیت سیستم‌های اطلاعاتی را به شکل توزیع شده در جامعه اطلاعاتی فراهم می‌کنند تا محتویات، در جامعه مورد توزیع واقع شوند.

- **افزارهای اطلاعاتی** - افزارهای اطلاعاتی، امکان عملیات سیستم‌های اطلاعاتی را فراهم می‌کنند و یا اینکه مبتنی بر سیستم‌های اطلاعاتی و در بستره شبکه‌های اطلاعاتی، عملیات اطلاع‌رسانی یا دریافت و ارائه اطلاعات را انجام می‌دهند.
- **نیازمندی‌های اطلاعاتی** - این نیازمندی‌ها، در هر حوزه از جامعه اطلاعاتی وجود دارند و مشخص می‌کنند که چه اطلاعاتی باید تولید و ارائه شوند.
- **فرهنگ اطلاعاتی** - فرهنگ اطلاعاتی، تبیین می‌کند که جامعه مبتنی بر ادراکی که از اطلاعات و پدیده‌های مبتنی بر اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی دارد، چه رفتار بامعنائی را باید از خود نشان دهد.

موارد ذکرشده، مسائل کلیدی هستند که در جامعه اطلاعاتی وجود دارند و همگی درهم تنیده‌اند. مثلاً، سواد اطلاعاتی را نمی‌توان از سیستم‌های اطلاعات و شبکه‌های اطلاعاتی جدا دانست. سواد اطلاعاتی، دانش لازم برای آن است که سیستم‌های اطلاعاتی به خدمت گرفته شوند و فرد بتواند در بستره سیستم‌های اطلاعاتی فعالیت خود را انجام دهد، و سیستم‌های اطلاعاتی نیز خود در بستره شبکه‌های اطلاعاتی به جریان می‌افتند. همچنین، محتوی، در منابع اطلاعاتی قرار دارد و اطلاع‌رسانی، محتوی را ارائه می‌دهد.

۷-۵- توانمندی‌های جامعه اطلاعاتی (مزایا و اثرات مطلوب)

جامعه اطلاعاتی، می‌تواند و باید مزایا و اثرات مطلوبی داشته باشد تا بتوان آن را طلب نمود و به سوی آن گام برداشت. این مزایا عبارتند از:

- **بهبود کیفیت زندگی** - جامعه اطلاعاتی، باید منجر به بهبود کیفیت زندگی شود، که این امر، با فراهم آوردن بسترهای ذکرشده، می‌تواند صورت گیرد.
- **کاهش فقر**
- **توسعه** - همان طور که قبلاً ذکر شد، توسعه، در حوزه‌های مختلف می‌تواند انجام شود، چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه‌های دانش و افزارها و رفاه.
- **بکارگرفتن، به جریان‌انداختن و رشد دادن استعدادهای نهفته و خلاقیت**
- **توسعه دانائی محور** - توسعه یک جامعه در بستره جامعه اطلاعات، می‌تواند و باید مبتنی بر محوریت دانش باشد، و دانش، منبع اصلی توسعه و پیشرفت باشد. به عبارت

دیگر، جامعه اطلاعاتی می‌تواند بستره‌ای را فراهم کند که دانش منجر به توسعه در حوزه‌های مختلف شود.

- ارتقاء آموزش، دانش و مهارت - آموزش، دانش و مهارت در یک جامعه اطلاعاتی می‌تواند و باید ارتقا پیدا کند، و جامعه اطلاعاتی این خصوصیات را در بطن خود نهفته دارد.
- به جریان‌انداختن و اشتراک اطلاعات، دانش و تجربیات و علوم - دانش، تجربیات و علوم، در جامعه اطلاعاتی به جریان می‌افتد و با استفاده از بستره فن‌آوری اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی و سیستم‌های مبتنی بر اطلاعات، مابین افراد اشتراک پیدا می‌کند.
- تسهیل و ارتقاء تصمیم‌گیری و فرایند آن به شکل توزیع‌شده و مشارکتی - در یک جامعه اطلاعاتی، تصمیم‌گیری آسان‌تر می‌شود و ارتقا پیدا می‌کند، و نیز فرایند آن به شکل توزیع‌شده و مشارکتی انجام می‌شود. افراد و تمامی آحاد جامعه، می‌توانند در بستره جامعه اطلاعاتی و مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات، به مشارکت و تعامل بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها مبادرت کنند. این مشارکت و توزیع تصمیم‌گیری، در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی انجام می‌شود.

۸-۵- عوارض جامعه اطلاعاتی؛ مطلوب یا نامطلوب

در عین اینکه جامعه اطلاعاتی اثرات مطلوبی می‌تواند داشته باشد، عوارضی نیز دارد که باید مورد توجه قرار گیرند، و از این رو اقدامات و ملزوماتی باید مورد پیش‌بینی واقع شوند تا این عوارض کاهش پیدا کنند. این عوارض عبارتند از:

- شکاف دیجیتالی - این شکاف، هم در سطح بین جوامع، و هم در داخل یک جامعه می‌تواند ایجاد شود. جامعه‌ای که در بستره فن‌آوری اطلاعات پیشرفته است، در مقابل جامعه‌ای که از این لحاظ پیشرفته نیست، خصوصیات و ویژگی‌های متفاوتی پیدا می‌کند که منجر به پیدایش شکافی میانشان می‌شود. در داخل یک جامعه و در میان لایه‌های مختلف آن نیز این شکاف می‌تواند بوجود آید. لایه‌ها و سطوحی از جامعه که توانسته‌اند بیشتر از بستره فن‌آوری اطلاعات استفاده نمایند، پیشرفت بیشتری نسبت به

سطوحی که نمی‌توانند از این بستره استفاده کنند و یا امکان آن برایشان فراهم نشده است، پیدا می‌کنند.

- **تعامل بین‌المللی فرهنگ‌ها و زبان‌ها** - این عارضه، هر چند می‌تواند مطلوب و یا در برخی موارد ضروری باشد، ولیکن به عنوان یک عارضه در جامعه اطلاعاتی مطرح می‌شود. بین زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، تعاملی بوجود می‌آید که این تعامل قبلاً بدین شکل وجود نداشته است.
- **برداشته‌شدن مرزها** - برداشته‌شدن مرزها هم می‌تواند مطلوب، و یا نامطلوب باشد. منظور از مرزها، تنها مرزهای کشوری نیستند، بلکه بسیاری از اوقات حریم‌ها نیز برداشته می‌شوند.
- **تغییر وجوه حاکمیت و اقتدار سیاسی** - هنگامی که جامعه اطلاعاتی شکل می‌گیرد، نوع جدیدی از حاکمیت و اقتدار مطرح می‌شود و حاکمیتی که تنها در یک مرز مشخص و توسط یک حکومت مشخص اعمال می‌شود، شکل دیگری به خود می‌گیرد. قدرت دیگر بدین شکل نخواهد بود که بطور خاصی بر افراد در یک کشور حاکم شود تا آنها نتوانند از پهنه این قدرت خارج شوند. در صورتی که این شکل جدید از حاکمیت و اقتدار مورد شناخت قرار گیرد، می‌تواند مطلوب واقع شود.
- **بی‌هویتی فرهنگی از طریق سرایت و تهاجم بی‌ریشه فرهنگی** - فرهنگ کاذب - در پهنه فن‌آوری اطلاعات و شبکه‌های اطلاعاتی، افراد یک جامعه می‌توانند با فرهنگی که در جامعه دیگری وجود دارد، برخورد کنند و این موضوع ممکن است که باعث سرایت و انتقال فرهنگ آن جامعه به این افراد شود. اما مسئله مهم آن است که فرهنگ هر جامعه، به دلایل خاصی که در آن جامعه وجود داشته است، شکل گرفته است، مثلاً نوع لباس مردم یک منطقه، می‌تواند دلایل خاصی مانند مذهب و یا شرایط جوی هوا داشته باشد. عادت، فرارفتار و هنجار در هر جامعه، با منطق و فلسفه مشخصی شکل می‌گیرد، از این رو، فلسفه خاصی برای شکل‌گیری هر کدام از رفتارها در فرهنگ وجود دارد. از سوی دیگر، تنها بدلیل ارتباطی که در جامعه اطلاعاتی (و یا با نام بهتری، جامعه اطلاعاتی و ارتباطی) مهیا می‌شود، فرهنگ می‌تواند از یک جامعه به جامعه دیگر سرایت کند، بدون آنکه فلسفه آن بوجود آید. اگر در جامعه دیگری

بدون آنکه ابتدا فلسفه فرهنگ بوجود آید، فرهنگ تسری پیدا کند، فرهنگی شکل می‌گیرد که بدلیل آنکه مبتنی بر فلسفه خود نیست، یک فرهنگ کاذب شناخته می‌شود و می‌تواند یک تهاجم بی‌ریشه فرهنگی محسوب شود.

۹-۵- ملزومات جامعه اطلاعاتی

برای تحقق یک جامعه اطلاعاتی، ملزوماتی وجود دارد که باید شکل گیرند (شکل ۵۰). این ملزومات عبارتند از:

- **غیرفنی‌سازی در حوزه کاربری فاوا** - اگر جامعه بخواهد به سمت استفاده از بستره فن‌آوری اطلاعات حرکت کند و به شکل وسیعی از آن بهره‌مند شود، لازم است تا آحاد و سطوح مختلف افراد جامعه، بتوانند از ابزارها و سیستم‌های فن‌آوری اطلاعات بطور ساده استفاده نمایند. بدلیل اینکه که نمی‌توان انتظار داشت آحاد جامعه اعم از کودکان و بزرگسالان و روستائیان و افراد کم‌سواد و ... بتوانند از بستره فن‌آوری اطلاعات بطور مطلوب استفاده کنند، لازم است تا ساده‌سازی استفاده از این فن‌آوری به گونه‌ای صورت گیرد که نیاز به دانش زیاد و سطح بالا نداشته باشد. به عبارت دیگر، فعالیت در پهنه این فن‌آوری باید بتواند به شکل غیرفنی انجام گیرد.
- **فرصت‌های عادلانه و ملزومات در استفاده از فاوا** - برای آنکه بتوان از فن‌آوری اطلاعات به شکل وسیع در جامعه استفاده کرد، و آحاد جامعه بتوانند این بستره را بکار گیرند و جامعه اطلاعاتی شکل گیرد، فرصت‌های عادلانه و ملزومات باید فراهم شوند. افراد جامعه باید بتوانند با شرایط مناسب از این فن‌آوری استفاده کنند.
- **فرصت‌های ویژه و یارانه‌ای در کاربرد فاوا** - با توجه به این موضوع که همه افراد و سطوح جامعه این توان را ندارند که در کاربرد فن‌آوری اطلاعات مشارکت کنند، باید فرصت‌های ویژه و یارانه‌ای در اختیار آنها قرار گیرد و از این طریق به آنها کمک شود. برای کاهش شکاف دیجیتالی، به شیوه‌های مختلفی نظیر توسعه نرم‌افزارهای متن باز، تولید محتوی، تولید فرهنگ تولید محتوی، طرح‌های حمایتی از حوزه‌های فقیر مالی و فرهنگی در فاوا (مانند آموزش و پرورش) و ... می‌توان عمل کرد.



شکل ۵۰- ملزومات جامعه اطلاعاتی

- خارج شدن از حصار و ابزارهای دولت‌ها - برای اینکه موتور اصلی جامعه بتواند فعال شود، جامعه اطلاعاتی باید از حصار و ابزارهای دولت خارج گردد. تا زمانی که توسعه بستر فن آوری اطلاعات با حمایت دولت و در بستر دولت صورت می‌گیرد، و تا زمانی که فعالیت‌های جامعه مبتنی بر بستر دولت با فن آوری اطلاعات ارتباط پیدا می‌کند، جامعه اطلاعاتی نمی‌تواند با مفهوم اصلی یک جامعه شکل گیرد و موتور اصلی جامعه که فعالیت‌های جامعه را در تک‌تک افراد درونی می‌کند، نمی‌تواند فعال شود. از این رو، لازم است انحصار دولت در این حوزه گسسته شود و جامعه بتواند در پهنه حکومت داخل شود و برعکس، دولت هم بتواند در پهنه جامعه داخل شود.
- مشارکت مردم - حکومت در شکل دولت - مردم و حکومت باید در ایجاد جامعه اطلاعاتی مشارکت داشته باشند. کمی جلوتر نشان خواهیم داد که شکل‌گیری دولت الکترونیک، وابسته به شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی است و نیز، شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی به شکل‌گیری دولت الکترونیک وابسته است. یعنی تازمانی که حکومت الکترونیک و دولت الکترونیک شکل نگیرد، تحقق مطلوب، کارآمد و حقیقی جامعه اطلاعاتی امکان‌پذیر نخواهد بود. ناتوانی حکومت بدون استفاده از موتور اصلی جامعه در جامعه جدید، منجر به آن خواهد شد که اگر جامعه اطلاعاتی بدون حکومت

الکترونیک شکل گیرد، هم حکومت از هم پاشد و هم جامعه، و این دو نتوانند در کنار یکدیگر بستر مفیدی را شکل دهند. مادامی جامعه اطلاعاتی می تواند شکل گیرد، که دولت الکترونیک به نحو مطلوبی سازمان پیدا کرده باشد.

- چارچوب‌های قانونی و سیاسی جدید و متفاوت - برای ایجاد مشارکت مردم - حکومت در شکل دولت، و خارج شده از حصار و ابزارها، لازم است تا چارچوب‌های قانونی و سیاسی جدید و متفاوتی در جامعه و حکومت شکل گیرد تا جامعه اطلاعاتی بتواند بنا شود.
- احترام به آزادی‌های معقول و فراهم آوردن فرصت برای ارائه دیدگاه‌ها و نظرات و مشارکت در فعالیت‌ها - برای تحقق چارچوب‌هایی که در مورد قبلی ذکر شد، نیاز به آزادی‌های معقول و فراهم آوردن فرصت برای ارائه دیدگاه‌ها و نظرات و مشارکت در فعالیت‌ها وجود دارد. تا زمانی که به افراد جامعه این آزادی داده نشود که بتوانند در فعالیت‌های دولت و حکومت مشارکت کنند، نظام جامعه اطلاعاتی نمی تواند تحقق پیدا کند و بهمین دلیل ازهم گسیختگی جامعه و حکومت رخ می‌دهد.
- جریان آزاد ایده‌ها - ایده‌ها باید در جامعه جریان پیدا کنند تا موتور اصلی بتواند در جامعه بکار آید و جامعه بتواند به شکل خودسازمانده درونی خود شکل پیدا کند.
- حفظ حریم‌ها و اطمینان و امنیت و ایمنی - جامعه اطلاعاتی، باید برای ازهم پاشیده‌نشدن شیرازه جامعه، بستری را فراهم کند تا در عین فعال‌شدن در بستره فن آوری اطلاعات، حریم‌ها نیز حفظ شوند و امنیت و ایمنی افراد جامعه تضمین گردد.
- ارتقاء دانش، مهارت، فرهنگ و آگاهی عمومی نیروی انسانی - جامعه اطلاعاتی، مبتنی بر تصمیم‌گیری‌ها و واکنش‌های مردم و مشارکت آنهاست. در صورتی که دانش، مهارت، فرهنگ و آگاهی عمومی افراد جامعه ارتقا پیدا نکند، امکان نباشد که جامعه اطلاعاتی وجود نخواهد داشت.
- تعامل و مشارکت جهانی - جامعه اطلاعاتی، انحصاراً در درون یک کشور شکل پیدا نمی‌کند، بلکه در حال شکل‌گیری در جهان است. مرزهای کشورها نمی‌تواند سبب محدودیت در شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی شوند. به همین دلیل، برای تحقق جامعه اطلاعاتی، لازم است تا تعامل و مشارکت مفیدی بین کشورهای جهان و مردم

کشورهای مختلف صورت گیرد، که این موضوع بر اساس ماهیت جهانی جامعه اطلاعاتی و بسترهای فاوا است.

- درک فرهنگ‌های متفاوت و تعامل فرهنگی آگاهانه - برای ایجاد تعامل ذکر شده در مورد قبلی، لازم است تا فرهنگ‌های متفاوت درک شوند و تعامل آگاهانه‌ای بین فرهنگ‌ها ایجاد شود. افراد در جوامع مختلف و با فرهنگ‌های مختلف، هنگامی که در پهنه فن آوری اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، یک جامعه اطلاعاتی وسیعی را بنا می‌کنند، و ارتباطی مابین فرهنگ‌ها برقرار می‌شود، باید این موضوع را آگاهانه درک کنند که رفتارها و فرارفتارهایی که در هر حوزه فرهنگی در هر کشور وجود دارد، به چه دلیل ایجاد شده است؟ آیا شکل‌گیری آنها در جامعه خودشان مناسب است؟ و آیا انتقال این فرارفتارها به جامعه خودشان مطلوب واقع می‌شود؟ و یا اینکه این فرارفتارها باید با شکل جدیدی در جامعه انتقال یابند. به عبارت ساده‌تر، تعاملات فرهنگی، باید به شکل آگاهانه شکل گیرند.

- چندزبانی‌شدن بسترهای اطلاعاتی - با توجه به تعامل و مشارکت جهانی، و برای ایجاد ارتباطات میان افراد مختلف در جوامع مختلف، بسترهای اطلاعاتی باید چندزبانی شوند.

- رشد عقلانیت - مهم‌ترین لازمه تحقق جامعه اطلاعاتی، رشد عقلانیت است. تا زمانی که افراد جامعه به طور منطقی پدیده‌ها را درک نکنند و فلسفه مسائل را نتوانند هضم کنند، و از منطق مناسبی برای برخورد پدیده‌ها استفاده نکنند، تنوعی که در ساختار جامعه اطلاعاتی وجود دارد، امکان برخورد کلیشه‌ای و بدون فکر و از روی تقلید را برای افراد بوجود می‌آورد. افراد آنقدر با مسائل متنوعی سروکار دارند که اگر به شکل عقلانی آنها را درک نکنند و نتوانند تصمیم‌گیری مناسبی در رفتار خود در هر حوزه صورت دهند، در نهایت، تصمیمات درستی در جامعه اطلاعاتی شکل نخواهد گرفت و جامعه اطلاعاتی به شکل مطلوب بوجود نمی‌آید.

۱۰-۵- وجوه اقدامات برای تحقق مطلوبتر جامعه اطلاعاتی

اما برای آنکه جامعه اطلاعاتی، به شکل مطلوب تری تحقق پیدا کند، چه اقداماتی و توسط چه کسانی باید مورد توجه قرار گیرد؟ دولت، مهم‌ترین عنصری است که می‌تواند در شکل‌گیری مطلوب‌تر جامعه اطلاعاتی نقش داشته باشد و از این رو، اقداماتی را باید در این راستا انجام دهد. باید توجه داشت که، اگر هم دولت نخواهد جامعه اطلاعاتی را شکل دهد، جامعه اطلاعاتی شکل خواهد گرفت، بنابراین، کاری که دولت می‌تواند انجام دهد، آن است که به این شکل‌گیری جهت دهد و موجب شکل‌گیری مطلوب‌تری از جامعه اطلاعاتی شود. اقدامات دولت در این خصوص، عبارتند از:

- اراده سیاسی
- اراده عملیاتی
- تنظیم سیاست‌های ملی و منطقه‌ای متناسب با ابعاد جامعه اطلاعاتی - اگر چنین تنظیمی صورت نگیرد، منجر به ایجاد بحران و پدیده‌های نامطلوب در جامعه اطلاعاتی می‌شود.
- توسعه زیرساخت‌ها
- ایجاد و اتخاذ استانداردها و معیارها
- فرهنگ‌سازی در حوزه جامعه اطلاعاتی، برای دستیابی به فرهنگ مطلوب جامعه اطلاعاتی
- آموزش
- ...

فرا دولت‌ها، از قبیل ساختارهای بین‌المللی و دستگاه‌های بین‌المللی نیز می‌توانند در شکل‌گیری

مطلوب‌تر جامعه اطلاعاتی نقش داشته باشند. اقدامات ممکن آنها عبارتند از:

- تنظیم سیاست‌های بین‌المللی
- توسعه بسترها و زیرساخت‌ها
- ایجاد و اتخاذ استانداردها و معیارها
- فرهنگ‌سازی
- آموزش
- ...

سازمان‌ها و گروه‌های مردمی و غیردولتی، از قبیل انجمن‌های تخصصی و گروه‌ها و نظائر آنها، نیز می‌توانند در کنار دولت‌ها و فرادولت‌ها، در شکل‌گیری مطلوب‌تر جامعه اطلاعاتی نقش جدی داشته باشند. اقدامات ممکن آنها عبارتند از:

- اراده عملیاتی
- تنظیم سیاست‌های محلی و موضعی برای ویژه‌گرائی جامعه اطلاعاتی
- توسعه بسترها
- ایجاد و اتخاذ استانداردها و معیارها
- فرهنگ‌سازی
- آموزش
- ...

دولت و حکومت

پیش از آنکه مستقیماً به سراغ پدیده دولت الکترونیک رفته باشیم، در فصل‌های قبلی، به مباحث اطلاعات، جامعه و جامعه اطلاعاتی پرداختیم. اما در اینجا نیز قبل از آنکه به بحث دولت الکترونیک وارد شویم، لازم است تا قبل از آن، پدیده دولت و حکومت را مستقل از دولت الکترونیک، مورد بررسی قرار دهیم. لذا، در این فصل، به مفهوم، ماهیت، خصوصیات دولت و حکومت می‌پردازیم.

دولت با ترجمه متداول State و حکومت با ترجمه متداول Government در این بین چه نقشی دارند؟ آیا مگر قصدمان آن نیست که به پدیده E-Government یا حکومت الکترونیک (که معمولاً واژه دولت الکترونیک به جای آن بکار می‌رود) بپردازیم؟ آیا اصلاً لازم است پدیده دولت یا State در این مباحث مطرح شوند؟

نتیجه‌ای که در انتهای فصل هفتم خواهیم گرفت، آن است که دولت و حکومت، باید هر دو در تبیین پدیده حکومت الکترونیک و دولت الکترونیک مورد توجه قرار گیرند. نمی‌توان تنها به پدیده حکومت الکترونیک یا E-Government پرداخت. اگر به شکل مطلوب و طبق دیدگاه چهارم دولت الکترونیک، به حکومت و حکومت الکترونیک بپردازیم، خواه‌ناخواه پدیده State مطرح می‌شود. این موضوع را در فصل هفتم مورد بررسی بیشتری قرار می‌دهیم.



شکل ۵۱- دولت با حکومت متفاوت است

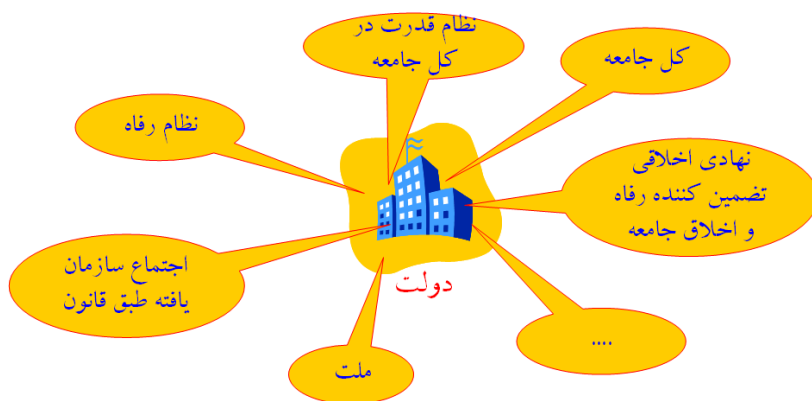
از این رو، در این فصل، به مباحث دولت و حکومت به شکل مستقل می پردازیم. بسیاری از نظریه پردازان علم سیاست، دیدگاههای مختلفی راجع به این پدیدهها مطرح می کنند. این دیدگاهها، پدیدههای مذکور را از زوایای مختلف مورد بحث قرار می دهند. اگر ما دیدگاه شفاف و مشخصی را در دستگاه نظری از پدیده دولت و حکومت ارائه نکنیم، این امر منجر به سرگردانی افرادی می شود که این چارچوب را مورد بررسی قرار می دهند و ممکن است وجوه مختلف آن را به شکل های مختلفی برداشت کنند. بنابراین، لازم است در اینجا، تبیین شفاف و روشنی از پدیده های دولت و حکومت داشته باشیم. این تبیین شفاف، مبتنی بر تبیین های قالبی و دیدگاه های مختلفی انجام می شود که در علم سیاست از این پدیدهها مطرح است. سعی ما بر آن است که به یک جمع بندی در این حوزه برسیم، به صورتی که بتواند دیدگاه های قالب را در این حوزه نشان دهد، ضمن آنکه وجوهی نیز به این دیدگاه های قالب اضافه شده تا کامل تر گردند و نیز شفافیت لازم را پیدا نمایند، از جمله تبیین پدیده دولت در بستر جامعه و ارتباط آن با مفهوم جامعه (با مفهومی که در فصل جامعه ذکر شد)

۱-۶- تبیین یک واژه: دولت

ابتدا لازم است تا واژه دولت را به درستی تبیین کنیم. دولت چیست؟ واژه دولت، در کاربردهای مختلف، رواج، و معانی متفاوتی دارد (شکل ۵۱). در یکی از کاربردها، معنی حکومت

رایج است. خصوصا این معنی در میان عامه مردم رواج بیشتری دارد. برخی اوقات، دولت، به قوه مجریه اطلاق می‌گردد. این معنی، هم در میان عامه مردم رواج دارد و هم در سایر قوای سه‌گانه و دستگاه‌های حکومتی. مثلا، منظور از این جمله که "رئیس‌جمهور رئیس دولت است"، آن است که این شخص، رئیس قوه مجریه است. قوه مجریه، در واقع بخشی از حکومت است. واژه دولت، در داخل قوه مجریه و بعضا خارج آن، عمدتا به معنی کابینه است. کابینه، بخشی از حکومت و قوه مجریه است. دولت در علم سیاست، و همین‌طور در این سلسله مباحث، مجموعه یکپارچه‌ای از حکومت و جامعه است. با این مفهوم، دولت، چیزی فراتر از حکومت است و در واقع حکومت، در بخشی از آن قرار گرفته است. با این تعریف، واژه State به دولت اطلاق می‌شود. اندیشمندان علم سیاست به طور شفاف و صریحی این مفهوم را بیان نکردند و تنها به ابعاد و خصوصیات آن پرداخته‌اند. سعی خواهیم کرد که در ادامه، به تعریف دقیق‌تری از این واژه برسیم، هرچند که تعریف ما نیز قاعدتا نمی‌تواند به یکباره تحولی اساسی ایجاد نماید و این پدیده را به شکل قاطع تبیین کند. سعی خواهیم کرد با مشخص کردن ابعاد مختلف این پدیده، تعریف نسبتا دقیق‌تری را ارائه دهیم.

با خصوصیت ابتدائی که از پدیده دولت، یعنی مجموعه یکپارچه‌ای از حکومت و جامعه، مطرح نمودیم، دولت با حکومت متفاوت خواهد بود. حکومت، نظام و سازمان رسمی حاکم بر یک کشور، شامل دستگاه‌های حکومتی، قوای سه‌گانه، قوای مسلحه، و نظائر آن است و به شکل یک نظام سازمان یافته سلسله مراتبی است و معمولا ترجمه این واژه را به Government اطلاق می‌کنند.



شکل ۵۲- ماهیت دولت از دیدگاه برخی متفکران علم سیاست

دولت حکومت نیست، بلکه سازمان رسمی اجرائی (نه فقط قوه مجریه، بلکه شامل قضا و قانون گذاری و ارتش) و کارگزار دولت است.

۲-۶- ماهیت دولت از دیدگاه برخی متفکران علم سیاست

هر یک از متفکران علم سیاست، ماهیتی برای دولت تبیین کرده اند (شکل ۵۲). برخی از این دیدگاه‌ها عبارتند از:

- دولت، کل جامعه است و از کل جامعه جدا نیست.
- دولت، نظام قدرت در کل جامعه است.
- دولت، نظام رفاه قلمداد می‌شود و سازمانی برای رفاه جامعه است.
- دولت، نهادی اخلاقی و تضمین‌کننده رفاه و اخلاق جامعه است. از این رو، دولت، نهادی است که بر اثر عقلانیت جامعه و شکل‌گیری یک عقلانیت واحد پدید آمده است. این عقلانیت، سبب می‌شود که یک نظام اخلاقی در کل جامعه سازمان پیدا کند.
- دولت، یک اجتماع سازمان یافته طبق قانون تلقی می‌شود.
- دولت، مترادف با واژه ملت است.

تعاریف دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که ماهیت‌های مختلفی برای پدیده دولت در آنها مطرح شده است. هر چند که ماهیت‌های مطرح شده برای پدیده دولت کامل نیستند، ولیکن تقریباً

همگی آنها درست هستند و وجوه پدیده دولت را تبیین می‌کنند. در صورتی که این دیدگاه‌ها با هم جمع شوند و در کنار هم قرار گیرند، ماهیت دولت مشخص خواهد شد. سعی خواهیم کرد که این کار را انجام دهیم.

۳-۶- عناصر بنیادی دولت

یک دولت، از چه عناصر بنیادی تشکیل شده است؟ تقریباً متفکران علم سیاست، در چهار مولفه اصلی بنیادی دولت اتفاق نظر دارند:

- دولت دارای سرزمین است. دولتی که سرزمین نداشته باشد، دولت محسوب نمی‌شود.
- دولت، حکومت یا سازمان اجرائی است. در صورتی که حکومت وجود نداشته باشد، دولت نمی‌تواند شکل گیرد.
- دولت دارای حاکمیت است، که استقلال و قدرت، در بطن آن نهفته است و به عنوان موجودیت حاکم در جامعه محسوب می‌شود.
- دولت دارای مردم است. در این صورت اگر مردمی وجود نداشته باشند، هرچند حکومتی باشد، دولتی شکل نخواهد گرفت.

ما عنصر دیگری را نیز به عناصر بنیادی دولت اضافه می‌کنیم. این عنصر، همراهی مردم یا نهادینه‌شدن حاکمیت در بدنه جامعه است. ممکن است کشوری دارای مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت باشد، ولی دولتی در آن کشور تشکیل نشده باشد. به عنوان مثال، در یک کشور دیکتاتوری که یک دیکتاتور بر آن حکومت دارد، چهار عنصر بنیادی ذکر شده وجود دارد، اما مردم برای شکل‌گیری و اجرای یک حاکمیت واحد، با این حکومت همراهی نمی‌کنند. زمانی می‌توان از پدیده دولت صحبت کرد که همراهی مردم و نهادینه‌شدن حاکمیت در بدنه جامعه شکل گرفته باشد.

زمانی که دولت به یکپارچگی دست پیدا نماید و حکومت در تمام جامعه به صورت یک سازمان نهادینه‌شده قوام پیدا کند، مثلاً زمانی که حکومت تصمیمی می‌گیرد، مردم نیز همان تصمیم را بگیرند و برعکس، در این صورت می‌توان پدیده دولت را شکل گرفته تلقی کرد.



شکل ۵۳- موتور اصلی جامعه در تصمیم گیری‌ها و رفتارهای کل جامعه

در بسیاری از کشورها، حکومت وجود دارد ولی دولتی شکل نگرفته است. ممکن است دولت در بخش‌های معدودی و با شکل‌های معدود و متفاوتی شکل گرفته باشد و حتی ممکن است که در دورانی دولت شکل بگیرد و در دورانی دیگر، از هم پاشیده شود.

۴-۶- یادآوری: موتور اصلی جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای کل جامعه

نکته‌ای که در تبیین جامعه مطرح شد، در اینجا به عنوان یادآوری ذکر می‌شود. یک جامعه، دارای روح یکپارچه‌ای است و یک بستر و فضای تصمیم‌گیری یکپارچه و همچنین رفتار یکپارچه‌ای در آن انجام می‌گیرد (شکل ۵۳). گفتیم که این رفتار، ناشی از تصمیم‌گیری انجام شده در کل جامعه است. اما این سوال مطرح گردید که چگونه یک رفتار یکپارچه و یک روح واحد شکل می‌گیرد؟ در پاسخ به این سوال، موتور اصلی جامعه یا قوای اصلی که منجر به بروز رفتاری یکپارچه در جامعه می‌شود، تبیین شد. این موتور، مبتنی بر درونی‌شدن تصمیم‌گیری در وجود عموم افراد جامعه و کل جامعه، عمل می‌کند. این موضوع یعنی، یک تصمیم جامعه که منجر به یک رفتار مشخص در کل جامعه می‌شود، توسط آحاد جامعه و در تصمیم‌گیری و رفتار تک تک (نه همه) آنها شکل می‌گیرد، چه به شکل خودآگاه و چه به شکل ناخودآگاه. این بدان معنی است که تصمیم‌گیری جامعه در درون



شکل ۵۴- جامعه مدنی + حکومت

وجود افراد نهادینه شده است. هر تصمیمی که فرد می‌گیرد، در تصمیمات کل اثر می‌گذارد و تصمیمات کل جامعه، در بستره و فضای تصمیم‌گیری تک‌تک افراد شکل می‌گیرد.

۵-۶- جامعه مدنی + حکومت

با توجه به این موضوع که جامعه مدنی، جامعه‌ای است که با حکومت رابطه تنگاتنگی دارد، می‌توان این پدیده را با پدیده حکومت ترکیب کرد (شکل ۵۴). جامعه، در اثر پیدایش تعاملات افراد و بر اثر ادراک دیگران، نیاز خود به دیگران، ادراک نیازهای دیگران و تنظیم رفتار خود برای تعامل با دیگران شکل می‌گیرد، و سطح خاصی از نظم نهادینه‌شده اجتماعی با نام نظم تمدنی، در آن پدیدار می‌شود.

از طرف دیگر، حکومت، سازمان کارگزار و دارای قدرت است که بر اثر احساس نیاز مردم به ایجاد نظم، شکل می‌گیرد. افراد جامعه، نیاز به نظم را احساس می‌کنند و پس از آنکه نظم تمدنی شکل گرفت، مشکلات و مسائل موجود در این نظم، آنها را نیازمند به این موضوع می‌کند که یک سازمان نهادینه‌شده و دارای قدرت برای اعمال نظم را شکل دهند. از طرف دیگر، نیاز به قانون و امنیت، این پدیده را تقویت می‌کند و موجب می‌شود که مردم، قدرت خود را به یک حکومت واگذار کنند. البته



شکل ۵۵ - مسئله اصلی در رابطه با حکومت

همیشه چنین نیست! گاهی اوقات نیز امیال افراد، مانند سیطره یک فرد بر دیگران، منجر به پیدایش یک حکومت می‌شود.

در ارتباطی که بین جامعه مدنی و حکومت وجود دارد، مشاهده می‌شود که چرا جامعه مدنی شکل می‌گیرد، و چگونه حکومت نیز بطور مستقل شکل می‌گیرد. اما مسئله‌ای که در تعامل میان حکومت و جامعه وجود دارد آن است که تصمیم‌گیری‌های حکومت و رفتارهای آن، مختص خودش است و هنوز در جامعه نهادینه نشده است! هنوز از قدرت موتور اصلی جامعه، در حکومت استفاده نشده است! هنوز حکومت به عنوان سازمان کارگزار نهادینه‌شده، در جامعه قوام نیافته است! و حرکت‌هایی که درون جامعه در حال رخ دادن است، نمی‌تواند الزاماً هم‌راستا با حکومت باشد. نه حکومت می‌توان این حرکت‌ها را هم‌راستا کند و نه جامعه می‌تواند حرکت حکومت را تغییر دهد و اصلاح کند. در واقع، تفاوت‌هایی در بستر تصمیم‌گیری حکومت و بستر تصمیم‌گیری جامعه مدنی وجود دارد.

۶-۶- مسئله اصلی در رابطه جامعه با حکومت

مسئله اصلی در رابطه جامعه با حکومت، همان موتور اصلی جامعه است (شکل ۵۵). حکومت، بستر و فضای تصمیم‌گیری و رفتار مختص به خود را دارد، در حالی که بستر و فضای تصمیم‌گیری



شکل ۵۶- الف - دولت

جامعه که در تعامل تنگاتنگ به واسطه موتور اصلی با بستر و فضای تصمیم گیری افراد است، متفاوت می باشد. رابطه بین حکومت و جامعه، رابطه‌ای حداکثر به شکل انتخاب حکومت توسط جامعه، و دستور حکومت به جامعه است. تصمیمات افراد جامعه به عنوان موجودات مختار، مستقل و دارای قدرت تصمیم گیری، و عقاید و رفتارهای خاص، لزوماً با تصمیمات حکومت هم‌راستا نیست. تصمیمات حکومت هم، لزوماً تصمیمات مردم و جامعه نیست. به عبارت دیگر، تصمیمات حکومت در جامعه درونی نشده است.

۷-۶- دولت

در فصل قبل، از درونی‌نشدن تصمیمات حکومت در جامعه صحبت کردیم. منظور از درونی‌نشدن تصمیمات حکومت، آن است که از موتور اصلی جامعه استفاده نشده، و حکومت، رفتارها و فضای تصمیم‌گیری خود را با فضای تصمیم‌گیری جامعه متداخل نکرده است (شکل ۵۶- الف).

اگر حکومت بتواند از قوه محرکه موتور اصلی جامعه استفاده کند، و نیز اگر پیوستگی و تعامل مناسبی بین بستره و فضاهای تصمیم‌گیری حکومت، جامعه و افراد ایجاد شود، و این فضاها



شکل ۵۶- ب - دولت

بصورت یکپارچه درآیند (یعنی فضای تصمیم‌گیری حکومت و جامعه از هم جدا نباشد)، و همچنین اگر بستر تصمیم‌گیری و رفتار حکومت از حالت دستوری به درونی در جامعه تبدیل شود (مانند هنجاری کردن بستن کمربند ایمنی و نه دستوری کردن آن)، در این صورت می‌توان گفت که پدیده دولت شکل گرفته و ما با حکومتی مواجه خواهیم شد که در جامعه نهادینه شده است. در چنین حالتی، جامعه، در فضای تصمیم‌گیری حکومت دخالت دارد. به عنوان مثال، زمانی که دولت تصمیم می‌گیرد که افراد جامعه در حین عبور و مرور در بزرگراه‌ها کمربند ایمنی ببندند، بجای آنکه با جریمه و یا حتی با آموزش از طریق رسانه‌ها این کار را انجام دهد، به گونه‌ای بستن کمربند ایمنی را در جامعه به شکل هنجار در می‌آورد که اگر شخصی از این قانون تبعیت نکند، دیگران چنان با او برخورد نمایند که انگار او یک فرد بی‌سواد و عقب‌افتاده است. در واقع، یک فضای هنجاری برای بستن کمربند ایمنی در جامعه ایجاد کرده است. اگر حرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های حکومت بدین شکل بروز کند، آنگاه می‌توان گفت که پدیده دولت شکل گرفته است (شکل ۵۶-ب).

اما هنجار کردن رفتارها در جامعه، تنها در یک سو قرار دارد. از سوی دیگر، در تصمیماتی که حکومت اتخاذ می‌کند، مردم باید دخالت مستقیم، و در آن نقش جدی داشته باشند. این دخالت، نه



شکل ۵۶- ج - دولت

فقط به شکل انتخاب یک نماینده یا انتخاب رئیس قوه مجریه، بلکه به شکلی است که تمام تصمیماتی که در سطح حکومت گرفته می‌شوند، باید در بستر جامعه شکل گیرند.

به عنوان مثال، در رابطه با ایجاد و تبعیت از یک نظام ساختمانی، وزارت مسکن تصمیم‌گیرنده نخواهد بود. مردم خودشان انجمن‌های علمی و تخصصی و انجمن‌های صنفی تشکیل می‌دهند و این انجمن‌ها، نظام‌های مربوطه را اتخاذ می‌نمایند و تنها از حکومت می‌خواهند که از قدرت و اختیارات خود استفاده نموده و آن را اعمال کند. در چنین صورتی، مردم، معماران و صنف معماران و مهندسان ساختمان، از نظامی که خود آنها وضع کرده‌اند تبعیت می‌کنند. این مثال، تنها یک نمونه کوچک در این رابطه است. حالت‌های مفصل و پیچیده‌ای وجود دارد که در اینجا فرصت پرداختن به آنها وجود ندارد.

در چنین حالتی، می‌توان روحی برای کل دولت که مجموعه‌ای است از کل جامعه و حکومت، در نظر گرفت. روح یکپارچه‌ای که رفتار یکپارچه‌ای از خود بروز می‌دهد و بستر و فضای تصمیم‌گیری یکپارچه‌ای در بطن آن قرار دارد و نیز رفتار یکپارچه‌ای انجام می‌دهد (شکل ۵۶- ج).



شکل ۵۷ - بستر و فضای تصمیم گیری دولت

۸-۶- بستر و فضای تصمیم گیری دولت

مهم ترین محور شکل گیری این پدیده یکپارچه و عملکرد موتور اصلی جامعه، شکل گرفتن بستر و فضای تصمیم گیری یکپارچه، و رفتار ناشی از آن برای پدیده دولت است. نکته اساسی آن است که این بستره تصمیم گیری که در دولت شکل می گیرد، مشترک و متعامل با بستر تصمیم گیری جامعه، حکومت و تک تک افراد جامعه است (شکل ۵۷). تصمیم های دولت و رفتار آن، با تصمیم های جامعه و مردم و رفتار آنها، ارتباط مستقیم دارد. نه به شکل یک دستور از حکومت و اجرای آن توسط مردم، بلکه به شکل ایجاد یک بستره.

۹-۶- مهندسی تصمیم و فراکتالیسم

اما چگونه چنین چیزی امکان پذیر است؟ چگونه باید ابعاد تصمیم گیری متعامل و مشترکی را که بین دولت، حکومت، جامعه و مردم شکل می گیرد، تبیین و توصیف کرد؟ این موضوع، به نوع نگرش ما و نیز به نوع سازماندهی فضا و بستره تصمیم گیری بستگی دارد. اولاً، باید به شکل متفاوت دیگری به موجودیت تصمیم گیری نگاه کرد. در اینجا، موضوع تصمیم گیری، موضوعی نیست که بتوان به شکل کلیشه ای که در علم مدیریت، مهندسی سیستم و

مهندسی سیستم‌های رایانه‌ای متداول است، به آن نگاه کرد. مثلاً، بدین شکل که در علم نظریه تصمیم، طبق پاره‌ای از خصوصیات، بین دو یا چند انتخاب موجود، یکی از آنها بکار گرفته شود. این نظریه‌ها همگی در جای خود معتبرند و کاربردهای خاص خود را دارند. ولیکن، تصمیم‌گیری‌هایی که در جامعه رخ می‌دهد اینگونه نیست. چنان نیست که مردم جامعه در کنار هم جمع شوند و با انجام یک رای‌گیری، تصمیم بگیرند که کدام لباس را بپوشند. هر کدام از افراد، لباس خاصی را انتخاب می‌کنند، به گونه مشخصی رفتار می‌کنند، به گونه مشخصی حرف می‌زنند و به گونه مشخصی در مورد یک مسئله خاص مانند مراسم ازدواج برخورد می‌کنند و ...

اما چگونه این گونه‌های خاص و این تصمیمات اتخاذ می‌شود؟ هنجارها و باورهای مردم و شکل‌گیری فرارفتارهایی که در جامعه وجود دارد، و ارتباط بین پدیده‌های رفتاری که در جامعه وجود دارد، این فضای تصمیم‌گیری را ایجاد می‌کند و مشخص می‌نماید که بستره تصمیم‌گیری که در جامعه وجود دارد، چیست. نوع این بستره، با نوع بستره در علم نظریه تصمیم و مدیریت و نظائر آنها متفاوت است. ما باید این نوع را درک کنیم و بفهمیم که چگونه این اتفاقات می‌افتد.

این نوع تصمیم‌گیری، هم‌جنس و مشابه با آنچه است که در طبیعت اتفاق می‌افتد. در طبیعت مشاهده می‌کنیم که هیچ سازمان و ستاد برنامه‌ریزی مشخصی^۱ وجود ندارد تا مشخص نماید که کدام درخت در کدام ناحیه رشد کند، رودخانه از کدام مسیر عبور نماید و ... بلکه، میدانی است که بر اثر شرایط موجود در آن، حرکت‌هایی شکل می‌گیرد که منجر به بروز یک رفتار مشخص می‌شود. مثلاً دانه‌ای در یک محل مشخص می‌افتد، آب و هوای مشخصی شکل می‌گیرد، و دانه در این ناحیه رشد می‌کند و ...

این اتفاقات در جامعه نیز رخ می‌دهند، و البته چندان غیر قابل برنامه‌ریزی و سازماندهی نیستند. این طور نباید تصور کرد که چون این اتفاقات در طبیعت رخ می‌دهند، نمی‌توان در آنها دست برد. بلکه می‌توان در آنها دخالت کرد و حتی به سوی مطلوبی هدایتشان کرد، همان طور که می‌توان طبیعت را به سمت قهقرا و نابودی هدایت کرد. لذا انسان دارای این توانایی است که بتواند طبیعت و محیط خود را به سمت تعالی و مطلوبیت بیشتر هدایت کند. شاهد این مدعا، حرکت‌هایی است که سازمان‌های محیط زیست، برای حفظ طبیعت انجام می‌دهند، با آنکه ادعا می‌کنند طبیعت محور است و باید آن را حفظ کرد و خود طبیعت به هر سمتی که می‌خواهد حرکت می‌کند. مثلاً حوزه‌های

^۱ - البته طبق تعبیر و تصور ما، و گر نه هر برگی که از درختی می‌افتد، حکمت و قوه الهی در آن نهفته است.



شکل ۵۸ - مهندسی تصمیم و فراکتالیسم

خاصی را حصارکشی می کنند، از گونه های خاصی حفاظت می کنند و آنها را پرورش می دهند و ... به هر حال، اقداماتی انجام می دهند که طبیعت به شکل اصلی خود برگردد و حتی پس از آن نیز می توان شکل های مطلوب تری برای آن تصور کرد.

در یک جامعه نیز به همین صورت می توان باورها و رفتارهای جدیدی را طبق برنامه ریزی ایجاد کرد. نه اینکه با تفکر آنارشیستی فکر کنیم که جامعه هر طوری که می خواهد رفتار می کند. بر اساس دیدگاه ما، درست است که جامعه رفتارهای خود را تبیین می کند و فضای تصمیم گیری جامعه متفاوت با سازمان های نظام یافته است، ولیکن می توان باور داشت که با نظام سازمان یافته مشخص و با شکل متناسب، می توان بستر و فضای تصمیم گیری جامعه را شکل داد و جامعه را به یک سمت و سوی کاملاً مشخصی هدایت کرد و رفتارهای مورد انتظار را از آن طلب نمود. کمالینکه این اصلاح رفتاری در موارد بسیاری مشاهده می شود و حتی رواج فرهنگ و رفتارهای ناموزون و ناپسند نیز در موارد متعددی دیده می شوند و رشد پدیده های منفی در جامعه بسیار آسان تر انجام می شود. از طرف دیگر، ممکن است کشوری برای دخالت در کشور دیگر، فضای تصمیم گیری آن را چنان دچار تغییر کند که منجر به واپاشی حکومت آن شود (شکل ۵۸).

طبق این دیدگاه و نگرش نسبت به فضای تصمیم‌گیری، مهندسی تصمیم، تلاش می‌کند که چنین فضایی را ایجاد کند، فضایی که جامعه، حکومت و افراد در آن متداخل باشند و ساختار و نوع تصمیم‌گیری که در این فضا شکل می‌گیرد، متفاوت با نوع تصمیم‌گیری در ساختارهای کلاسیک باشد. این نوع تصمیم‌گیری، یک ساختار تصمیم‌گیری فراکتالی است که در گرایش فراکتالیسم به آن پرداخته شده است. انتظام مهندسی تصمیم، تلاش می‌کند تبیین نماید که چگونه یک بستر تصمیم‌گیری مشخص شود، اما نه از جنس تصمیم‌گیری کلیشه‌ای، و نه دموکراسی نمایندگی، و نه حتی تصمیم‌گیری توزیع‌شده رسمی قانونمند متداول، بلکه از جنس تصمیم‌گیری در بدنه یک موجود زنده. مهندسی تصمیم به عنوان یک الگو، ساختار فراکتالی را برای توضیح و توصیف چنین ساختاری ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که چنین کاری نه تنها در طبیعت، بلکه در ساخته‌ها و سیستم‌های انسان، بخصوص در سیستم‌های کلان جامعه نیز امکان‌پذیر است. این تبیین، به شکل یک سبک، گرایش و مکتب طراحی نظام‌های کلان، تحت عنوان فراکتالیسم انجام می‌شود. فراکتالیسم، بیان می‌کند که چگونه می‌توان نظامی را با رویکرد مطرح‌شده بنا کرد، و فضای تصمیم‌گیری آن چه ساختاری باید داشته باشد.

به عنوان نمونه، در سال‌های ۸۰ و ۸۱، در این حوزه فعالیتی انجام گرفت، و این رویکرد در نظام آموزشی مدل گردید. در این فعالیت، تبیین شد که چگونه این اتفاق در یک نظام آموزشی رخ می‌دهد و چگونه چنین فضای تصمیم‌گیری در نظام آموزش شکل می‌گیرد. در این راستا، مکتب فراکتالیسم و ساختارهای فراکتالی مبتنی بر این پدیده مورد توصیف قرار گرفتند. مستندات در همین رابطه وجود دارند که قابل ارجاع است.

۱۰-۶- دولت : جامعه مقتدر

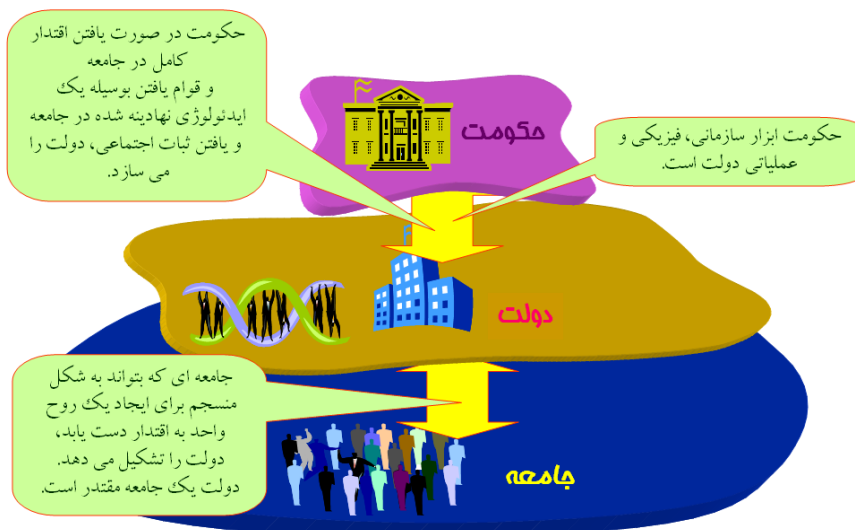
در صورتی که دولتی با فضاهای تصمیم‌گیری مطرح‌شده شکل گیرد، می‌توان گفت که آن دولت، جامعه ای مقتدر است. به عبارت دیگر، قدرت هائی که در حوزه‌های مختلف جامعه وجود دارند و توسط آحاد جامعه قابل دستیابی هستند، می‌توانند کنار هم قرار گیرند، یکپارچه شوند و به یکدیگر پیوند زده شوند و اقتداری را در سطح کل دولت شکل دهند. این اقتدار، از به هم پیوستن تمام قدرت‌های موجود در سطح جامعه شکل می‌گیرد (شکل ۵۹).



شکل ۵۹ - دولت : جامعه مقتدر

اما، اقتدار چیست؟ یک تعریف نادقیق از اقتدار چنین است: قدرت فائقی که بدون لزوم اعمال زور توسط همه گردن نهاده می شود. یعنی بستر و فضای یکپارچه تصمیم گیری که در کل جامعه شکل گرفته است، منجر به جریان انداختن قدرت افراد مختلف در این فضا می شود و قدرت یکپارچه ای را ایجاد می کند. در این صورت، لازم نیست برای انجام کاری در سطح جامعه و دولت، زوری به شکل فیزیکی و واقعی اعمال شود. وجود این اقتدار در سطح جامعه و بستر تشکیل دهنده آن، خودبخود قدرت ها را به سمت درستی حرکت می دهد و افراد این موضوع را درک می کنند که اگر نخواهند در جریان این حرکت قدرت قرار گیرند، دچار مشکل خواهند شد و طبعاً قدرت خود را در این جریان قرار خواهند داد. اقتدار، جمع جبری قدرتهای موجود در جامعه نیست، بلکه پیوند یکپارچه ای از این قدرتهاست. ممکن است قدرتهای مخالفی با اقتدار در جامعه وجود داشته باشند، ولیکن بدلیل فائق بودن اقتدار در جامعه، قدرتهای مخالف، امکان حرکت مشخص پیدا نمی کنند.

سازمانی که موجب قوام و جریان اقتدار می شود، حکومت است. موتور اصلی جامعه، نیرو و یکپارچگی قدرت ها را ایجاد می کند و به آنها شکل می دهد. به همین دلیل، نام این قدرت نامرئی را موتور اصلی جامعه قرار داده ایم. سازماندهی و یکپارچگی که در جامعه منجر به ایجاد اقتدار می شود، نه به شکل یک ساختار مکانیکی، بلکه به شکل ارگانیک یک موجود زنده خواهد بود. در یک



شکل ۶۰- جامعه، حکومت و دولت

ساختار مکانیکی، عناصر مختلف، طبق ضوابط و ابزار کاملاً کلیشه‌ای، برای بکارگیری قدرت مورد استفاده قرار می‌گیرند، که ممکن است حتی بسیاری از نیروها تلف شوند. اما تمام عناصری که در بدن یک موجود زنده وجود دارند، با حفظ استقلال و رفتار خاص خود، در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و قدرتش را برای دستیابی به موجود زنده واحد، کنار هم قرار می‌دهند.

۱۱-۶- جامعه، حکومت و دولت

جامعه‌ای که بتواند به شکل منسجم برای ایجاد یک روح واحد به اقتدار دست یابد، دولت را تشکیل می‌دهد. دولت یک جامعه مقتدر است (شکل ۶۰).
حکومت، ابزار سازمانی، فیزیکی و عملیاتی دولت است. حکومت در صورت یافتن اقتدار کامل در جامعه و قوام یافتن بوسیله یک ایدئولوژی نهادینه شده در جامعه و یافتن ثبات اجتماعی، دولت را می‌سازد.

۱۲-۶- خصوصیات دولت

مبتنی بر تبیینی که از پدیده دولت مطرح شد، خصوصیات زیر را می‌توان برای آن در نظر گرفت (شکل ۶۱):



شکل ۶۱- خصوصیات دولت

- نهادینه شدن قدرت در بستره جامعه
- استفاده از موتور اصلی جامعه برای به جریان انداختن اقتدار در جامعه
- مشارکت، محوریت و تعامل شدید با مردم - مشارکت شدید مردم در دولت قابل مشاهده است و محور فعالیتها بر مردم قرار دارد و همچنین تعاملی بین حکومت و جامعه، در دولت وجود دارد.
- توزیع تصمیم گیری - افراد مختلف در حوزه های مختلف جامعه، در تصمیم گیری ها دخالت می کنند. نه اینکه مانند افرادی که دموکراسی مستقیم را مطرح می کنند، امکانی فراهم شود تا هر کس در آشپزخانه خانه خود با فشردن یک کلید، بتواند قانونی را وضع یا رد نماید. بلکه نوع تصمیم گیری و نوع توزیع، به شکل دیگری است. همانطوری که کل جامعه تصمیم می گیرند که چه نوع لباسی بپوشند، کل دولت نیز به همین صورت، در مورد اینکه چه واکنشی در مورد موضوع خاصی باید بروز دهد، چه رفتاری در حوزه آموزشی انجام شود، چه ترکیبی برای ساختمانها ایجاد شود و نظایر آن، در تمام حوزه ها تصمیماتی را صورت می دهد.
- بستر مشترک و متعامل تصمیم گیری حکومت، جامعه، افراد

- خود سازماندهی - دولت می تواند از درون به یک خودسازماندهی دست پیدا کند، مثلاً از درون اصلاحات صورت می گیرد، از درون شکل های جدیدی از رفتارها و فضاهای تصمیم گیری ایجاد می شود و سازمان های جدید (نه لزوماً سازمان های حکومتی، بلکه سازمان های اجتماعی و حکومتی) شکل جدیدی می گیرند.
- تعامل و درهم تنیدگی شدید حکومت - جامعه
- شکست حصار حکومت و تبدیل شدن سیستم بسته حکومتی به یک سیستم باز - حکومت، حصارش شکسته می شود و در کل جامعه و دولت گسترده می شود و از یک سیستم بسته حکومتی، به یک سیستم باز تبدیل می شود و همه افراد در فعالیت های حکومت دخالت و مشارکت می کنند. از این رو، تصمیمات همه افراد، در تصمیمات حکومت و دولت اثر خواهد داشت.
- توزیع در کنار تمرکز و بومی سازی در کنار یکپارچگی ملی - در عین اینکه ساختارهای متمرکز حکومتی، یک تصمیم گیری متمرکز برای کل کشور انجام می دهند، تصمیم گیری در کل کشور انجام می شود. یعنی، در عین اینکه یکپارچگی در کل کشور برقرار می شود، هر کدام از حوزه ها برای خود فضای بومی مخصوص به خود دارند و تصمیمات خود را در آن حوزه اتخاذ می کنند.
- وابستگی به رشد عقلانیت جامعه و حکومت - عقلانیت جامعه و حکومت باید رشد کند تا پدیده دولت شکل گیرد. درک عقلانی مردم و تصمیم گیری مبتنی بر آن، باعث ایجاد کیفیت و مطلوبیت در دولت می شود. هر اندازه که عقلانیت بالاتری در پشت تصمیمات و فضای تصمیم گیری دولت وجود داشته باشد، تصمیماتی که اتخاذ می شوند، مطلوبیت بیشتری خواهند داشت و در نتیجه تعالی بیشتری برای جامعه ایجاد خواهند کرد.
- ساختار ارگانیک و زنده - دولت، با تعریف و ابعادی که از آن ذکر شد، یک موجود زنده دارای روح واحد و یک ساختار ارگانیک است. عناصر درونی این موجود را باید به شکل یک ارگانسم، مورد مطالعه و تحلیل قرار داد، نه یک ساختار سازمانی و کلیشه ای حکومتی.

- ساختارهای فراکتالی - تلاش شده است که ساختارهای فراکتالی، الگوی مطلوبی برای نشان دادن ابعاد و پدیده‌های درونی پدیده دولت باشند.
- اما موارد ذکر شده چگونه امکان‌پذیر هستند؟ مواردی از قبیل درهم‌تنیدگی و خودسازماندهی و شکستن حکومت و تبدیل به یک سیستم باز و نظائر آنها، چگونه بدون آنکه هرج و مرجی ایجاد شود امکان‌پذیر هستند؟ خصوصاً برای کسانی که به ساختارهای حکومتی عادت کرده‌اند و تصور می‌کنند که اگر ساختارهای حکومتی با شکل موجود خود بنا نشوند، همه چیز از یکدیگر پاشیده می‌شود!
- کاری که ما در حوزه نظام آموزشی به عنوان بخشی از کل دولت انجام دادیم، این مسئله را به عنوان یک مدل نمونه تبیین کردیم. در این مدل، نشان داده شده است که نظام آموزشی دولت (نه حکومت) می‌تواند شکل گیرد. در نظام آموزشی فعلی، وزارت آموزش و پرورش و همچنین وزارت آموزش عالی به عنوان بخشی از دولت، تصمیماتی می‌گیرند و آنها را در مدارس و دانشگاه‌ها ابلاغ می‌کنند و این تصمیمات موبه‌مو اجرا می‌شوند، و اجازه تخطی از آن وجود ندارد. این نوع نظام آموزشی، یک نظام آموزشی حکومت است. اما نظام آموزشی دولت، یک نظام آموزشی است که مردم بتوانند در آن تصمیم بگیرند و نوع جدیدی از آموزش را شکل دهند، حتی در یک حوزه بومی و محلی! اما چگونه چنین چیزی امکان‌پذیر است؟ ساختارهای ارگانیکی و زنده که از آن صحبت می‌کنیم، در تبیین این پدیده نظام آموزشی مدل شده است. همین مدل می‌تواند نشان دهد که در کل جامعه چنین چیزی می‌تواند تحقق یابد و شکل گیرد. در آن مدل خصوصیات ۱۲ گانه ساختارهای فراکتالی مورد بحث قرار گرفتند.

۱۳-۶- ملزومات دولت

ملزومات تحقق دولت، با خصوصیات آنی که در بخش قبل از آن ذکر شد، چیستند؟ این ملزومات عبارتند از (شکل ۶۲):

- فرصت‌های عادلانه در تصمیم‌گیری‌ها - افراد مختلف جامعه باید بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند. برای آنکه چنین فرصتی را بتوان فراهم کرد، شکل‌گیری ساختار تصمیم‌گیری فراکتالی الزامی است. غیر از این ساختار، امکان آن وجود ندارد تا همه افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند.



شکل ۶۲- ملزومات دولت

- خارج شدن از حصار و ابزارهای حکومتها - برای شکل گیری ساختارهای فراکتالی، باید این امکان وجود داشته باشد که افراد بتوانند در فعالیت های حکومتی مشارکت کنند.
- مشارکت مردم در حکومت
- ساختارهای مناسب حکومت - ساختارهای مناسب حکومت، طبق ساختارهایی که از کلیات آن بحث شد و به جزئیات آن در متون دیگر پرداخته شده است، باید شکل گیرند.
- چارچوبهای قانونی و سیاسی جدید و متفاوت
- احترام به آزادی های معقول و فراهم آوردن فرصت برای ارائه دیدگاهها و نظرات و مشارکت در فعالیتها - افراد جامعه باید بتوانند دیدگاههای خود را مطرح کنند. به عنوان مثال، اگر دیدگاههای متفاوتی در نظام آموزشی وجود دارد، نظام آموزشی حکومت، نباید جلوی اعمال آنها را بگیرد، بلکه باید سمت و سوی مشخصی به آنها بدهد و نیز باید بستری را برای رشد آنها فراهم سازد، حتی اگر نگرشی در حوزه یک مدرسه باشد.
- جریان آزاد ایدهها - برای ایجاد جریان ایدهها، باید آزادی وجود داشته باشد.

- حفظ حریم‌ها و اطمینان و امنیت و ایمنی - در عین اینکه آزادی‌های معقولی باید وجود داشته باشند، حریم‌های مشخصی نیز باید شکل گیرند. امنیت و ایمنی در سطح جامعه در مقابل مسائل مختلف، مانند اشتباهات و خطاها و خدشه‌هایی که افراد مختلف می‌توانند وارد سازند، باید وجود داشته باشد.
- ارتقاء دانش و مهارت و فرهنگ و آگاهی عمومی نیروی انسانی - تا افراد و آحاد جامعه، بتوانند در فعالیتهای دولت مشارکت کنند.
- فرهنگ‌های متفاوت و تعامل فرهنگی آگاهانه - امکان شکل‌گیری فرهنگ‌های مختلفی که در حوزه‌های متفاوت، با توجه به دیدگاه‌های مختلف در آن حوزه‌ها وجود دارند، باید وجود داشته باشد و بین این فرهنگ‌ها، تعامل فرهنگی آگاهانه‌ای باید بوجود آید.
- رشد عقلانیت - به عنوان مهم‌ترین عنصر، عقلانیت جامعه باید رشد پیدا کند. ملزومات دیگری که ذکر شدند، لازم و ملزوم رشد عقلانیت هستند. به عنوان نمونه، تازمانی که جریان آزاد ایده‌ها فراهم نشود، و تا زمانی که فرصت‌های عادلانه در تصمیم‌گیری وجود نداشته باشد، و نیز تا زمانی که امکان مشارکت مردم در حکومت بوجود نیاید، امکان رشد عقلانیت وجود نخواهد داشت. همچنین، تا زمانی که عقلانیت رشد نکند، مشارکت مردم در حکومت شکل مطلوبی به خود نخواهد گرفت و امکان شکل‌گیری ساختارهای مناسب حکومت و خارج شدن از حصار حکومت، امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱۴-۶- دینامیسم دولت

دولت موردنظر با خصوصیات مطرح شده، دولتی پویا و دارای تغییر و تحول خواهد بود. دولت، موجودیت و مفهومی ایستا نیست. موجودیتی است که در بطن خود، پویایی و تکامل یابندگی را دربر دارد و باطن مفهوم دولت، در بردارنده دینامیسم است (شکل ۶۳).

۱۵-۶- نکته مهم: لزوم تمایز در تبیین مفهوم ساختار ارگانیک



شکل ۶۳- دینامیسم دولت

منظور از بیان این موضوع که دولت ساختار ارگانیکی دارد، به معنای شناخته شده تحت عنوان نظریه ارگانیک در نظریه های دولت، که توسط افرادی مانند اسپنسر، شافل، کنت و نظائر آنها ارائه شده است، نیست (شکل ۶۴). بلکه ساختاری است که وجوه مشابه با ارگانسیم های زنده نظیر بدن انسان دارد، اما نه کاملاً شبیه بدن و شامل تمام خصوصیات آن. در برخی از نظریه های ارگانیکی، برای دولت اندام هائی مانند سر و دست و نظائر آنها تصور شده است. در صورتی که لازم نیست هر ارگانسیم سر و دست داشته باشد و لزوماً همه وجوهی که در یک ارگانسیم زنده وجود دارند، نباید در پدیده دولت وجود داشته باشند.

ما روحی برای دولت و جامعه قائل هستیم، اما نه به معنای قربانی کردن فرد برای جامعه. دارای روح بودن جامعه و یکپارچه بودن آن، به معنای آن نیست که اصالت با جامعه است و اگر جامعه به سمتی حرکت کرد که حقوق افراد در آن ضایع شد و افراد زیر دست و پا له شدند، مانعی نداشته باشد. و نیز به معنی آن نیست که اگر برای رشد جامعه انتخاب اصلاح صورت گرفته، پس افرادی که اصلاح نیستند قربانی شوند. پدیده ای که ما آن را ترسیم می کنیم، چنین معنائی ندارد و ساختار ارگانیکی از نظر ما، به معنای قربانی کردن فرد برای جامعه نیست.

ما قائل به درهم تنیدگی حکومت، جامعه و افراد، و تصمیم گیری و زندگی و رفتارهای آنها هستیم. اما این به معنای آن نیست که سیستم حکومتی، در جمیع شئون زندگی افراد برای تبعیت از دولت، دخالت کند و پدیده توتالیتریانیسم شکل گیرد. این دیدگاه کاملاً مردود است. دیدگاه ما



شکل ۶۴ - نکته مهم: لزوم تمایز در تبیین مفهوم ساختار ارگانیک

چنین نیست که اگر حکومت بخواهد در سطح جامعه اقتدار یابد و نهادینه شود، همگی باید از آن تبعیت کنند. آیا تنها جامعه و مردم باید از حکومت تبعیت کنند؟ چرا حکومت نباید از مردم تبعیت کند؟ این پدیده، پدیده‌ای دوطرفه است و در حقیقت شاید هم یکطرفه! اگر جامعه به عقلانیت مطلوبی برسد، این حکومت است که باید از جامعه تبعیت کند، نه جامعه از حکومت.

۱۶-۶- خصوصیات رویکرد ما در تبیین: مفهوم، ماهیت و خصوصیات دولت

اما رویکرد ما چیست؟ رویکردی را که ما در تبیین مفهوم، ماهیت و خصوصیات دولت، اتخاذ کردیم، خصوصیات مشخص و شاید منحرفردی دارد (شکل ۶۵). در عین اینکه، نگاه تجویزی به دولت داریم، لزوم مهندسی دولت را نیز تبیین می‌کنیم. اینکه دولت پدیده‌ای است که می‌توان آن را ساخت، نه اینکه تنها بتوان آن را توصیف کرد. می‌توان دولت را مهندسی و بنا کرد، و شکل مطلوبی را به آن تجویز کرد و می‌توان نشان داد که چگونه شکل مطلوبی از دولت می‌تواند ایجاد شود.

در ضمن، پدیده دولت را به عنوان یک ساختار ارگانیک توصیف می‌کنیم. بدین منظور، نشان می‌دهیم که چنین موجودی، با شکل یک ارگانسیم زنده، خودش باید شکل گیرد. یعنی به عنوان مثال، نمی‌توان جای تک‌تک عناصر را کاملاً مشخص کرد و تعاملات آنها را در محدوده مشخصی تعیین کرد و مطمئن بود که خارج از این محدوده نمی‌تواند تعاملاتی داشته باشند. بلکه، با علم به این

موضوع که موجودات زنده‌ای جامعه و دولت را تشکیل می‌دهند، و تنها باید با رهنمودها و راه کارهای متناسب با چنین ساختاری، دولت را به سمت مطلوبیت بیشتر هدایت کرد.

فراکتالیسم، تلاش می‌کند که اولاً پدیده ساختار ارگانیکی یک نظام کلان را توصیف کند، یعنی با دیدگاهی که در نگرش توصیفی به پدیده دولت وجود دارد، مشخص می‌نماید که دولت چه پدیده‌ای است و ماهیت آن چیست؛ و ثانیاً رویکردی که باید در طراحی و دخل و تصرف در چنین ساختاری داشته باشیم را توصیف می‌کند. یعنی مشخص می‌کند که چگونه می‌توان یک نظام کلان (که دولت یکی از حالات آن است) را بنا کرد. فراکتالیسم، نه تنها یک مکتب توصیفی، بلکه یک مکتب طراحی است و مشخص می‌کند که چگونه یک پدیده مطلوب را باید طراحی کرد.

این تفاوت، تقریباً شبیه به تفاوت بین شیوه درمان یک روان‌پزشک، با شیوه تعمیر یک تعمیرکار اتومبیل است. یک تعمیرکار اتومبیل، پس از انجام آزمایش و بررسی اتومبیل، عملیاتی را مانند تعویض یک وسیله و یا تعمیر آن انجام می‌دهد، و یا در حالتی ممکن است دخل و تصرفی نیز مانند قرارداد دادن یک شلنگ در آن انجام دهد تا اتومبیل را درست کند. این کارها، تماماً عملیات مکانیکی است که اجزا را جزء به جزء مشخص می‌کند. مشابه این رفتار را در حوزه‌هایی مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌توان مشاهده کرد که طبق همین رفتار مکانیکی، کل جامعه و دولت تبیین می‌شود و تمام حرکت‌ها و قوانین تعیین شده با چنین نگرشی انجام می‌گیرد. اما یک روان‌پزشک، به گونه دیگری رفتار می‌کند. او ابتدا روان انسان را درک می‌کند، رفتارهای او را می‌فهمد، مشکلات او را در رفتارهایش شناسایی می‌کند و سپس اقداماتی را انجام می‌دهد. این اقدامات، از جنس اقدامات روحی و روانی درون انسان است، نه اقدامات صرفاً مکانیکی. البته به استثنای برخی از روان‌پزشکان امروزی که فوراً به قرص و دارو اکتفا می‌کنند و سعی می‌کنند شخص را به شکل فیزیکی و شیمیایی درمان کنند! برای درمان شخصی که مثلاً مشکل وسواسیت دارد، نمی‌توان اقدامات اجباری و دستوری در نظر گرفت. حتی درمان دارویی نیز به تنهایی نمی‌تواند چاره‌ساز باشد. مشکل او باید از طریق درک و اصلاح عقلانیت و نیز اصلاح رویکردها و برخوردها و در واقع از طریق رهنمودهایی که به او داده می‌شود، درمان شود. از این رو، عمده درمان یک روان‌پزشک خوب، زمانی مطلوب خواهد بود که درمانش غیرفیزیکی و روانی باشد.



شکل ۶۵ - خصوصیات رویکرد ما در تبیین: مفهوم، ماهیت و خصوصیات دولت

نگاه روانشناسانه به انسانها و ادراک و عقل آنها به عنوان عناصر اساسی شکل دهنده جامعه و دولت، در کنار نگاه جامعه‌شناسانه به دولت به عنوان پدیده اجتماعی، رویکرد ماست. هر چند برای بناکردن ابعاد مدل دولت، از پدیده‌های رفتاری فرد استفاده کرده‌ایم، و نگاهی انسان‌شناسانه و روان‌شناسانه به دولت داریم، ولیکن ارتباط کل انسانها و مسائل مربوط به جامعه‌شناسی را نیز مورد توجه قرار داده‌ایم. بنابراین، هر دوی این دیدگاه‌ها در کنار هم باید وجود داشته باشد. نه جامعه را می‌توان بدون تصور فرد ترسیم کرد، و نه فرد را می‌توان بدون در نظر گرفتن جامعه و ابعاد آن ترسیم نمود.

از طرف دیگر، در رویکرد ما در تبیین مفهوم، ماهیت و خصوصیات دولت، ترسیم آرمانگرایانه از پدیده دولت، در عین بررسی واقع‌گرایانه مسائل موجود و اقدامات واقعی که می‌توان برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به آن پدیده آرمانی داشت، انجام می‌گیرد. یعنی، در ترسیم آرمان‌گرایانه دولت، واقعیت‌های موجود را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

روش فلسفی برای تحلیل و تبیین بنیادین پدیده دولت، در کنار توجه به عوامل تاریخی و تجربی و تطابق تحلیل با واقعیات، از دیگر رویکردهای ما برای تبیین پدیده دولت است. یعنی، در عین اینکه مبتنی بر یک بنای فلسفی و مبتنی بر سازوکار عقل، ادراک و چگونگی رسیدن از ادارک به نیاز، ارزش، خواست، اراده و عمل، سلسله مراتبی را در تبیین فلسفی و منطقی شکل می‌دهیم، به عوامل

تاریخی و تجربی هم توجه می‌کنیم و تحلیل مان را مطابق با واقعیات صورت می‌دهیم. به عبارت دیگر، در عین اینکه منطق مشخصی برای چگونگی ایجاد حکومت تبیین می‌کنیم، و زیربنای مولفه‌های حکومت، دولت و جامعه را مبتنی بر نفس و خواسته‌های نفس انسان و نیز خصوصیات جامعه بیان می‌کنیم، مصداق‌های تاریخی را نیز مورد توجه قرار می‌دهیم و پدیده‌ای تاریخ‌مند که واقعیت‌های تاریخی گذشته را تبیین می‌کند را مورد نظر قرار می‌دهیم. انشاءالله در تبیین جزئیات بحث نظری، یافته‌هایمان را ارائه خواهیم کرد و در آنجا مشاهده خواهد شد که چگونه تمام این دیدگاه‌های مختلف در نگرش ما لحاظ شده است، و یک نگرش یکپارچه‌ای را با در نظر گرفتن این دیدگاه‌ها ارائه خواهیم کرد.

۱۷-۶- نتیجه‌گیری

در این فصل، پدیده دولت را تعریف کردیم. اما آیا حکومت الکترونیک یا E-Government، الزامی برای ما ایجاد می‌کند که به سمت E-State هم حرکت کنیم؟ و آیا باید با نیم‌نگاهی به E-State پدیده E-Government را ترسیم کنیم؟ این‌ها سوالاتی است که در فصل بعد ضمن تبیین پدیده E-Government و E-State به آن خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که حرکت ما به سمت پدیده E-Government، ما را خواه‌ناخواه به پدیده E-State خواهد کشاند.

فصل هفتم

حکومت الکترونیک و دولت الکترونیک

مبثنی بر تعاریفی که از پدیده‌های اطلاعات، فن آوری اطلاعات، جامعه، جامعه اطلاعاتی، و حکومت و دولت ارائه نموده‌ایم، به تبیین بخش اصلی نظریه در حوزه حکومت الکترونیک و دولت الکترونیک می‌پردازیم. این پدیده‌ها را تعریف کرده، و ابعاد، خصوصیات و ملزومات آنها را مشخص می‌کنیم.

۱-۷- حکومت الکترونیکی برای جامعه اطلاعاتی

همان طور که در فصل قبلی ذکر شد، حکومت، در تعامل و وابستگی جدی با جامعه است و این دو را نمی‌توان از یکدیگر منفک دانست. البته، جامعه اولیه، بدون حکومت وجود دارد، ولیکن جامعه مدنی بدون حکومت، قابل تصور نیست و حکومت هم بدون جامعه معنایی ندارد.

جامعه در حال حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی است و جامعه اطلاعاتی (طبق خصوصیات و ابعادی که برای آن ذکر شد) در حال شکل‌گیری است (شکل ۶۶). ساختار حکومتی اگر نتواند ساختار مناسبی برای حکومت در جامعه اطلاعاتی به خود بگیرد، نمی‌تواند نیازهای این جامعه را برآورده کند و شکست می‌خورد. خواه‌ناخواه، حکومت باید به سمت حکومت الکترونیک حرکت کند تا بتواند نیازهای جامعه اطلاعاتی را پوشش دهد.



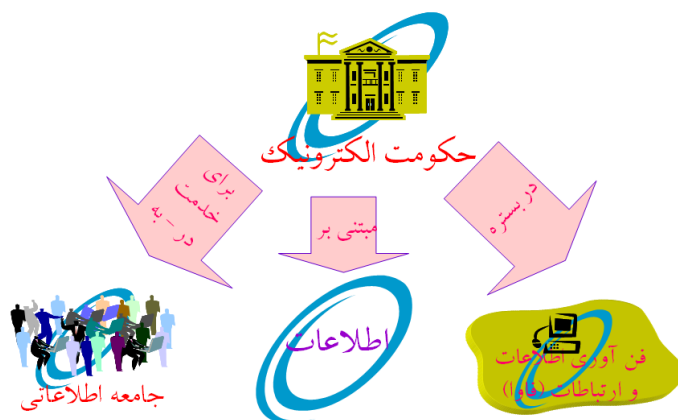
شکل ۶۶ - حکومت الکترونیکی برای جامعه اطلاعاتی

۷-۲- بنیادهای حکومت الکترونیک

در چنین شکلی، حکومت الکترونیک، باید در بستر فن آوری اطلاعات، مبتنی بر اطلاعات، برای خدمت در جامعه اطلاعاتی و به جامعه اطلاعاتی، بنا شود (شکل ۶۷). در چنین صورتی است که می توان از حکومت الکترونیک تعریف مشخصی ارائه کرد.

۷-۳- حکومت الکترونیک

حکومت الکترونیک، سامان یافتن حکومت و سازمانها، دستگاهها، و قوای آن، و فعالیت های آنها، در بستره فن آوری اطلاعات، مبتنی بر سازماندهی، مدیریت، نگهداری، تامین و توزیع اطلاعات، برای ارائه خدمات و اعمال حاکمیت، در جامعه اطلاعاتی و به آن است.



شکل ۶۷ - بنیادهای حکومت الکترونیک

با توجه به تبیینی که از جامعه و ارتباط آن با حکومت و جامعه اطلاعاتی شد، این تعریف از پدیده حکومت الکترونیک، تعریف دشواری نیست. نکته اساسی در نظریه دولت الکترونیک، در این نقطه بنا می‌شود که اگر می‌خواهیم به حکومت الکترونیک دست پیدا کنیم، این پدیده خواه‌ناخواه ما را به سمت دولت الکترونیک خواهد کشاند و پدیده E-State شکل خواهد گرفت. حرف اساسی نظریه دولت الکترونیک، در همین نکته نهفته است.

حکومت الکترونیک، پدیده عجیبی نیست که بخواهیم از آن در یک نظریه خاص صحبت کنیم.

۴-۷- یادآوری: برخی از خصوصیات جامعه اطلاعاتی

تبیین پدیده حکومت الکترونیک، به نحوی با پدیده جامعه اطلاعاتی گره خواهد خورد که از این گره، دولت الکترونیک بیرون خواهد آمد. برای انجام این تبیین و روشن‌تر شدن آن، لازم است برخی از خصوصیات را که برای جامعه اطلاعاتی در بخش مربوطه ذکر کردیم، در یک یادآوری بیان کنیم.

برخی از خصوصیات یک جامعه اطلاعاتی عبارتند از (شکل ۶۸):

- مشارکت اقشار مختلف - اقشار مختلف، در شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی مشارکت می‌کنند.



شکل ۶۸- برخی از خصوصیات جامعه اطلاعاتی

- تعاملی بودن بیشتر - با توجه به جامعه بودن پدیده جامعه اطلاعاتی، و با توجه به خصوصیت مبتنی بودن جامعه اطلاعاتی بر فن آوری اطلاعات، این جامعه نسبت به جوامع دیگر، دارای درجه بیشتری از تعامل است.
- خارج بودن از محدوده مرزهای رسمی
- جهانی بودن
- مردم محور
- توزیع شدگی
- ویژه گرایی
- اشکال جدیدی از نظامها و اشکال توسعه را شکل می دهد
- اشتراک وسیع و به جریان افتادن اطلاعات و دانش و تجربیات و علوم
- تضادهای (پارادوکسها) نو
- توسعه قواعد، مکانیزمها و استانداردها
- خودسازمانده و فعال در شکل گیری - خودسازماندهی در بطن جامعه اطلاعاتی شکل می گیرد و به طور فعال قابل مشاهده است.



شکل ۶۹- ملزومات جامعه اطلاعاتی

• ساختار فراکتالی

در یک جمع‌بندی، بیان نمودیم اصولی را که برای ساختارهای فراکتالی قائل هستیم، با یک ساختار زنده و نظیر یک ارگانیزم یک ساختار زنده بنا می‌شود.

۵-۷- یادآوری : ملزومات جامعه اطلاعاتی

گفتیم که برای تحقق جامعه اطلاعاتی، ملزوماتی باید شکل گیرند که عبارتند از (شکل ۶۹):

- غیرفنی‌سازی در حوزه کاربری فاوا
- فرصت‌های عادلانه و ملزومات در استفاده از فاوا
- فرصت‌های ویژه و یارانه‌ای در کاربرد فاوا
- خارج‌شدن از حصار و ابزارهای دولت‌ها
- مشارکت مردم - حکومت در شکل دولت
- چارچوب‌های قانونی و سیاسی جدید و متفاوت
- احترام به آزادی‌های معقول و فراهم‌آوردن فرصت برای ارائه دیدگاه‌ها و نظرات و مشارکت در فعالیت‌ها
- جریان آزاد ایده‌ها



شکل ۷۰- تمایل شدید خصوصیات و ملزومات جامعه اطلاعاتی به خصوصیات و

ملزومات دولت : وجوه مشترک

- حفظ حریم‌ها و اطمینان و امنیت و ایمنی
- ارتقاء دانش، مهارت، فرهنگ و آگاهی عمومی نیروی انسانی
- تعامل و مشارکت جهانی
- درک فرهنگ‌های متفاوت و تعامل فرهنگی آگاهانه
- چند زبانی شدن بسترهای اطلاعاتی
- رشد عقلانیت

۶-۷- تمایل شدید خصوصیات و ملزومات جامعه اطلاعاتی به خصوصیات و ملزومات

دولت : وجوه مشترک

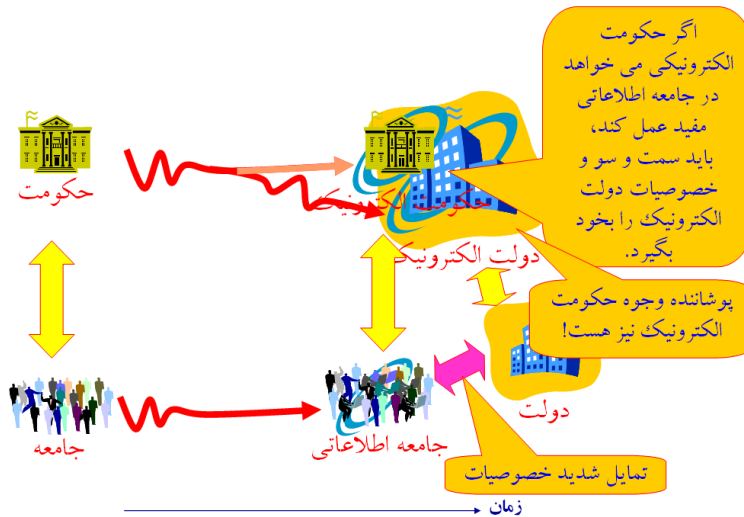
در بخش‌های گذشته، خصوصیات و ملزومات دولت (با معنای عام آن) و همچنین، خصوصیات و ملزومات جامعه اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفتند، با کمی دقت، مشاهده می‌شود که وجوه اشتراک زیادی بین این دو پدیده (دولت و جامعه اطلاعاتی) وجود دارد و به نظر می‌رسد که تمایل شدیدی بین خصوصیات و ملزومات آنها وجود داشته باشد (شکل ۷۰).

این وجوه مشترک عبارتند از:

- نهادینه شدن قدرت در بستره جامعه
 - استفاده از موتور اصلی جامعه برای به جریان انداختن اقتدار در جامعه
 - مشارکت، محوریت و تعامل شدید با مردم
 - توزیع تصمیم گیری
 - بستره مشترک و متعامل تصمیم گیری حکومت، جامعه، افراد
 - خودسازماندهی
 - تعامل و در هم تنیدگی شدید حکومت - جامعه
 - شکست حصار حکومت و تبدیل شدن سیستم بسته حکومتی به یک سیستم باز
 - توزیع در کنار تمرکز و بومی سازی در کنار یکپارچگی ملی
 - وابستگی به رشد عقلانیت جامعه و حکومت
 - ساختار ارگانیکی و زنده
 - ساختارهای فراکتالی
- اینها، خصوصیات و ملزوماتی هستند که در هر دو پدیده جامعه اطلاعاتی و دولت وجود

دارند.

۷-۷- حکومت الکترونیک یا دولت الکترونیک



شکل ۷۱- حکومت الکترونیک یا دولت الکترونیک

با توجه به وجوه مشترکی که بین جامعه اطلاعاتی و دولت در بخش قبل ذکر شد، و با عنایت بر این موضوع که حکومت در جامعه اطلاعاتی، خواه‌ناخواه به سمت حکومت الکترونیک حرکت می‌کند، به این نقطه می‌رسیم که از یک سو تمایل شدید خصوصیات و غرابتی که بین پدیده دولت و جامعه اطلاعاتی وجود دارد، و از سوی دیگر تمایلی که بین پدیده دولت و حکومت وجود دارد، منجر به این خواهد شد که بجای آنکه حکومت انحصارا به حکومت الکترونیک برسد، دولت الکترونیک هم شکل گیرد. به عبارت دیگر، اگر حکومت الکترونیکی می‌خواهد در جامعه اطلاعاتی مفید عمل کند، باید سمت و سو و خصوصیات دولت الکترونیک را به خود بگیرد (شکل ۷۱). دولت الکترونیک، پوشاننده وجوه حکومت الکترونیک نیز هست.

۸-۷- پیدایش دولت الکترونیک از حکومت الکترونیک؛ حرکتی خودجوش

بنابراین، تمایلاتی که در این میان وجود دارد، شکل‌گیری دولت را به شکل یک حرکت خودجوش در می‌آورد. از این رو، تجویزی در این موضوع وجود ندارد، و اینطور نیست که بگوئیم چون این خصوصیات وجود دارد، خوب است که به سمت دولت الکترونیک حرکت کنیم. هنگامی که حرکت به سمت حکومت الکترونیک اتفاق می‌افتد، حرکت به سمت دولت الکترونیک، به شکل ناخودآگاه رخ می‌دهد (شکل ۷۲). به عنوان یک نشانه از شکل‌گیری این



شکل ۷۲ - پیدایش دولت الکترونیک از حکومت الکترونیک؛ حرکتی خودجوش

حرکت، باید گفت که، خصوصیات، خدمات و وجوهی که در حکومت الکترونیکی (EG) در کشورهای مختلف مطرح می شود، ابعاد دولت است، نه اینکه در حکومت مطرح باشد. در بررسی تطبیقی که در حوزه حکومت الکترونیک در کشورهای مختلف جهان انجام شده است، پدیده مشارکت مردم در تصمیم گیری، به عنوان یکی از ملزومات جدی حکومت الکترونیک مشاهده می شود. همچنین، در حرکت های جدی که در حوزه حکومت الکترونیک انجام شده است، توزیع عملیات در جامعه مطرح شده است. مردم سالاری الکترونیکی و ارائه خدمات یکپارچه دولت - کسب و کار - شهروندان نیز از دیگر مواردی هستند که در این میان مورد توجه قرار گرفته اند. اما اگر تنها صحبت از حکومت الکترونیک است، چه لزومی وجود دارد که مردم در تصمیم گیری ها مشارکت کنند؟ چه لزومی دارد عملیات در جامعه توزیع شود؟ چه لزومی دارد مردم سالاری الکترونیکی تحقق پیدا کند؟ چه لزومی به ارائه خدمات یکپارچه دولت - کسب و کار - شهروندان وجود دارد؟

اینها پدیده هائی هستند که تقریباً در تمام متون اساسی و کلیدی حکومت الکترونیک قابل مشاهده هستند. موردهای مکرر دیگری نیز وجود دارند که این مصادیق را نشان می دهند. این خصوصیات، نشان می دهد که افراد (افرادی که به سمت حکومت الکترونیک حرکت می کنند و فعالیت های حکومت الکترونیک را هدایت می کنند) بدون آنکه لزوماً از مبانی نظری شکل گیری دولت آگاه باشند، با فراهم شدن بستر حکومت الکترونیکی، پدیده های دولت الکترونیک را لمس و

درک، و به آن احساس نیاز می‌کنند. بنابراین، این افراد بدون آنکه این پدیده را الزاما بشناسند و نامی از آن ببرند، آن را لمس و به آن احساس نیاز پیدا می‌کنند و حرکتی را برای تحقق آن سازمان می‌دهند. آنها لمس می‌کنند که مشارکت مردم چه رفتاری می‌تواند داشته باشد، لمس می‌کنند که جامعه اطلاعاتی، مشارکت مردم را طلب می‌کند. لمس می‌کنند که اگر توزیع اطلاعات در جامعه اطلاعاتی صورت نگیرد، توزیع عملیات امکان‌پذیر نیست.

جامعه اطلاعاتی، به سمت توزیع فعالیت‌ها حرکت می‌کند. خدمات یکپارچه دولت - کسب‌وکار - شهروندان، در جامعه اطلاعاتی شکل می‌گیرد. پس اگر حکومت اطلاعاتی بخواهد در جامعه اطلاعاتی عمل کند، باید این موارد را در نظر داشته باشد. در این صورت، اگر این موارد در نظر گرفته شود و به سمت تحقق آنها حرکتی انجام گیرد، این همان دولت الکترونیک خواهد بود. و جامعه‌ای که توانسته باشد چنین ابعادی را در خود متصور کند، طبق تعریفی که از حکومت و دولت ارائه کردیم، پدیده دولت را شکل خواهد داد. و هنگامی که پدیده دولت در بستر فن‌آوری اطلاعات شکل گیرد، دولت الکترونیک شکل خواهد گرفت.

۹-۷- دولت الکترونیک

حکومت الکترونیک، پدیده دولت را در بستر جامعه اطلاعاتی تکامل می‌دهد و در واقع، حکومت را به دولت تبدیل می‌کند.

دولت الکترونیک، شکل تکامل‌یافته جامعه اطلاعاتی و به عبارت دیگر، دولت اطلاعاتی است. همان طور که قبلا اشاره شد، جامعه‌ای که به اقتدار دست پیدا کند، دولت را می‌سازد، و حکومتی که برای نهادینه‌شدن در جامعه بتواند به سازوکار مناسب دست پیدا کند، به دولت تبدیل می‌شود. یک جامعه اطلاعاتی که به اقتدار دست پیدا می‌کند، دولت الکترونیک یا دولت اطلاعاتی را شکل می‌دهد.



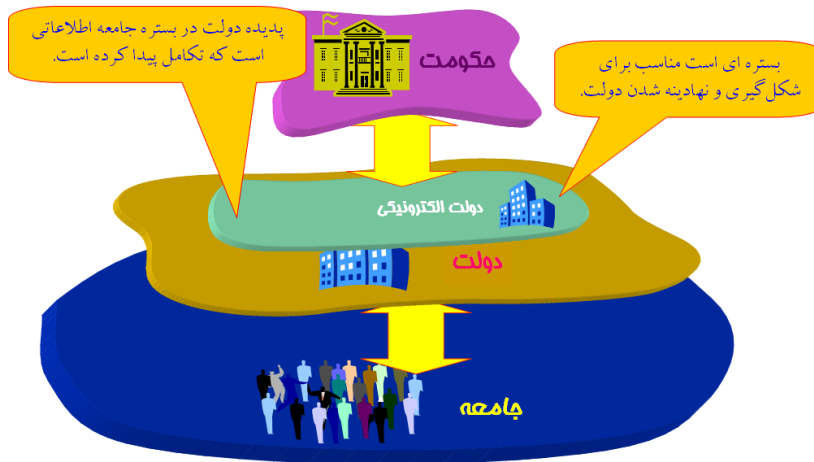
شکل ۷۳- ارکان دولت الکترونیک

دولت الکترونیک یا دولت اطلاعاتی، یک جامعه اطلاعاتی منسجم و دارای اقتدار است. اگر حکومت الکترونیکی بتواند در سطح جامعه نهادینه شود، یک دولت الکترونیکی را تشکیل می دهد.

۱۰-۷- ارکان دولت الکترونیک

مبتهی بر تبیینی که در بخش قبل از دولت الکترونیکی ارائه کردیم، از کان دولت الکترونیک، بر اطلاعات، فن آوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، جامعه اطلاعاتی، و حکومت الکترونیکی بنا شده است (شکل ۷۳). در این صورت، اگر بخواهیم دولت الکترونیکی را شکل دهیم، باید جامعه اطلاعاتی و حکومت الکترونیکی را تحقق دهیم، که البته اطلاعات و فاوا در بطن این دو نهفته است.

۱۱-۷- دولت الکترونیک



شکل ۷۴- دولت الکترونیک

به عبارت دیگر، دولت الکترونیک، هم بستره‌ای مناسب برای شکل‌گیری و نهادینه‌شدن دولت است و هم بسترسازی است برای تحقق و شکل‌گیری آن. دولت الکترونیک، پدیده دولت در بستر جامعه اطلاعاتی است که تکامل پیدا کرده است (شکل ۷۴). یعنی هنگامی که حکومت به سمت الکترونیکی شدن حرکت می‌کند، بستر فن‌آوری اطلاعات می‌تواند امکان تشکیل دولت را بسیار مطلوب‌تر و سریع‌تر از آنچه که قبل از این بستر قابل تصور بوده است تحقق دهد.

پدیده دولت از زمان‌های بسیار گذشته مانند دوران افلاطون وجود داشته و تبیین شده است، ولیکن شکل‌گیری این پدیده لزوماً از آن زمان انجام نشده و تحقق پیدا نکرده است. در برخی از موارد، دولتی با مفاهیم فوق و با وجوه مختلفش شکل گرفته و پس از مدتی شیرازه آن از هم پاشیده شده است و تنها حکومت و جامعه باقی ماندند. اما به نظر می‌رسد که دولت الکترونیک می‌تواند یک دولت ماندگار و پایدار را امکان‌پذیر، و تحقق بخشد.

۱۲-۷- نگرش‌ها به حکومت - دولت الکترونیک

نگرش‌های مختلفی به حکومت و دولت الکترونیک در جهان وجود دارد. این نگرش‌ها مرتبط با همان دیدگاه‌هایی هستند که در بخش دیدگاه‌های مختلف دولت الکترونیک مطرح شده‌اند. اما در این قسمت، این دیدگاه‌های مطرح‌شده، به شکل دیگری بیان می‌شوند. بدلیل اینکه در آنجا پدیده دولت و دولت الکترونیک با مفهومی که اکنون ذکر می‌کنیم، هنوز بیان نشده بود، نمی‌توانستیم

نگرش‌ها را بدین صورت نقل کنیم. ولی اکنون می‌توانیم بگوئیم که دیدگاه چهارم به پدیده دولت، و دیدگاه سوم تنها به حکومت الکترونیک اشاره می‌کند. این نگرش‌ها عبارتند از:

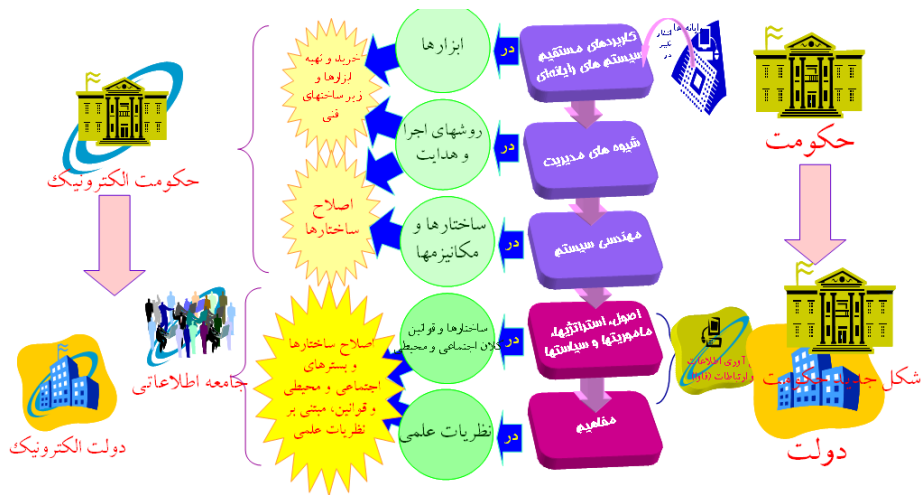
- در یک نگاه، از حکومت الکترونیک، به مثابه ابزاری برای حکومت نگریسته می‌شود. این نگاه، به دیدگاه اول و دوم مطرح شده به ابتدای بحث برمی‌گردد.
- در نگاه دیگر، به مثابه متحول‌کننده ساختار حکومت می‌تواند باشد. در این دیدگاه، نوع جدیدی از حکومت مطرح می‌شود که در دیدگاه سوم و چهارم قابل مشاهده است.
- در نگاهی دیگر، به مثابه متحول‌کننده مفهوم حکومت - دولت نگریسته می‌شود. این نگاه، در دیدگاه چهارم مطرح است. یعنی، کافی نیست تمام ساختار دستگاه دولت و دستگاه حکومت در بستر فن‌آوری اطلاعات و دولت الکترونیک وارد شود، بلکه باید مخاطبان حکومت، یعنی جامعه را نیز در این پدیده داخل کنیم. در این صورت، پدیده یکپارچه‌ای شکل می‌گیرد که جامعه را نیز تحت پوشش قرار داده است و در اینجا مفهوم دولت شکل می‌گیرد. بنابراین، زاویه نگاه چهارم، در واقع به پدیده دولت نگاه می‌کند.
- در نگاه دیگر، به مثابه متحول‌کننده تعریف توسعه یافتگی و پیشرفت، مبتنی بر محمول تحول مفهوم حکومت - دولت نگریسته می‌شود. یعنی می‌توان در نگاه چهارم، نگاه دیگری را اینگونه مشتق کرد که نه تنها پدیده دولت الکترونیک مفهوم حکومت و دولت را متحول می‌کند، بلکه تعریف توسعه یافتگی و پیشرفت را مبتنی بر محمول تحول مفهوم حکومت و دولت بنا می‌کند و بیان می‌کند که اگر بستر دولت الکترونیک بدین شکل محقق شود و E-State شکل گیرد، نوع جدیدی از توسعه یافتگی خواهیم داشت که تعریف متفاوتی دربر دارد و متکی بر مشارکت مردم و رشد عقلانیت خواهد بود. کشوری پیشرفته‌تر است که عقلانیت متعالی‌تر و نزدیک‌تر به عقلانیت الهی در آن کشور و در دولتش شکل گرفته باشد. این دیدگاه، مبتنی بر دیدگاه چهارم است و دیدگاه چهارم، زمینه‌ساز دیدگاهی در برنامه‌ریزی توسعه و نگرش به مفهوم توسعه خواهد بود و می‌تواند نگرش جدیدی را در حوزه توسعه امکان‌پذیر سازد.

۱۳-۷- فن آوری اطلاعات در خدمت حکومت و دولت؛ ابزار یا تحول حکومت و

دولت

اکنون می‌توانیم لایه‌های فن آوری اطلاعات و لایه‌های استفاده و اثر سیستم‌های رایانه‌ای در ساختار سازمان را بهتر مشاهده کنیم. اگر حکومت با نگاهش به لایه‌های مختلف فن آوری اطلاعات بخواهد از این بستر و فن آوری استفاده کند و مبتنی بر این بستر بنا شود، به شکل‌های مختلفی می‌تواند ظهور کند. اگر نگاه حکومت در لایه‌های اول دوم و سوم انتشار تغییر باشد، حداکثر حرکتی که در حکومت رخ خواهد داد، در خرید و تهیه ابزارها و اصلاح ساختارهای حکومتی است، و این در نهایت می‌تواند حکومت را به تشکیل یک حکومت الکترونیک (E-Government) سوق دهد (شکل ۷۵).

اما اگر حکومت با نگاه کامل، مفید و مطلوبی به فن آوری اطلاعات و به کارگیری آن و سیستم‌های رایانه‌ای بنا شود و حکومت الکترونیک را شکل دهد، به دولت الکترونیک ختم خواهد شد. به عبارت دیگر، اگر حکومت، استفاده از رایانه‌ها و استفاده از نباشدن در بستر فن آوری اطلاعات را بر مبنای لایه‌های چهارم و پنجم قرار دهد، یعنی حکومت بداند که بکارگیری فن آوری اطلاعات منجر به تغییر ساختارها، استراتژی‌ها، راهبردها، و حتی تغییر مفاهیم بنیادی خواهد شد و حرکتی را که در این تغییر و بکارگیری انجام می‌دهد، به شکل اصلاح ساختارها و بسترهای اجتماعی و محیطی انجام دهد و نظام جدی حکومتی را مبتنی بر نظریات علمی بنا کند، در این صورت تنها پدیده حکومت الکترونیکی شکل نمی‌گیرد، بلکه بطور خودجوش، جامعه اطلاعاتی و دولت الکترونیک در پهنه جامعه اطلاعاتی شکل می‌گیرد.



شکل ۷۵- فن آوری اطلاعات در خدمت حکومت و دولت؛ ابزار یا تحول حکومت

در واقع، حکومت در صورت نگاه به پدیده فن آوری اطلاعات در لایه‌های چهارم و پنجم، شکل جدید حکومت و پدیده دولت را می‌تواند ترسیم و بنا کند. به عبارت دیگر، شکل‌گیری صورت جدیدی از حکومت و دولت (دولت الکترونیک) به واسطه بستر فن آوری اطلاعات، به گونه مطلوب‌تری می‌تواند تحقق پیدا کند. بین لایه‌های فن آوری اطلاعات و حرکت‌های موجود در این لایه‌ها، با نوع ورود حکومت به دولت و پدیده جامعه اطلاعاتی، تناظری وجود دارد. این مسئله نقش محوری در تبیین پدیده دولت الکترونیک و برنامه‌ریزی توسعه در دولت الکترونیک دارد.

بطور خلاصه، در صورتی که پدیده حکومت سه لایه اول را در معادلات خود لحاظ کند و رفتارهای توسعه‌ای را تنها در همین سه لایه حرکت دهد، فقط می‌تواند به حکومت الکترونیک دست یابد. اما حکومتی که بتواند در لایه‌های پائین‌تر سیر کند، می‌تواند به جامعه اطلاعاتی و دولت الکترونیک برسد.

۱۴-۷- خصوصیات محوری دولت الکترونیک

مبتنی بر نگاهی که به پدیده دولت الکترونیک داشتیم، خصوصیتی برای آن قابل تصور هست که این خصوصیات تقریباً همان خصوصیتی است که برای جامعه اطلاعاتی بیان کردیم. به همین دلیل، لازم به توضیح تک‌تک موارد نیست. این خصوصیات محوری دولت الکترونیک عبارتند از:

- نهادینه‌شدن قدرت در بستر جامعه

- استفاده از موتور اصلی جامعه برای به جریان انداختن اقتدار در جامعه
- مشارکت، محوریت، در هم تنیدگی و تعامل شدید حکومت با جامعه
- توزیع تصمیم‌گیری و فعالیت‌ها
- ویژه‌گرایی
- اشکال جدید نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی و حکومتی
- بستر مشترک و متعامل تصمیم‌گیری حکومت، جامعه، افراد
- خودسازماندهی
- مبتنی بودن بر جریان وسیع اطلاعات و دانش و تجربیات و علوم
- شکست حصار حکومت و تبدیل شدن سیستم بسته حکومتی به یک سیستم باز
- توزیع در کنار تمرکز و بومی‌سازی در کنار یکپارچگی ملی
- وابستگی به رشد عقلانیت جامعه و حکومت
- ساختار ارگانیکی و زنده
- ساختارهای فراکتالی

۱۵-۷- حکومت - دولت الکترونیک: سه موضوع محوری



شکل ۷۶- حکومت - دولت الکترونیک: سه موضوع محوری

مبتنی بر خصوصیات که در بخش قبل ذکر شد، سه موضوع محوری حکومت و دولت الکترونیک، به شکلی می‌تواند بنا شود (شکل ۷۶) که هدف بنیادین آن ساختار و عملکرد حکومتی خوب به عنوان محملی برای توسعه است (یک Good Governannve برای شکل‌گیری یک Good Government). کارکرد اساسی حکومت و دولت الکترونیک، ارائه خدمات و اعمال حاکمیت برای ارائه خدمات است. بنیاد عملکرد این دو بر دسترسی به اطلاعات بنا می‌شود.

۱۶-۷- شکل محوری کارکردی دولت الکترونیک

شکل محوری کارکردی دولت الکترونیک، فراهم‌کردن بستر است، نه انجام عملیات! به عبارت دیگر، کارکرد دولت الکترونیک به شکل انجام عملیات مطلوب نخواهد بود، بلکه باید تبیین کنیم که دولت الکترونیک چه بسترهائی را فراهم می‌کند و کارکردهای دولت الکترونیک را در ایجاد این بسترها مشاهده کنیم.

۱۷-۷- کارکردهای اساسی دولت الکترونیک

مبتنی بر نگاهی که به شکل محوری دولت الکترونیک داشتیم، کارکردهای اساسی دولت الکترونیک، فراهم ساختن بسترهائی است برای (شکل ۷۷):

- تدبیر برای برنامه‌ریزی - باید بسنری وجود داشته باشد تا تدبیر لازم برای برنامه‌ریزی در دولت (چه در حکومت و چه در جامعه) تحقق پیدا کند و تسهیل شود.
- تدبیر برای سازماندهی و بهبود ساختار
- شناخت عمیق‌تر مسائل و امور کوچک و بزرگ جامعه
- تعامل در حکومت - جامعه و افراد باید بتوانند در حکومت، رفتارهای متعاملی داشته باشند.
- تسهیل عملیات، معاملات و فعالیت‌ها در جامعه و دولت
- انجام فنی و کارشناسی شده فعالیت‌ها
- تصمیم‌گیری به شکل توزیع‌شده و علمی - تصمیم‌گیری باید به شکل توزیع‌شده و علمی صورت گیرد و یک فضای تصمیم‌گیری با شکل تصمیم‌گیری فراکتالی باید شکل گیرد.
- پاداش و تنبیه مناسب
- سهولت دستیابی مردم - حکومت - امکان ارتباط نزدیک و تنگاتنگ این دو برای انجام مشارکت مردم در حکومت، باید تحقق پیدا کند.
- تسهیل رسیدگی و رفع مشکلات و امور کوچک و بزرگ مردم در هر سطح جامعه
- رسیدگی، شناخت و مدیریت منابع
- پیگیری فعالیت‌ها و اقدامات
- مدیریت بحران
- واکنش سریع در مقابل مدیریت بران
- شبیه‌سازی و تحلیل فعالیت‌ها
- راهبرد و سیاستگذاری کشور
- ساماندهی و بهبود و تکامل قوانین
- هماهنگی داخلی و بیرونی دولت و جامعه
- هماهنگی و همگرایی پژوهش‌های کاربردی
- تبلیغات و فرهنگ‌سازی ملی
- امنیت ملی و جامعه

- ایمنی ملی و جامعه

تازمانی که این بسترها ایجاد نشوند، شکل‌گیری دولت الکترونیک ناقص خواهد بود. مثلاً دولت الکترونیکی که امکان واکنش سریع را فراهم نکرده باشد، نمی‌تواند سازوکار مناسب را در حرکت دولت در جامعه‌ای که دائماً در حال تغییر و تحول است ایجاد کند. دولت الکترونیکی که به هماهنگی و همگرایی پژوهش‌های کاربردی نپردازد، نمی‌تواند دانش‌های موجود را برای به کارانداختن دو لایه پائین انتشار فن‌آوری اطلاعات و سامان‌دادن فعالیت‌های دولت در بستر فن‌آوری اطلاعات انجام دهد و نمی‌تواند یک دستگاه نظری مستحکمی برای انجام حرکت‌های خود فراهم کند.

هر کدام از این بسترها، بسترهائی هستند که خصوصیات دولت الکترونیک، آنها را ضروری و امکان‌پذیر می‌کند، یعنی این کارکردها هم امکان‌پذیر و هم ضروری اند. این کارکردها، کارکردهای الزامی و جزء ملزومات دولت الکترونیک هستند. مثلاً، اگر دولت الکترونیک بستر تدبیر را فراهم نکند، ناقص خواهد بود و امکان تحقق دولت با خصوصیتی که مطرح کردیم، وجود نخواهد داشت و امکان خودسازماندهی فراهم نخواهد شد.

اگر از زاویه دیگری به این کارکردها نگاه کنیم، مولفه‌هایی هستند که دین مقدس اسلام در تبیین ساختار حکومت و دولت آنها را معین کرده است. تک‌تک این مولفه‌ها و بسترها و نیز پیامدهائی که در ادامه خواهیم گفت، مواردی هستند که از جمله در نامه امیرالمومنین به مالک اشتر ذکر شده است و تمامی این موارد در آن نامه مستتر است. انشاءالله در فرصتی جداگانه، مبسوط به این موضوع می‌پردازیم و تک‌تک این موارد را از آن نامه منعکس خواهیم کرد و جایگاهشان را در نامه نشان خواهیم داد.

۱۸-۷- پیامدهای اساسی دولت الکترونیک

در صورتی که کارکردهای مطرح‌شده، در دولت الکترونیک تحقق پیدا کند و بسترهای مربوطه فراهم شود، پیامدهائی در جامعه محقق خواهد شد. این پیامدها عبارتند از (شکل ۷۸):

- تحقق عدالت برتر - اگر کارکردها تحقق پیدا کنند و بسترهایی نظیر نظارت مردم بر حکومت، مشارکت مردم در فعالیت حکومت، خارج شدن از حصار حکومت و نظایر آنها محقق شوند، نوعی از عدالت برتر، نسبت به عدالتی که در حال حاضر در جامعه



شکل ۷۸- پیامدهای اساسی دولت الکترونیک

وجود دارد و به عدالت مطلوب و متعالی مورد نظر اسلام نزدیک‌تر است، می‌تواند تحقق پیدا کند.

- **کارایی بیشتر ساختارهای حکومتی** - در صورتی که بسترهای ذکر شده توسط دولت الکترونیک شکل گیرند، ساختارهای حکومتی با کارایی بیشتری می‌توانند فعالیت خودشان را انجام دهند.
- **بهره‌وری منابع** - بسترها و کارکردهای ذکر شده، نقش موثری را در صرف منابع کم‌تر، و ارائه محصولات مطلوب‌تر و با کیفیت و کمیت بیشتری دارند و خدمات بهتری را ارائه می‌کنند و از منابع به نحو مطلوب‌تری استفاده می‌شود.
- **افزایش آزادی عمل شهروندان** - بسترها و کارکردها، می‌توانند منجر به افزایش آزادی عمل شهروندان و نیز تعیین سرنوشت آنها توسط خودشان شوند. خصوصاً در حوزه‌های محلی، افراد می‌توانند اختیارات و تصمیمات خاص خود را در آن حوزه و با توجه به شرایط خاصی که در آن حوزه وجود دارد، اتخاذ کنند و ضمن اینکه یکپارچگی و اقتدار کل دولت حفظ می‌شود، امکان قومی‌سازی، اختصاصی‌سازی و ویژه‌گرایی و متناسب شدن با شرایط محیط امکان پذیر خواهد بود. این طور نخواهد بود که تجویز یکسانی برای همه افراد، حوزه‌ها و مناطق ارائه شود. به عنوان مثال، یک

دانش‌آموزی خوزستانی با یک دانش‌آموزی چهارم‌حال و بختیاری با دانش‌آموز یک شهر بزرگ صنعتی مانند تبریز، مفاد آموزشی و ساختار آموزشی یکسانی نخواهد داشت. از این رو، ساختار اجتماعی یکسانی نیز نخواهد داشت، و حتی سازوکار حکومتی یکسانی هم در این افراد حکم فرما نخواهد بود و هر کدام ساز و کارهای متناسب با شرایط خاص خودشان را می‌توانند داشته باشند. در نتیجه، امکان آزادی عمل بیشتری متناسب با شرایط خودشان خواهند داشت.

- کاهش اصطکاک در تعاملات - در صورتی که بسترهای مناسبی ایجاد شوند، اصطکاک بین حکومت و جامعه که منجر به پدید آمدن اصطکاک‌های متعددی بین ستوه مختلف جامعه می‌شود (در تعاملات بین حکومت و جامعه، حکومت و حکومت، و جامعه و جامعه)، می‌تواند به حداقل برسد و کاهش پیدا کند.

- بهبود کیفیت زندگی، افزایش رفاه و کاهش فقر

- کوچک‌شدن ساختار حکومت - پدیده مشارکت افراد و مشارکت جامعه در حکومت، می‌تواند منجر به کوچک‌شدن ساختارهای حکومتی و توزیع‌شدن ساختار حکومت در جامعه شود.

- تحقق مشروعیت بیشتر و ایجاد حسن ظن و جلب رضایت مردم

- استفاده از پتانسیل‌های نهفته در جامعه و رشد استعدادها و خلاقیت - بسترهایی که به عنوان کارکردهای دولت الکترونیک مطرح شدند، می‌توانند منجر به استفاده از پتانسیل‌های نهفته در جامعه، و رشد استعدادها و خلاقیت‌های موجود در بطن جامعه و افراد، شوند. اینکه افراد امکان ابراز ایده‌ها، افکار، و فعالیت‌هایشان را در بستر جامعه داشته باشند و امکان مشارکت در فعالیت‌های جامعه، متناسب با خصوصیات و شرایط آنها وجود داشته باشد. همچنین، رفتارهای حکومت در ارتباط با هر یک از افراد، ویژه‌گرایی شود و متناسب با شرایط خاص هر کدام از افراد، با آنها رفتار شود. در این صورت، این امکان به آنها داد می‌شود که خلاقیت‌هایشان را در جامعه بروز دهند و رشد کنند.

- انعطاف‌پذیری، خودسازماندهی و تعادل و تطابق با تحولات سریع، و نیازمندی‌های محیط - در نهایت منجر به انعطاف‌پذیری، خودسازماندهی، تعادل و تطابق با تحولات

سریع می‌شود و دولت می‌تواند خود را به سرعت با نیازمندی‌های محیط مطابقت دهد. این ساختار خودسازمانده، در بطن جامعه گسترده است و از موتور اصلی جامعه برای رفتارها و سازماندهی‌هایش استفاده می‌کند.

- **تحکیم اقتدار ملی و دولت** - از طرف دیگر، چنین ساختار خودسازمانده‌ای که با شرایط محیط خود را تطبیق می‌دهد، اقتدار ملی را با شکل جدید و پدیده‌های جدیدی که در مسئله اقتدار جامعه اطلاعاتی مطرح است شکل می‌دهد و یک اقتدار قدرتمند، کوشا و کاملی را تحقق می‌دهد.

- **یکپارچگی بیشتر حکومت - جامعه** - بستری که در کارکردهای دولت تبیین شدند، منجر به یکپارچگی بیشتر حکومت و جامعه می‌شوند و پیوند وسیعی را در حوزه‌های مختلف بین حکومت و جامعه محقق می‌کنند.

- **ارتقاء عقلانیت جامعه و دولت** - مشارکت و دخالت مردم در فعالیت‌ها، و سازوکاری که برای این فعالیت‌ها فراهم می‌شود و همچنین به جریان افتادن دانش و مهارت‌ها و تجارب در جامعه، و استفاده از پتانسیل‌های نهفته در جامعه و رشد استعدادها و خلاقیت، منجر به ارتقای عقلانیت جامعه و دولت خواهد شد.

- **ایجاد انگیزه در حرکت برای سازندگی و بهبود** - تمام موارد قبلی، منجر به این خواهند شد که انگیزه حرکت برای سازندگی و بهبود ارتقا پیدا کند و افراد تمایل بیشتری برای دخالت در سازندگی و بهبود پیدا کنند و حرکت‌هایی در آحاد جامعه و در حوزه‌های مختلف در این زمینه شکل گیرد و حکومت به این وسیله در جامعه نهادینه شود.

- **نهادینه‌شدن حکومت در جامعه**

- **همراه‌ساختن افکار عمومی در برنامه‌های حکومت** - افراد به واسطه مشارکت و نظارتی که در فعالیت‌ها دارند و نیز به واسطه پاسخگویی که بستر آن فراهم شده است، می‌توانند در برنامه‌های حکومت همراهی کنند، تا دولت بتواند به نحو مطلوب‌تری به مردم پاسخ دهد. نه اینکه مردم منتظر بمانند تا دولت در صدا و سیما گزارش‌هایی را آن هم به شکل صوری ارائه کند.

- **ایجاد نظم پایدار و با ثبات**

- ارتقاء سلامت و کاهش فساد در حکومت - دولت - به واسطه نظارت‌ها، و نیز به واسطه شفافیتی که بسترها فراهم می‌کنند، سلامت دولت و حکومت افزایش پیدا می‌کند و فساد کاهش پیدا می‌یابد و به طور جدی امکان برخورد با فساد بوجود می‌آید.

- افزایش شفافیت - بسترها، همگی بستری هستند برای تحقق شفافیت و امکان محقق کردن آن.

- تعالی جامعه و دولت

- فراهم شدن بهتر زمینه تحقق و عملی شدن دولت اخلاقی و کریمه طبق تعالیم عالیه اسلام

بنابراین، تصور می‌کنیم که بسترها و ساختارهایی که وجود دارند، می‌توانند این پیامدها را محقق کنند. ساختاری که در بطن پدیده دولت وجود دارد، می‌تواند در دولت الکترونیک تسهیل پیدا کند.

۷-۱۹- عوارض اساسی دولت الکترونیک

اما همانطور که جامعه اطلاعاتی عوارض ناخواسته‌ای به شکل مطلوب یا نا مطلوب دارد، دولت الکترونیک هم عوارض ناخواسته‌ای را در بردارد. ممکن است ما با انواع جدیدی از مشکلات مواجه شویم، که به هر حال نباید از این عوارض غافل بود. این عوارض عبارتند از (شکل ۷۹):

- مشکل در بهره‌گیری برخی از طبقات جامعه از برخی خدمات دولتی
- شکاف دیجیتالی در طبقات جامعه - هنگامی که همه خدمات به شکل وسیع در پوشش دولت الکترونیک ارائه شوند، بسیاری از طبقات جامعه ممکن است در بهره‌گیری از برخی از خدمات دولتی با مشکل مواجه شوند. این عامل، منجر به شکاف دیجیتالی در بین طبقات جامعه می‌شود. شکافی که هم بین طبقات مختلف جامعه، و هم بین جوامع مختلف می‌تواند وجود داشته باشد.



شکل ۷۹- عوارض اساسی دولت الکترونیک

- پیدایش انواع جدید فساد اداری و سیاسی و ساختارهای زیر زمینی مجازی - در عین اینکه بسترهای مطرح شده در کارکردهای مطلوب دولت الکترونیک، می توانند منجر به افزایش شفافیت شوند و فساد را در دولت کاهش دهند، انواع جدیدی از فساد در ساختارهای زیرزمینی مجازی، چه در حوزه اداری و چه در حوزه سیاسی می توانند شکل گیرند.
- وابستگی فعالیتهای دولت به افزارها و بسترها و خلل در فعالیت دولت در صورت خلل در افزارها - وابسته شدن فعالیتهای دولت به افزارها و بسترهای مطلوب، در صورتی که خللی در این افزارها ایجاد شود، در فعالیت دولت خلل ایجاد می کند و این می تواند در مواردی حتی منجر به بحران شود.
- پیدایش انواع جدید بحران
- پیدایش انواع جدید مسائل امنیت
- تغییر و تحول سریع محیط و ساختارها - تغییر و تحول سریع محیط و ساختارها، می تواند منجر به ائتلاف منابع شود. بدین معنی که ما قبل از آنکه از منابعی که مبتنی بر یک محیط خاصی بنا کرده ایم، استفاده کنیم و به کارایی مطلوب آن دست یابیم، محیط تغییر می کند و ما مجبوریم که منابع دیگری را صرف کنیم تا خودمان را با محیط تطبیق دهیم. این موضوع، منجر به ائتلاف منابع می گردد.

- تغییر نوع حاکمیت و اقتدار - نوع حاکمیت و نوع اقتدار، شکل جدیدی پیدا می کند و از این رو، باید توجه مطلوبی به آن کرد.
- تغییر نوع مرزها (از سرزمینی صرف به انواع جدید)
- مسائل فرهنگی جدید

۷-۲۰- ملزومات اساسی دولت الکترونیک

حال برای تحقق دولت الکترونیک مطلوب که کارکردها و پیامدهای مطلوب داشته باشد و عوارض را به حداقل برساند، چه ملزوماتی باید فراهم شود؟ به عبارت دیگر، چه ملزوماتی باید محقق شوند تا دولت الکترونیک به نحو مطلوب تری شکل گیرد؟ (شکل ۸۰)

- غیرفنی سازی در حوزه کاربری فاوا - بحث غیرفنی سازی در حوزه کاربری فاوا که از ملزومات جامعه اطلاعاتی بود، در اینجا نیز قابل مشاهده است. افراد باید بتوانند به نحو ساده ای از فن آوری اطلاعات استفاده کنند.
- فرصت های عادلانه در تصمیم گیری ها
- فرصت های عادلانه و ملزومات در استفاده از فاوا
- فرصت های ویژه و یارانه ای در کاربرد فاوا
- مشارکت مردم - حکومت
- خارج شدن از حصار و ابزارهای حکومتها
- ساختارهای مناسب و جدید حکومت
- چارچوبهای قانونی و سیاسی جدید و متفاوت



شکل ۸۰- ملزومات اساسی دولت الکترونیک

- احترام به آزادیهای معقول و فراهم آوردن فرصت برای ارائه دیدگاهها و نظرات و مشارکت در فعاليتها
- جریان آزاد ایده‌ها
- حفظ حریم‌ها و اطمینان و امنیت و ایمنی
- ارتقاء دانش و مهارت و فرهنگ و آگاهی عمومی نیروی انسانی
- تعامل و مشارکت جهانی
- درک فرهنگ‌های متفاوت و تعامل فرهنگی آگاهانه
- چندزبانی شدن بسترهای اطلاعاتی
- رشد عقلانیت
- شناخت عمیق مسائل جدید و ابعاد و واکنش‌های مناسب آن
- شناخت عمیق تعالیم اسلام و تطبیق بنیادین (و نه سطحی) ساختارهای د.ا. با آن - برای اینکه بتوانیم دولت را به تعالی برسانیم، لازم است تا از تعالیم اسلام شناخت عمیقی پیدا کنیم و ساختارهای دولت را به شکل بنیادین مبتنی بر این شناخت بنا کنیم،

به شکلی که امکان نباشد دولت مطلوب و مطابق با آرمان‌های اسلام وجود داشته باشد.

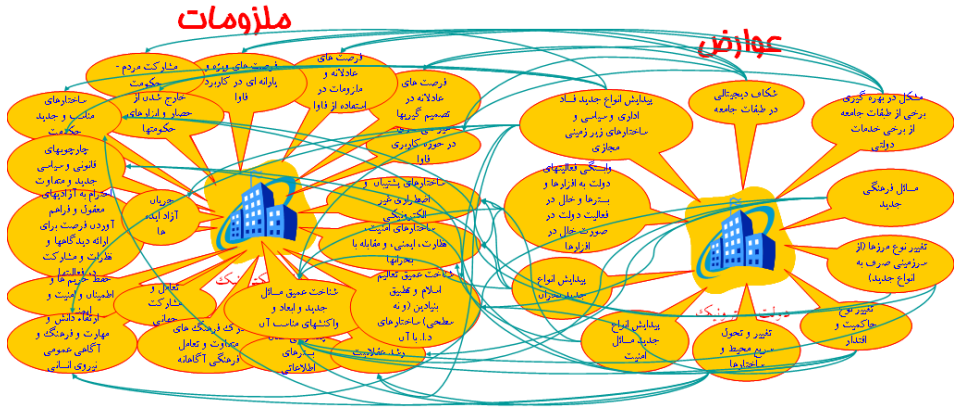
- ساختارهای امنیت، نظارت، ایمنی، و مقابله با بحران‌ها
 - ساختارهای پشتیبان و اضطراری غیرالکترونیکی - باید ساختارهای پشتیبان و اضطراری غیرالکترونیکی وجود داشته باشند تا در صورت خلل در فعالیت‌های بسترهای الکترونیکی، این ساختارها بتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند.
- این موارد، همگی ملزومات دولت و ملزومات جامعه اطلاعاتی بودند که پیش از این مورد بحث قرار گرفتند. به علت اینکه دولت الکترونیک نوعی از دولت است و در بستره جامعه اطلاعاتی بنا می‌شود، می‌بینیم که ملزومات آنها را دربر می‌گیرد. به همین علت، در اینجا به توضیحات اندکی قناعت کردیم.

۷-۲۱- ملزومات: پیش‌بینی برای کاهش عوارض

حال با توجه به عوارض و ملزوماتی که مطرح شد، آیا این ملزومات، عوارض را مورد پوشش قرار می‌دهند؟ بله، می‌توانیم نشان دهیم که تک‌تک این عوارض، توسط کدام ملزومات مورد پوشش قرار می‌گیرند و کاهش پیدا می‌کنند. برای هر کدام از این عوارض، ملزومات مناسبی پیش‌بینی و ارائه شده‌اند، و در صورت شکل‌گیری مطلوب و عنایت و یاری خداوند متعال، این ملزومات می‌توانند عوارض را به حداقل برسانند. (شکل ۸۱)

۷-۲۲- واژه دولت الکترونیک به جای: هم دولت و هم حکومت الکترونیک

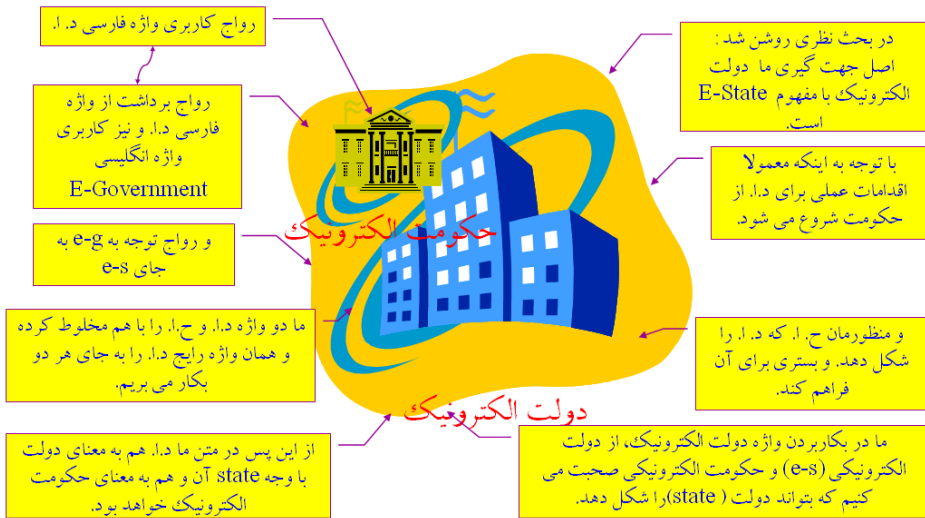
مبتنی بر تبیینی که از پدیده دولت الکترونیک انجام شد، بحثمان را تحت عنوان دولت الکترونیک مطرح می‌کنیم. از طرفی با توجه به اینکه واژه فارسی دولت الکترونیک، در تبیین پدیده حکومت الکترونیک یا E-Government رواج دارد، و برداشتی که از واژه فارسی دولت الکترونیک و کاربری واژه انگلیسی E-Government می‌شود، منظور و مقصود حکومت الکترونیک است.



شکل ۸۱- ملزومات: پیش بینی برای کاهش عوارض

در بحث نظری، روشن شد که اصل جهت گیری ما دولت الکترونیکی با مفهوم E-state است و لیکن بطور رایج در کشور ما و در دنیا، به جای توجه به E-State به E-Government توجه می شود. با توجه به اینکه معمولاً اقدامات عملی برای دولت الکترونیک از حکومت شروع می شود، یعنی اینکه نمی توان دفعتاً در بطن جامعه، اقداماتی را برای شکل گیری دولت الکترونیک انجام داد، بلکه باید از درون حکومت این اقدامات را شروع کرد، لذا دو واژه دولت الکترونیک و حکومت الکترونیک را با هم مخلوط می کنیم و همان واژه رایج دولت الکترونیک را به جای هر دو به کار می بریم (شکل ۸۲).

زمانی که از دولت الکترونیک نام می بریم و از نماد شکل ۷۹ استفاده می کنیم، منظورمان حکومت الکترونیکی است که باید دولت الکترونیکی را شکل دهد و بستری را برای آن فراهم سازد. از این پس در متن، ما دولت الکترونیک را هم به معنای دولت با وجه State، و هم به معنای حکومت الکترونیک به کار خواهیم برد. در به کار بردن واژه دولت الکترونیک، از دولت الکترونیک یا E-State و حکومت الکترونیکی صحبت می کنیم که بتواند دولت یا State را تشکیل دهد. بنابراین، بحث ما، هم دیدگاه های حکومت الکترونیک و هم بحث دولت الکترونیک را پوشش خواهد داد.



شکل ۸۲- واژه دولت الکترونیک به جای : هم دولت و هم حکومت الکترونیک

نتیجه‌گیری

به عنوان نتیجه‌گیری در تبیین دستگاه و چارچوب دستگاه نظری دولت الکترونیک، دو نتیجه مشخص را می‌توان بیان کرد.

۱-۸- نتیجه‌گیری اول

- اگر حکومت می‌خواهد به ابزار مناسب در جامعه اطلاعاتی دست پیدا کند، ضرورتاً باید به سمت حکومت الکترونیک حرکت نماید.
- اگر حکومت می‌خواهد ساختار مناسبی را برای فعالیت در جامعه اطلاعاتی و ارائه خدمات به آن داشته باشد، باید به ساختار حکومت در دولت نزدیک شود.
- کافی نیست حکومت ابزارهای رایانه‌ای را در حکومت به کار گیرد و به حکومت الکترونیک تبدیل شود.
- بلکه باید به دولت الکترونیک یا E-State تبدیل شود.

۲-۸- نتیجه‌گیری دوم

- برای حرکت حکومت به سمت دولت الکترونیک، خصوصیات و ملزومات دولت الکترونیک باید شکل گیرد.

- محور اساسی این خصوصیات و ملزومات، که مبنا و بنیان پدیده معماری دولت الکترونیک خواهند بود عبارتند است از: فراهم کردن بستر و ساختار باز برای حکومت و دولت، بصورت ارگانیک، زنده و خود سازمانده، با تصمیم‌گیری و عملیات توزیع‌شده طی مشارکت و تعامل وسیع جامعه و حکومت، و نهادینه‌شدن تصمیم‌گیری‌ها و قدرت حکومت در فرهنگ و بدنه جامعه.

۳-۸- ارزیابی چارچوب نظری

خوب، با توجه به جمع‌بندی که ارائه گردید، آیا ما توانسته‌ایم چارچوب نظری مطلوبی را بنا کنیم؟ بهترین راه برای پاسخ‌دادن به این سوال و ارزیابی چارچوب نظری بناشده، مرور سوالات پیشینی است که در ابتدا مطرح شد. مرور اینکه آیا توانسته‌ایم تعاریف مشخصی را از سوالاتی که در بخش سوالات پیشینی مطرح شده بود دهیم؟ آیا چارچوب نظری توانسته است پاسخ‌های مناسبی به این سوالات ارائه کند؟ از این رو، این سوالات و پاسخ‌های آن را مرور می‌کنیم.

۱-۳-۸- مرور سوالات پیشینی _ ۱

تعریف ما از دولت الکترونیک چیست؟ ما پدیده حکومت الکترونیک را تعریف کردیم و مبتنی بر آن، پدیده دولت الکترونیک را تبیین نمودیم که البته وابسته به تعریف جامعه اطلاعاتی، اطلاعات، فن‌آوری اطلاعات، حکومت و دولت بود.

آیا تنها بکارگیری ابزارها و ایجاد زیرساخت‌ها، دولت الکترونیک را تحقق می‌دهد؟ خیر، اگر ما حداکثر بتوانیم از ابزارها به نحو مطلوب استفاده کنیم، فقط به حکومت الکترونیک دست پیدا می‌کنیم.

آیا تنها اتوماسیون فرایندها و ایجاد سیستم‌های اطلاع‌رسانی، بانک‌های اطلاعاتی و امضای دیجیتال، دولت الکترونیک را تحقق می‌دهد؟ خیر، لازم است تا به پدیده‌های فراتراز اینها هم بپردازیم.

آیا دولت الکترونیک تنها ابزاری برای نظام دولتی با وضع موجود است؟ جواب منفی است، ما باید شکل جدیدی از حکومت و شکل جدیدی از نظام دولتی و دولت را ایجاد کنیم.

آیا دولت الکترونیک ابزاری برای حکومت است یا شکل خاصی از حکومت؟ پاسخ این سوال را دادیم.

آیا دولت الکترونیک بسترسازی برای تحول دولت، و در واقع نوعی از دولت تحول‌یافته است؟ پاسخ مثبت است، دیدیم که چگونه.

آیا تنها تغییر در ساختار و سازمان، و مکانیزم‌ها این دولت تحول‌یافته را محقق می‌کنند؟ پاسخ منفی است، دیدیم که تنها ساختار و سازمان و مکانیزم‌ها نیستند که تغییر می‌کنند، بلکه مفاهیم نیز شکل جدیدی به خود می‌گیرند.

آیا تفاوتی بین دولت و حکومت وجود دارد؟ بله، دیدیم که این تفاوت چیست. آیا دولت الکترونیک تنها به محدوده حکومت می‌پردازد یا دولت؟ دیدیم که اگر دولت الکترونیک تنها به حکومت الکترونیک بپردازد، خواه‌ناخواه به مفهوم دولت الکترونیک کشیده می‌شود.

۲-۳-۸- مرور سوالات پیشینی ۲

آیا مفهوم، پارادایم، ماهیت و ساختار دولت و حکومت در بستر دولت الکترونیکی دچار تغییر می‌شود؟ بله، ما با شکل جدید و پارادایم جدیدی برای دولت و دولت الکترونیک مواجه هستیم که با پارادایم مورد تصور ما در حکومت و ساختارهای جاری حکومت، متفاوت است. آیا این تغییر و تحول در محدوده حکومت باقی می‌ماند؟ پاسخ منفی است. خصوصیات مطلوب دولت الکترونیک چیست؟ این خصوصیات را لیست کردیم. ملزومات تحقق دولت الکترونیک با این خصوصیات مطلوب چیست؟ این ملزومات را لیست کردیم.

چه ضرورت‌هایی منجر به دولت الکترونیک، با این خصوصیات می‌شود؟ بحث اینکه برای ورود به دولت الکترونیک الزامی وجود دارد، و اینکه حکومت الکترونیک خواه‌ناخواه به پدیده دولت الکترونیک کشیده می‌شود، و همچنین ضرورت‌های آن را تبیین کردیم. چه کارکردها، پیامدها و بنیان‌های نظری برای دولت الکترونیک متصور است؟ مورد تبیین واقع شد.

عوارض، آثار و بازتاب‌های دولت الکترونیک بر جامعه و شهروندان آن چیست؟ همگی این موارد لیست شدند.

چه تعاملی بین دولت و شهروندان در دولت الکترونیک و از چه نوعی متصور است؟ دیدیم که چگونه شهروندان در فعالیتهای دولت مشارکت می‌کنند و نیز باید مشارکت کنند. رابطه دولت الکترونیک با جامعه اطلاعاتی، و اثرات متقابل آنها چیست؟ دیدیم که دولت الکترونیک و جامعه اطلاعاتی رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. دولت الکترونیک در جامعه اطلاعاتی و برای ارائه خدمات به جامعه اطلاعاتی شکل می‌گیرد، و جامعه اطلاعاتی دولت الکترونیک را با مفهوم دولت‌ش طلب می‌کند و حرکت خود جوشی را به آن سمت ایجاد می‌نماید.

سخن آخر

در پایان، یادآوری می‌کنیم که موضوع مورد بحث در این مستند، تنها اشاره به محورهای اساسی بحث نظریه دولت الکترونیک بود. انشاءالله خداوند متعال عنایت کند و در ادامه راه نیز ما را یاری نماید تا بتوانیم به شکل دقیق‌تری ابعاد نظریه دولت الکترونیک را تبیین کنیم، کما اینکه تا اینجا نیز عنایت او بوده که ما را به این نقطه رسانده، و بدون عنایت او هیچ حرکتی امکان‌پذیر نبوده و نخواهد بود و تمام حرکت‌های انجام شده اگر جهت مطلوب و محصول مطلوبی داشته باشد، از عنایت اوست و در صورتی که ضعف و نقصی داشته باشد، از ضعف و نقص ما در جذب عنایات او بوده است.

مستندات متعدد دیگری هم در این حوزه آماده شده است که باید به هم پیوند خورند. محصولات مرحله بعدی کار ما، در تبیین نه چارچوب، بلکه خود دستگاه نظری دولت الکترونیک و نظریه دولت الکترونیک است. از کلیه عزیزانی که روی این بحث فرصت می‌کنند و مطالعه می‌نمایند، به خاطر تحمل‌شان تشکر می‌کنیم و امیدواریم که نقطه نظر ایشان را به ما منعکس کنند، تا بتوانیم بنیان بهتری برای این دستگاه نظری بنا کنیم و این دستگاه نظری را هر چه مستحکم‌تر و با شکل مطلوب‌تری ارائه نماییم.